

شهاب



سال سوم، شماره چهارم، شماره پیاپی ۱۰، زمستان ۱۳۷۶

شماره استاندارد بین‌المللی: ۴۷۸۳ - ۱۰۲۹

ISSN: 1029 - 4783

میراث خطی کتابخانه

ده نسخه خطی نفیس ۲ سید محمود مرعشی نجفی

کلیک و کتاب

شیفتگان کتاب ۸
مثال تیشه در بیستون ۱۶
اخلاق روزنامه‌نگاری ۱۹
یک شاخه گل ۲۳
تأثیر لیگنین بر تخریب کاغذ ۲۵

علی رفیعی علامرودشتی
سید ابوالقاسم حسینی (زرفا)
هادی ربانی
محمد اسفندیاری
محمد رضا ارجمند

جهان کتابخانه

نگاهی به کتابخانه‌های عمومی ۲۸
کتابخانه آمبروزیانا ۳۲

میر محمود موسوی
حسین رفیعی

سفرنامه

میراث اسلامی در یمن ۳۵

سید محمود مرعشی نجفی

اخبار کتابخانه

● عملکرد کتابخانه در سال ۱۳۷۶ ● آمار کتابخانه در سال ۱۳۷۶ ● توافقنامه میان کتابخانه و وزارت امور خارجه ● خرید نسخه‌های خطی
● رهاورد سفر به مالزی ● دیدار پروفسور اسپازیتو از کتابخانه ● کنگره نقش سادات در فرهنگ و تاریخ اسلام و دعوت از کتابخانه
● ... و خبرهای دیگر

بازتاب دیدار

۵۷

انتشارات کتابخانه

نگاهی به مرآة الکتب ۶۲

محمد صحتی سردرودی

یک کتاب در یک مقاله

طرح تدوین کتابشناسی بزرگ شیعه ۶۷

سید حسن فاطمی

نامه‌ها

۷۰

به یاد یادآور آثار و میراث اسلام

کتابخانه حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی با همکاری مجله شهاب آهنگ آن دارد
یادنامه‌ای گرانسنگ در پاسداشت مقام بزرگ فرهنگبان مانا، حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی
نجفی، منتشر سازد. بدین رو از پژوهشگران، کتابداران و نسخه‌شناسان فراخوان می‌شود در این
اقلیم علمی و معنوی کام نهند.
مقالاتی که تا پایان خرداد ۱۳۷۷ فراچنگ آید در این یادمان مجال نشر می‌آید و تا شهریور
سال جاری عرضه می‌شود. ان شاء الله و هو ولی التوفیق.

ده نسخه خطی نفیس

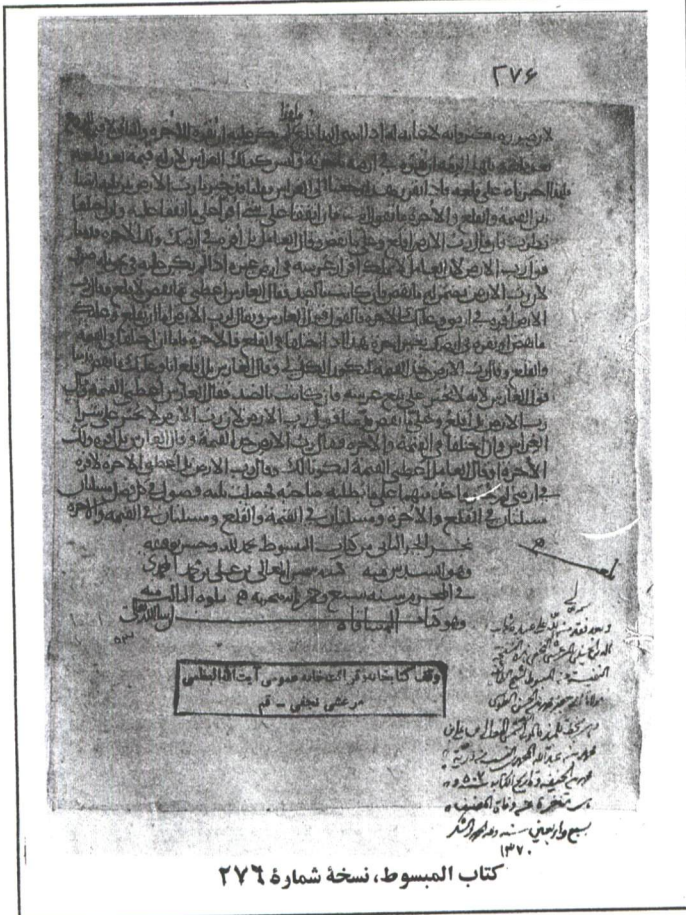
سید محمود مرعشی نجفی

۲۷×۲۰ سانتیمتر دارد و جلد آن از چرم قهوه‌ای رنگ تهیه شده است. این نسخه از نظر قدمت کتابت فوق‌العاده اهمیت دارد و ظاهراً قدیمترین نسخه موجود است. دستخط مرحوم آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره) در پایان جزء دوم آمده است؛ بدین شرح: و بعد فقد من الله علی عبده شهاب‌الدین الحسینی المرعشی النجفی هذه النسخة النفیسة من المبسوط لشیخ الطائفة مولانا ابی جعفر محمدبن الحسن الطوسی و هی بخط تلمیذه المولی السید شمس المعالی بن علی بن محمدبن

در کتابخانه بزرگ آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره) نسخه‌های خطی نفیس و کهن فراوان از سده پنجم قمری به بعد وجود دارد که از اهمیت ویژه برخوردارند. در شماره‌های پیشین به معرفی چند نسخه از آنها پرداختیم، و اینک نیز ده نسخه دیگر را - که از کتب مشهور شیعه و در سده ششم قمری کتابت شده است - به شرح ذیل معرفی می‌کنیم:

۱. المبسوط فی الفقه، به زبان عربی، تألیف شیخ محمدبن حسن بن علی طوسی، متوفی ۴۶۰ ق. این کتاب از کتب فقهی بسیار معروف شیعه است. چون که مورد استفاده علما و دانشمندان در هر عصر بوده، نسخه‌های فراوانی از آن در دست است. این کتاب برای اولین بار در سال ۱۲۷۰ ق در قطع رحلی و به خط محمدعلی خوانساری و تصحیح حاج میرزا مسیح تهرانی چاپ و منتشر گردید و آن‌گاه برای دومین بار در هشت جلد به همت انتشارات مرتضوی در قطع وزیری در تهران چاپ و منتشر شد. مؤلف در این کتاب سعی کرده است فروع فقهی را - که مخالفان متعرض شده‌اند - بیان کند. نسخه حاضر شامل نیمی از جزء دوم و قسمتی از جزء سوم کتاب است که از کتاب وکالت آغاز و به کتاب نکاح پایان می‌پذیرد. آغاز نسخه: «بعلمه و من قال لایحکم بعلمه لایمکن الوکیل من ذلک و لم یحکم له بالوکالة حتی یقیم البیتة». انجام: «والثانی انه مستحب و لیس بمحذور، اذا دخل.»

این نسخه به خط نسخ شمس المعالی بن علی بن محمدالمحمدی شاگرد مؤلف در محرم سال ۵۰۷ ق کتابت شده و در حاشیه علامت تصحیح دارد. نسخه کمی رطوبت دیده و متن و حاشیه شده است. ۲۲۷ برگ ۲۵ سطری در اندازه

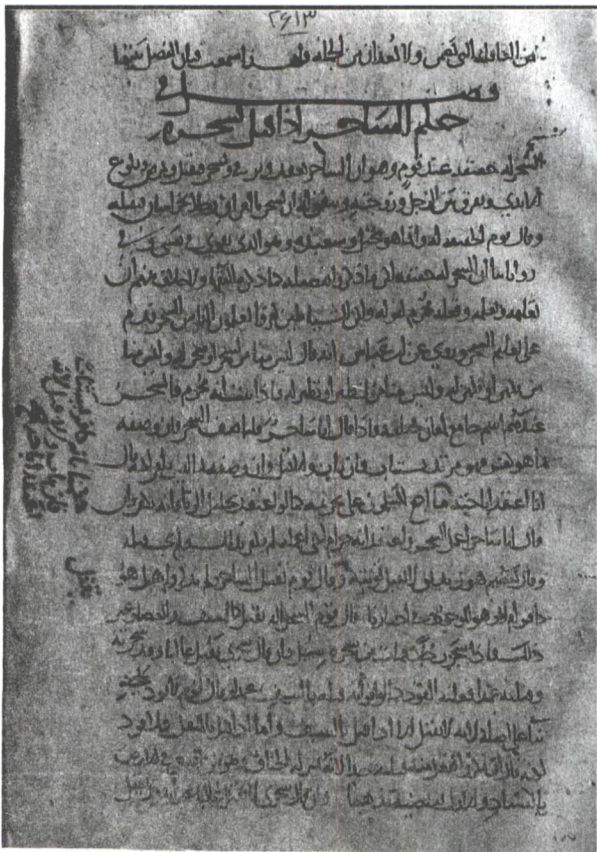


کتاب المبسوط، نسخه شماره ۲۷۶

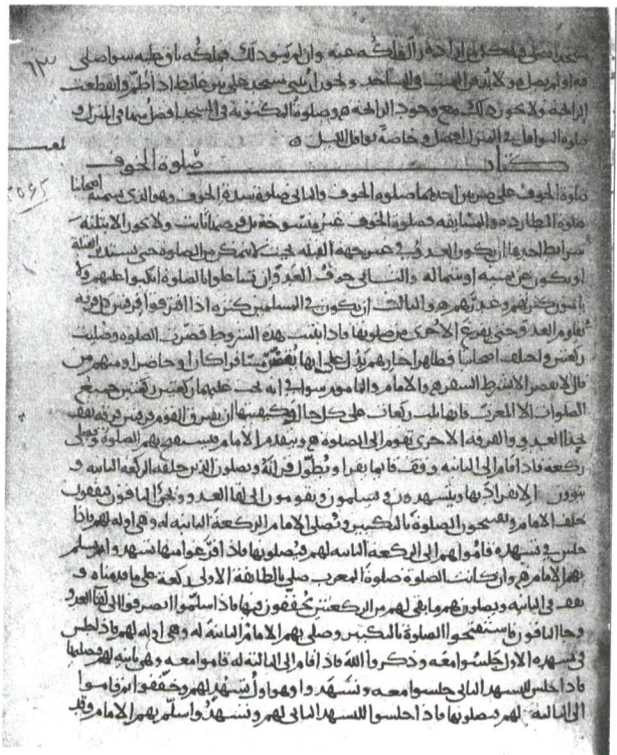
عنوانهای نسخه، مشکی درشت و برگها کمی فرسوده شده است. این نسخه از کتاب طهارت آغاز، و به کتاب السلم پایان می پذیرد. آغاز: «کثروا به کتبهم من مسائل الفروع و لافروع من ذلك الاوله مدخل فی اصولنا و مخرج علی مذهبننا.» انجام: «و كذلك دوده و كذلك بیع النحل اذا راها و اجتمعت.»

عبدالمحمدی النسب من ذریة محمد بن الحنفیه، و تاریخ کتابت ۵۰۷ هـ و هی متأخرة عن وفاة المصنف بسبع و اربعین سنة و لله الحمد و الشکر. ۱۳۷۰ ق. این نسخه به شماره ۲۷۶ در گنجینه کتابهای خطی موجود است.

۲. المبسوط فی الفقه، نسخه بسیار کهن و قدیمی است که در سده ششم قمری کتابت شده است. عنوانها مشکی و درشت تر از متن است و در حاشیه علامت تصحیح دارد. این نسخه در تملک شیخ احمد احسائی بوده و مهر بیضی و امضای وی در پشت برگ اول نسخه آمده است. پس از او در تملک فرزند شیخ احمد به نام علی بوده است. دارای دو یست برگ ۲۵ سطری در اندازه ۱۹×۱۵ سانتیمتر است. جلد آن از چرم قهوه‌ای رنگ ساخته شده است. این نسخه به شماره ۲۵۶۲ در گنجینه کتابهای خطی موجود است.



کتاب المبسوط، نسخه شماره ۲۶۱۳



کتاب المبسوط، نسخه شماره ۲۵۶۲

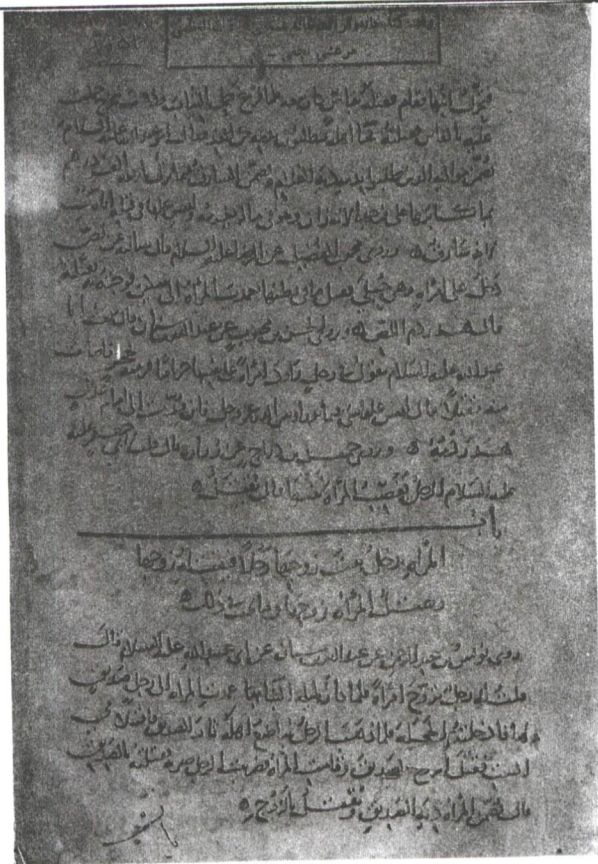
۲۳ برگ از آغاز نسخه نو نویسی شده است. این نسخه به مرور ایام در تملک تعدادی از علما قرار گرفته است. دارای ۲۸۳ برگ ۲۱ سطری در اندازه ۲۵×۱۷ سانتیمتر است. جلد آن چرمی و به رنگ قرمز است. این نسخه نفیس نیز به شماره ۲۶۱۳ در گنجینه کتابهای خطی موجود است.

۳. المبسوط فی الفقه، این نسخه نیز بسیار کهن و نفیس و در سده ششم قمری کتابت شده است. از کتاب الخراج آغاز، و به کتاب البینات پایان می پذیرد. انجام: «ان شهدت بانها فی ملک المدعی اشتراها من عمرو.»

۴. کتاب من لایحضره الفقیه، به زبان عربی، تألیف شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی، متوفی ۳۸۱ ق. مؤلف بیش از سیصد کتاب دارد. این کتاب از کتب چهارگانه حدیثی شیعه است و شامل چهاربخش و ۶۳۶ و یا ۶۶۶ باب و تعداد ۵۹۹۸ حدیث است. این کتاب اولین بار در بمبئی و آن گاه به سال ۱۳۲۵ ق در تهران و سپس دوبار در نجف اشرف و چندین بار در ایران چاپ شده است.

این جانب بیش از ۳۵ سال است که با نسخه‌های خطی آشنایی دارم. در این مدت از کتب اربعه کهن و قدیمی شاید تعداد ده نسخه بیشتر ندیده‌ام. نمی‌دانم چگونه است که از کتب فقهی و حدیثی دیگر، نسخه‌های فراوانی از سده ششم قمری به بعد در کتابخانه‌های مختلف وجود دارد، لیکن نسخه‌های کتب اربعه بیش از انگشتان دست نیست. در این کتابخانه تنها دو نسخه خطی وجود دارد: یکی همین نسخه و دیگری پس از این می‌آید. یک جزء از استبصار در نجف اشرف و یک جزء کافی در مشهد مقدس و نیز یک جلد دیگر کافی در کتابخانه مجلس و یک جلد تهذیب در شهرستان دزفول و یک جلد دیگر تهذیب نزد مرحوم علامه طباطبائی بوده که همگی در سده هفتم قمری کتابت شده است. غیر از اینها نسخه‌ای قدیمی از کتب اربعه در جایی ندیده‌ام. با آن که از کتب معروف شیعی است و در مراکز علمی گذشته تدریس می‌شده، نسخه‌های قدیمی آن، قبل از سده نهم قمری وجود ندارد. علامه مجلسی (ره) نیز به این مطلب توجه داشته است، لذا دستور داده تا صدها نسخه از کتب اربعه را تکثیر کرده و در محضر وی آنها را قرائت و تصحیح کنند. به هر حال، این نسخه

و نسخه بعدی بسیار کهن و نفیس و در سده ششم قمری کتابت شده است و فوق العاده اهمیت دارد. با کتاب القضا یا و الحدود آغاز می‌شود و به باب معرفة الکبائر ختم می‌گردد که جزء سوم کتاب به این باب اختصاص دارد. این کتاب به خط نسخ نوشته

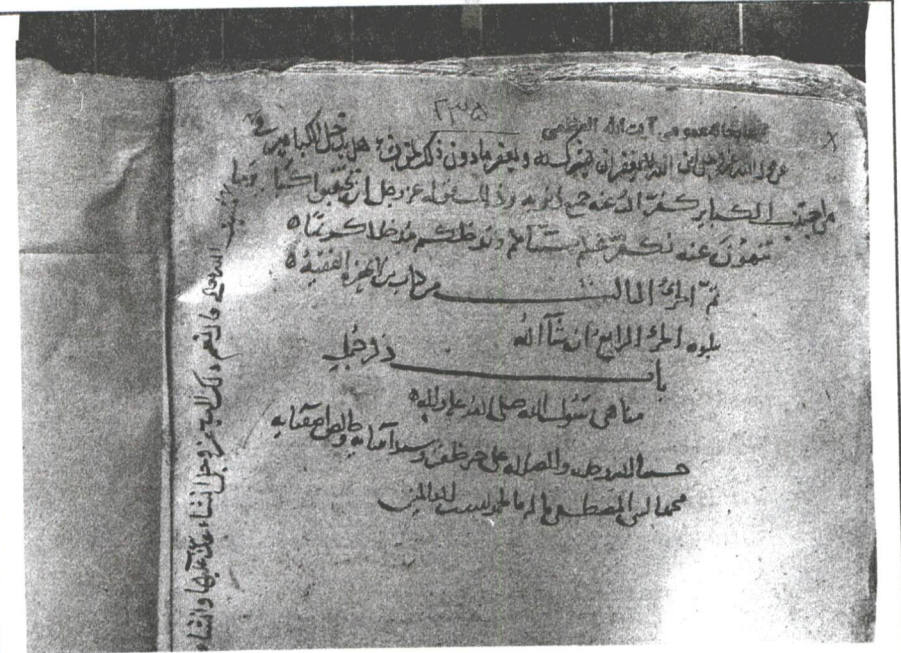


کتاب من لایحضره الفقیه، نسخه شماره ۲۱۵۱

شده و عنوانهای آن درشت‌تر از متن است. هشت برگ اول نونویس شده و بنابر نوشته پدر بزرگوارم آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره) این هشت برگ خط مرحوم آیت‌الله آخوند ملا حبیب‌الله کاشانی است که نسخه در تملک ایشان بوده است.

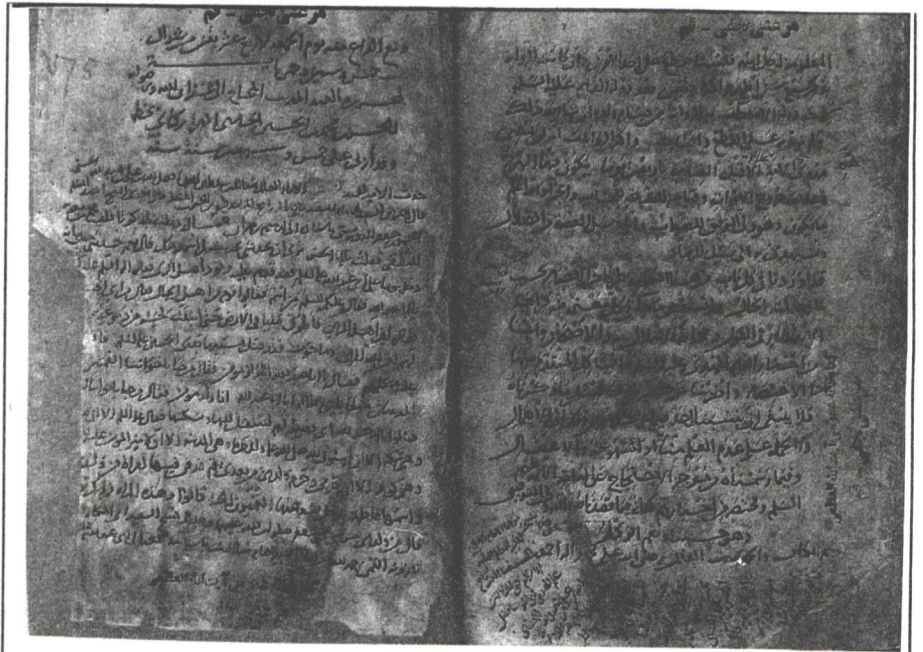
۱۴۸ برگ هیجده سطری در اندازه ۱۵×۲۴ سانتیمتر دارد. این نسخه بسیار ارزشمند به شماره ۲۳۵ در گنجینه کتابهای خطی موجود است.

۵. من لایحضره الفقیه، این نسخه همچون نسخه قبل است که در سده ششم قمری کتابت شده و فوق العاده اهمیت دارد و جزء چهارم کتاب را شامل می‌شود. خط از همان کاتب و عنوانها با خط مشکی درشت است. نسخه تصحیح شده و چند برگ از پایان کتاب نونویس شده است. جلد آن از چرم قرمز است. موربانه برگها را خورده و کتاب فرسوده شده است. دارای ۱۶۸ برگ نوزده



کتاب من لایحضره الفقیه، نسخه شماره ۲۳۵

سطری در اندازه ۲۴×۱۶ سانتیمتر است. این نسخه و نسخه قبلی را این جانب در دو مرحله از شهرستان کاشان، حدود ۲۵ سال قبل، برای کتابخانه خریداری کردم و هم اکنون به شماره ۲۱۵۱ در گنجینه کتابهای خطی موجود است.



کتاب الارشاد، نسخه شماره ۱۱۳۴

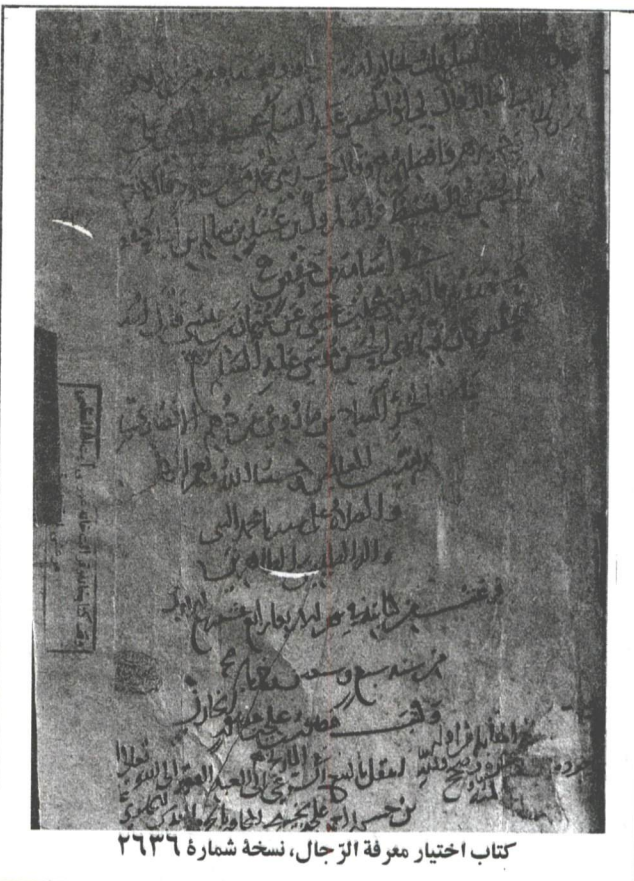
تألیف شیخ الطائفه ابو جعفر محمد بن حسن بن علی طوسی بغدادی، متوفی ۴۶۰ ق. بنا بر نقل ابن شهر آشوب در کتاب معالم العلماء، شیخ طوسی اغلاط زیادی را که در رجال کشی به نام معرفة الناقلين وجود داشته، دسته بندی و تصحیح و مرتب و تهذیب کرده است. بنا بر نقل صاحب الذریعه در جلد اول، ص ۳۶۵، این کتاب را شیخ در ۲۶ صفر ۶۵۶ ق بر شاگردان خود املا نموده، و بعد به نام رجال کشی معروف شده است. سید رضی الدین علی بن طاووس در کتاب فرج المهموم از نسخه اصل به خط مبارک شیخ طوسی می گوید: این کتاب، مختصر کتاب رجال ابی عمرو محمد بن عمر بن عبدالعزیز کشی است که وی اختیار کرده است.

این نسخه قدیمترین نسخه موجود است که به خط نسخ منصور بن علی بن منصور الخازن در روز چهارشنبه، چهاردهم ربیع الاول ۵۷۷ ق نوشته

۶. الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، تألیف شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان حارثی بغدادی، متوفی ۴۱۳ ق. این کتاب شامل تاریخ ائمه دوازده گانه شیعه و معجزات و اخبار و ولادت و وفات و خواص اصحاب و... است. و از کتابهای بسیار مفید و مورد توجه است.

آغاز: «فلم یتناکروه و هذا ایضاً ظاهر فی النص علیه بالامامة و الاستخلاف له فی المقام.» این نسخه در حال حاضر قدیمترین نسخه موجود است که در روز جمعه، چهاردهم شوال ۵۶۵ ق به خط نسخ حسن بن محمد بن حسین جاسبی هرازگانی در ۷۵ سالگی نوشته شده است. هرازگان جاسب از روستاهای سردسیر میان کاشان و قم است. عنوانها مشککی درشت، و نسخه تصحیح شده است و کاتب در صفحه پایانی می نویسد که کتاب را با نسخه سید فضل الله راوندی مقابله کرده و این کار را در روز یکشنبه سی ام ربیع الاول ۵۶۶ ق به پایان برده است. برگه کمی فرسوده شده است. جلد آن از چرم قرمز ضربی است. ۲۳۰ برگ بیست سطری در اندازه ۱۹×۱۲ سانتیمتر دارد. این نسخه ارزشمند به شماره ۱۱۴۴ در گنجینه کتابهای خطی موجود است.

۷. اختیار معرفة الرجال، معروف به: رجال کشی، به زبان عربی،



کتاب اختیار معرفة الرجال، نسخه شماره ۲۶۳۶

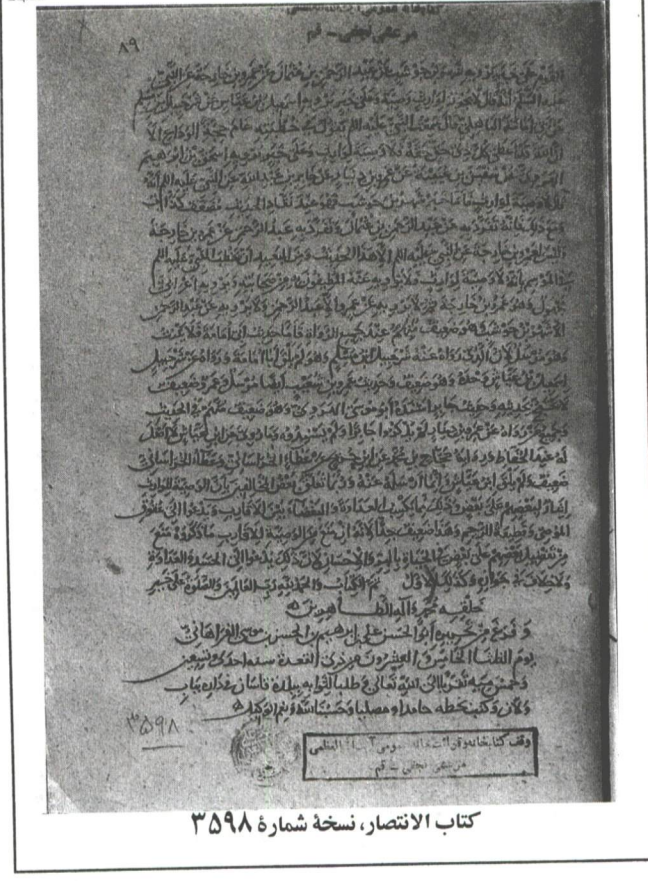
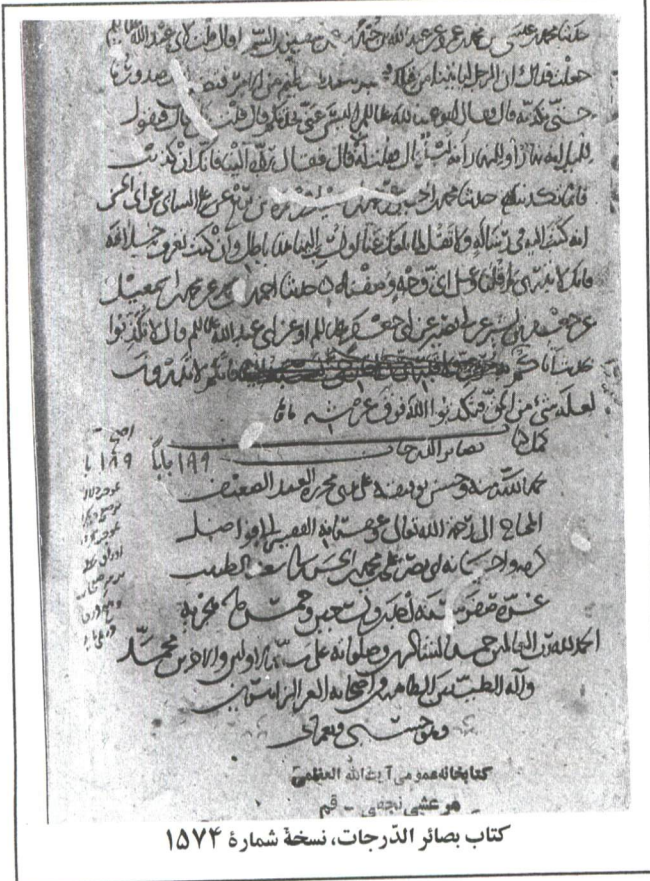
ابواب فقه است. نخستین بار با مجموعه الجوامع الفقهية در سال ۱۲۷۶ ق در قطع رحلی چاپ و نیز در سال ۱۳۱۵ ق جدا گانه به چاپ رسیده و اخیراً هم در قطع وزیری چاپ شده است. این نسخه بسیار نفیس و کهن قدیمترین نسخه موجود است که با خط نسخ ابوالحسن علی بن ابراهیم بن حسن بن موسی الفراهانی در روز سه شنبه ۲۵ ذی القعدة ۵۹۱ ق در شهر کاشان در محله باب ولآن کتابت شده است. بر فراز صفحه اول، گل و بوته رنگین و بسم الله با خط کوفی معقلی نوشته شده است. در پشت برگ آغاز نیز نام کتاب در یک کادر به خط کوفی زیبا و طلاکاری آمده است. این نسخه نفیس را در سفری که حدود بیست سال قبل به کاشان داشتم از آن دیار با چند نسخه خطی دیگر برای کتابخانه خریداری کردم.

این کتاب دارای ۸۹ برگ ۲۹ سطری در اندازه ۲۵×۱۹ سانتیمتر است و به شماره ۳۵۹۸ در گنجینه کتابهای خطی موجود است.

۹. بصائر الدرجات در حدیث و به زبان عربی، تألیف ابو جعفر محمد بن حسن بن فروخ صفار قمی متوفی ۲۹۰ ق. نجاشی و شیخ طوسی می گویند که از صفار، محمد بن یحیی عطار،

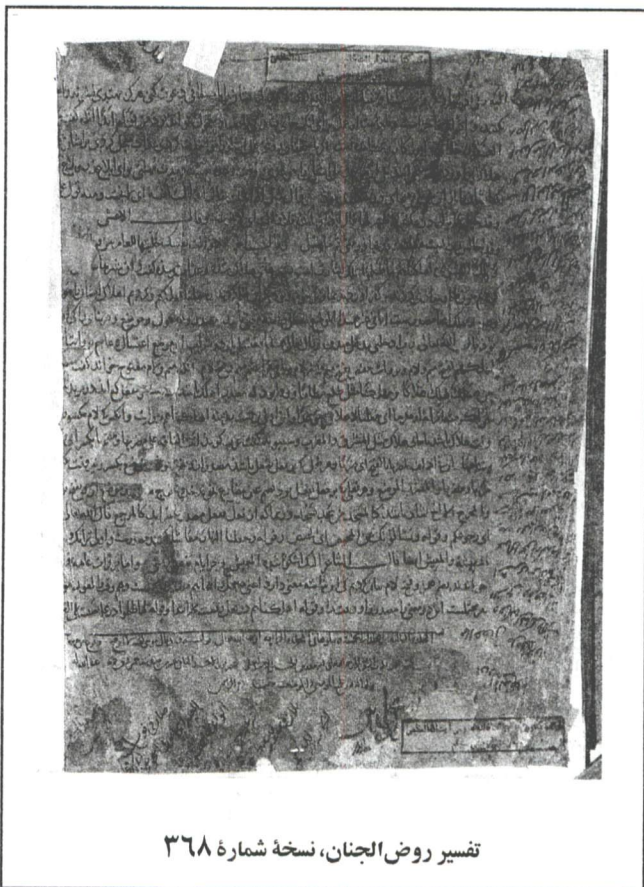
شده و مقابله و تصحیح گردیده و در حاشیه کتاب چنین آمده است: «بلغ المقابلة بقراءة السيد نجم الدين محمد بن ابی هاشم دام توفيقه، کتبه يحيى بن الحسن بن بطريق.» و نیز تملکهای بسیاری در چند برگ قبل از آغاز کتاب دارد که برخی از آنها بدین قرار است: سالم بن عبدالله بن عمر بن سالم بن عبدالله الحسينی، به تاریخ رجب ۵۹۹ ق؛ احمد بن فهد؛ علی بن محمد بن جبلة بن بابويه المجاور بالحائر؛ علی بن احمد بن سلیمان، به تاریخ صفر ۶۵۶ ق؛ علی بن حسن بن محمد العجمی الحائری، به تاریخ ۷۲۴ ق. این نسخه بسیار کهن و نفیس در ۲۰۹ برگ در سطور مختلف کتابت شده و اندازه برگها ۲۳×۱۶ سانتیمتر است. جلد آن چرمی و به رنگ قهوه‌ای است. این نسخه را این جانب، حدود ۲۵ سال قبل، از مرحوم آقای حاج حسین مصطفوی برای کتابخانه خریداری کردم. هم اکنون به شماره ۲۶۳۶ در گنجینه کتابهای خطی موجود است.

۸. الانتصار، به زبان عربی، تألیف سید مرتضی علی بن حسین موسوی، متوفی ۴۳۶ ق. این کتاب را سید برای امیر، وزیر عمیدالدین تألیف کرده و در آن فروع فقهی را - که شیعه در آنها با سایر مذاهب اسلامی اختلاف دارد - بیان کرده و شامل تمامی



موجود از آیه: «لا یسمعون بها اولئك كالانعام بل هم اضل.» (سوره اعراف) شروع و به آیه: «وربک الغفور ذورحمة.» (سوره کهف) پایان می پذیرد. این نسخه بسیار نفیس به خط نسخ ابوسعید بن حسین کاتب بیهقی در روز یکشنبه، دوازده صفر ۹۵۹ ق کتابت شده است. آیات با ثلث مشکی درشت، حاشیه های مختصر با امضای عبدالعالی است. در برگ آخر تملک اسحاق بن عبدالملک واعظ در سال ۷۷۳ ق دیده می شود. دارای ۴۱۴ برگ ۲۵ سطری در اندازه ۳۷×۲۹ سانتیمتر است. این نسخه بسیار نفیس و کهن را این جانب، حدود ۳۰ سال قبل، در یکی از سفرها از شهرستان قزوین برای کتابخانه خریداری کرده ام و هم اکنون به شماره ۳۶۸ در گنجینه کتابهای خطی موجود است.

و محمد بن حسن ولید به غیر از کتاب بصائر الدرجات از آثار دیگر وی روایت کرده اند. و خود او نیز از حضرت امام عسکری (ع) روایت می کند. در نسخه های موجود این کتاب طبق گفته الذریعه اختلافاتی دیده می شود. نسخه حاضر در ده جزء و شامل ۱۸۹ باب است، لیکن بعضی نسخه ها دارای ۱۷۰ باب است. این کتاب نخستین بار در سال ۱۲۸۵ ق با کتاب نفس الرحمن فی فضائل سیدنا سلمان تألیف مرحوم حاج میرزا حسین نوری طبرسی صاحب مستدرک الوسائل در تهران چاپ شده است. آن گاه مرحوم حجت الاسلام حاج میرزا آقا باغمشه ای تبریزی آن را در قطع وزیری به چاپ رساند و سرانجام با تحقیق و تصحیح بیشتر در قطع وزیری در قم چاپ شد. این نسخه قدیمترین نسخه موجود است که به خط نسخ ابی نصر علی بن محمد بن حسن بن ابی سعد طیب در اول صفر ۵۹۱ ق کتابت شده است. عنوانها مشکی، و در حاشیه شماره ابواب با شنگرف نوشته شده است. نسخه مقابله و تصحیح شده و بعضی عبارتها را به فارسی ترجمه کرده اند. بر پشت برگ آغاز کتاب تملک عزالدین ابونصر بن محمود بن ابی نصر در ماه صفر ۷۳۰ ق، و نیز تملک مولی محمد علم الهدی فرزندی فیض کاشانی به سال ۱۰۸۵ ق، آمده است. همچنین تملک محمد بهاء الدین واعظ بن جمال الدین محمد کاشانی و نیز سید محمدرضوی کاشانی. متأسفانه مورخانه نسخه را کمی خورده و فرسوده شده است. ۲۰۳ برگ نوزده سطری در اندازه ۲۵×۱۷ سانتیمتر دارد. این نسخه بسیار نفیس و ارزشمند را این جانب بیش از بیست سال قبل با تعداد دیگری از نسخه های خطی در زمستان بسیار سرد از شهرستان بابل برای کتابخانه خریداری کرده ام و تمامی آنها جزء کتب مرحوم شیخ یعقوب بن مقیم درزی بارفروشی در سال ۱۲۵۴ ق بوده است. و هم اکنون در گنجینه کتابخانه به شماره ۱۵۷۴ موجود است.



تفسیر روض الجنان، نسخه شماره ۳۶۸

۱۰. روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، به زبان فارسی، تألیف جمال الدین ابی الفتوح حسین بن علی بن محمد بن احمد بن حسین خزاعی نیشابوری رازی، استاد شیخ منتجب الدین رازی مؤلف الفهرست. وی در جوار حضرت عبدالعظیم حسنی در شهر ری مدفون است. این عالم جلیل از دانشمندان مشهور شیعی سده ششم قمری است. در این تفسیر وی پس از ذکر آیات و تفسیر آن به جنبه های ادبی و اقوال سایر مفسران و آنچه از روایات استفاده می شود و نیز مباحث تاریخی آن می پردازند. نسخه

و گیرایی برخوردار بود که تا آن زمان ندیده بودم، حتی در لباس امارت.^۵

برخی از شیفتگان کتاب، وقتی کتابهای خود را از دست می دادند و یا مجبور به فروش آنها می شدند، مانند زنان فرزند مرده شیون می کردند و اشک مثل باران از چشم آنها سرازیر می شد.

در مورد حسن بن محمد بن حسن بن محمد بن حمدون، نقل شده است که وی زمانی گرفتار فقر شد، تا آن جا که مجبور گردید برخی از کتابهایش را بفروشد. وقتی کتابها را به دست مشتری می داد، با چشمی اشکبار می گفت: «این حاصل عمر من و بزرگترین و عزیزترین سرمایه من است.»^۶

برخی از آنان چنان شیفته کتاب بودند که حتی برای خریداری کتاب یا مجموعه ای نفیس، منزل خود را می فروختند تا آن را به دست آورند.^۷

کتابت در صدر اسلام

«در زمان ظهور پیامبر اسلام، در حجاز و شبه جزیره عربستان و میان اعراب، کتابت، به اندازه دیگر ممالک گسترش نداشت و افراد باسوادی که قدرت نگارش داشته باشند، محدود و انگشت شمار بود و گروه اندکی از یاران پیامبر (ص) از نعمت خواندن و نوشتن بهره مند بودند. این گروه به اشاره و امر پیامبر اسلام، برای حفظ و نگهداری آیات وحی (قرآن) از دستبرد حوادث روزگار، به ثبت و ضبط آیات نازل شده بر پیامبر که خود بر آنان تقریر می فرمود، همت می گماشتند و به صورتی منظم و دقیق بر روی پوست حیوانات، درختان، چوب، استخوان و یا هر چیزی که در اختیارشان بود، به ثبت قرآن می پرداختند و نوشته های خود را چندین بار به پیامبر (ص)، عرضه می کردند و قرائت می کردند و آن حضرت، نوشته ها

شیفتگان کتاب

علی رفیعی علامرودشتی

بخش دوم

۸. ابن طقطقی، درباره کتاب می گوید: «کتاب بهترین همنشینی است که دورویی ندارد و تو را ملول نمی سازد و سرزنش نمی کند و اسرار تو را فاش نمی سازد.»^۱

۹. متنبی، شاعر بلند آوازه عرب، می گوید:

عزّ مکان فی الدّنا سرج سابح

و خیر جلیس فی الانام کتاب^۲

و شاعر دیگری چنین می سراید:

و لکلّ صاحب لذّة متنزه ابدأ و نزهة عالم فی کتبه^۳

دیگری نیز سروده است:

نعم الانیس اذا خلوت کتاب

تلهوا به ان ملک الاحباب

لامفشیاً سرّاً اذا استودعته

و تفاد منه حکمه و صواب^۴

۱۰. کتاب به انسان ابهت، شخصیت و گیرایی می بخشد.

جاحظ در این مورد حکایتی نقل کرده که به این شرح است: «هنگامی که محمد بن اسحاق امیر بغداد بود، بر وی وارد شدم. وی در دیوان خود نشسته بود، در حالی که گرداگرد او را فرا گرفته بودند و او به سان پرنده ای بر تارک آنها می درخشید.

پس از چندی که از مقام خود برکنار شد، روزی به دیدن وی رفتم و او را دیدم که در کتابخانه خود میان کتابهایش نشسته بود و دفاتر و محابر و مساطر وی در اطرافش قرار داشت. وقتی خوب نگاه کردم دیدم که وی در آن کتابخانه و در میان دفترهایش و کتابهایش از یک ابهت و شخصیت جذاب

۱. الفخری فی الادب السلطانیة والامم الاسلامیة، ص ۴.

۲. المکتبات فی الاسلام، ص ۳۱.

۳. ابن عبد ربّه، عقد الفرید، ج ۴، ص ۲۰۱.

۴. همان.

۵. الفخری، ص ۳.

۶. یاقوت حموی، معجم الادباء، ج ۹، ص ۱۸۵-۱۸۶.

۷. ابن رجب، ذیل طبقات الحنابلة، ج ۱، ص ۳۱۹.

و قرائت آنان را تصحیح می‌کرد و یا صحّه می‌گذاشت.^۱ این گروه را کاتبان وحی می‌نامیدند که مشهورترین آنان عبارت‌اند از: علی بن ابی طالب (ع)، ابوبکر، عمر، عثمان، معاویه، خالد و ابان فرزندان سعید بن عاص، ابی بن کعب، زید بن ثابت، معاذ بن جبل، زید بن نعمان، سعید بن عیبید بن نعمان.^۲ ابن ندیم، گرد آورندگان قرآن در عصر پیامبر را این‌گونه ذکر کرده است: علی بن ابی طالب (ع)، سعد بن عیبید بن نعمان بن عمرو بن زید، ابودرداء، عویمر بن زید، معاذ بن جبل بن اوسی، ابوزید ثابت بن زید بن نعمان، ابی بن کعب بن قیس، عیبید بن معاویه بن زید بن ثابت بن ضحاک.^۳

همچنین حکم بن ظهیر سدوسی از عبدخیر روایت می‌کند که: «پس از وفات پیامبر (ص) سوگند یاد کرد که ردایم را بر زمین نمی‌گذارم تا قرآن را گرد آورم. پس سه روز در منزل نشست و قرآن را گرد آورد و منظم و مرتب ساخت، و آن نخستین مصحف و قرآنی بود که حضرت علی (ع) از قلب و حافظه خویش کتابت کرد و مرتب ساخت. این مصحف، نزد اهل و خانواده جعفر بن ابی طالب بود و من همین قرآن را نزد ابو یعلی حمزه حسنی (ره) دیدم؛ مصحفی بود که برخی از برگهای آن ناپدید شده بود و بنوحسن بن علی (ع) آن را به مرور زمان به ارث برده بودند و ترتیب سوره‌های آن به این شکل است...»^۴

متأسفانه روایت ابن ندیم ناقص مانده و گویا این بخش از روایت که مربوط به ترتیب سور در قرآن علی (ع) است، از میان رفته و در الفهرست چاپی موجود نیست.

کاتبان پیامبر (ص) منحصر به همین افراد نیست، بلکه در منابع مختلف آمده که شمار آنان بیش از چهل نفر بوده است. البته این تعداد، کسانی بوده‌اند که به صورت مداوم برای حضرت کتابت می‌کرده‌اند؛ برخی دیگر کاتبان وحی بوده‌اند و شماری از آنها کاتبان دیوان صدقات، و شماری کاتبان معاملات، و گروهی کاتبان مراسلات و مکاتبات پیامبر بوده‌اند. بعضی از کاتبان نیز بوده‌اند که یک و یا چند بار نامه‌ای را برای پیامبر کتابت کرده‌اند.^۵

پس از پیامبر اکرم (ص) نیز مسلمانان خود را موظف به ثبت و ضبط قرآن می‌دانستند و هرچه فاصله آنها با پیامبر زیاد می‌شد، شوق فراوانتری داشتند که با نوشتن و کتابت قرآن، در حفظ و نگهداری آن بکوشند. برخی پا را از این فراتر نهاده

و به ضبط و ثبت سنت پیامبر، وقایع و حوادث و سیره آن حضرت پرداختند و با گسترش اسلام و فتوحات مسلمانان و ارتباط نزدیک با دیگر اقوام و ملل و کسب اطلاع از تجربیات و اندوخته‌های آنان، به استنساخ، ترجمه و کتابت آثار آنان همت گماشتند. این اشتیاق و احساس وظیفه مسلمانان، ناشی از فرمان پیامبر و دستور قرآن مجید مبنی بر دانش‌اندوزی بود. آنها بارها از زبان پیامبرشان شنیده بودند که می‌فرمود: «اطلبوا العلم ولو بالصلین» و یا می‌فرمود: «اطلبوا العلم من المهدی الى اللحد»^۶ از این رو، بسیار طبیعی می‌نمود که مسلمانان به دنبال کسب علم بروند و به کتابت آثار دیگران نیز بپردازند.

برخی از دانشمندان نوشته‌اند: «صحابه و تابعین به برکت وجود پیامبر (ص) و نزدیکی و همزمانی با او و کمی اختلاف نظر در مسایل و وقایع، نیازی به تدوین کتاب و ثبت و نگارش نداشتند، تا جایی که بعضی از آنها نسبت به کتابت، کراهت و بی میلی نشان می‌دادند و بر اساس روایتی از ابوسعید خدری، استدلال می‌کردند که وی برای کتابت و ثبت و ضبط احادیث، از پیامبر اجازه خواست، اما پیامبر به او اجازه نداد و فرمود: همانا پیشینیان شما با کتابت گمراه شدند. یا این‌که گفته‌اند شخصی خدمت ابن عباس رسید و گفت: کتابی نوشته‌ام و دوست دارم بر شما عرضه کنم. ابن عباس آن کتاب را گرفت و با آب شست. چون با اعتراض نویسنده کتاب روبه‌رو شد، گفت: «اگر بر کتابت اعتماد کنند، همانا گرد حفظ قرآن نمی‌گردند و بر کتاب خدا عارضه و حادثه‌ای رخ می‌دهد و علمشان زایل می‌شود.»^۷

حاجی خلیفه پس از این مطلب، برای توجیه این ممنوعیت و کراهت، چنین استدلال کرده که: «در کتاب می‌توان چیزی را کم یا زیاد کرد و تغییر داد، ولی کسی که حفظ می‌کند، امکان ندارد که آن را تغییر دهد، زیرا او از روی علم سخن می‌گوید،

۱. محمدباقر حجتی، تاریخ قرآن کریم، ص ۲۰۱ به بعد.

۲. مناهل العرفان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۲۳۹ و ۳۶۰.

۳. ابن ندیم، الفهرست، ص ۳۰، تحقیق رضا تجدد.

۴. همان.

۵. مناهل العرفان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۲۳۹ و ۳۶۰؛ المدخل الی علوم

القرآن، ج ۱، ص ۲۶۱-۲۶۰؛ التنبیه والاشراف، ص ۲۴۶.

۶. فیض کاشانی، المحجّة البیضاء، ج ۱، ص ۲۱، بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۸۰.

۷. صحیح مسلم بشرح النووی، ج ۱۸، ص ۱۲۹؛ خطیب بغدادی، تقیید العلم،

ص ۳۳، تحقیق یوسف العس؛ حاجی خلیفه، کشف الظنون، ج ۱، ص ۳۴.

برساند، شست و شو دهد.

بنابراین، وجود بعضی روایات غیر مستند و ضعیف که با آیات قرآن تعارض دارند، همچنین کراهت داشتن و بی میلی بعضی از اصحاب پیامبر (ص) نمی تواند به عنوان قانون اسلام، دستور پیامبر و سیره اصحاب آن حضرت مطرح شود، زیرا بر اساس منابع و شواهد تاریخی و قراین بی شمار، در همان زمان پیامبر (ص) و پس از وفات آن حضرت، بسیاری از اصحاب وی کتاب نوشته اند و به ثبت و ضبط حدیث، وقایع اسلام و سیره پیامبر پرداخته اند. اتفاقاً حاجی خلیفه که ادعای منع کتابت و کراهت و بی میلی برخی از اصحاب را در مورد آن مطرح کرده، بلافاصله پس از آن نوشته است: «آن گاه به خاطر رشد و گسترش اسلام، توسعه محدودۀ جغرافیایی، پراکنده شدن صحابه در شهرها، پدید آمدن فتنه ها، اختلاف آرا و پیدایش نظریه ها و فتاوی گوناگون، دانشمندان مسلمان، تدوین حدیث، فقه و علوم قرآنی را آغاز کردند و به استدلال، اجتهاد، استنباط، تمهید قواعد و اصول، ترتیب ابواب و فصول، طرح مسایل و دلایل آن، جواب شبهات، تعیین اوضاع و اصطلاحات و تبیین روشها و اختلافات همت گماشتند و این خود مصلحتی بزرگ و فکری صواب و روشی پسندیده بود. از آن پس بزرگان اسلام، این امر (کتابت) را نه تنها مستحب، بلکه واجب و الزامی می دانستند. این وجوب از قول معصوم نیز استفاده می شود که فرمود: «علم صید است و کتابت بند و قید، و خدا شما را بیامرزد که علوم خود را به وسیله کتابت حفظ می کنید و مقید می سازید.»^۵

و در جایی دیگر می گوید: «به خدا سوگند کتابت اصل است، زیرا خاطر غفلت می کند و قلم حفظ می کند.»^۶ بنابراین، حاجی خلیفه با این سخن، قول اول خود را - که به استناد سخن ابن عباس گفته بود ممکن است کتابت دچار تغییر و تحوّل شود - رد می کند، زیرا این امکان در مورد قوه حافظه نیز وجود دارد.

۱. همان؛ تاریخ قرآن کریم، ص ۲۰۲.

۲. همان.

۳. بقره: ۲۸۲.

۴. برای اطلاع بیشتر از فضیلت کتابت حدیث و علوم و فنون و دستور پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) به تقیید علم - که همان نگارش است - مراجعه کنید به: بحار الانوار، ج ۱، باب ۱۹، ص ۱۵۳-۱۴۴.

۵. کشف الظنون، ج ۱، ص ۳۸-۳۷.

۶. همان، ص ۶۳۷.

و کسی که از روی نگارش قرائت می کند، با گمان و نظر حرف می زند.»^۱

سپس استدلال دیگری دارد که: «اگر نگارش صورت می گرفت، با نوشته های قرآنی اشتباه می شد و پیامبر (ص) به همین جهت از نوشتن و جز آن نهی فرمود.»^۲

این روایت و روایات مشابه آن، نه تنها سند درستی ندارند، بلکه معارض با قرآن اند، زیرا مشتقات کتابت بیش از سیصدبار در قرآن به کار رفته است و در بعضی از آنها به صراحت، امر به کتابت کرده است؛ از جمله می فرماید: «ای مؤمنان اگر وامی به یکدیگر [یا معامله نسیه ای انجام] دادید که سررسید معینی داشت، آن را بنویسید و باید نویسنده ای در میان شما دادگرانه آن را بنویسد، و هیچ نویسنده ای نباید از نوشتن آن سرباز زند...»^۳ وقتی قرآن تا این حد به کوچکترین مسایل دنیوی اهمیت می دهد و امر می کند که میان خود سند و نوشته قرار دهید و تأکید دارد که نوشتن یک امر خدادادی و مرحمت الهی است، بدیهی است که در مورد مسایل مهم اعتقادی - که به خیر، صلاح، سعادت و تکامل انسانها بستگی دارد - به طریق اولی تأکید کند.

علاوه بر این، پیامبر اسلام که خود از بزرگترین حامیان دانش اندوزی و خواندن و نوشتن است و بیش از چهل کاتب دائمی و تعدادی کاتب موقت داشته تا آیات وحی، وقایع و حوادث و امور مربوط به حکومت وی را ثبت و ضبط کنند، چگونه ممکن است از کتابت منع کند؟ او در آخرین ساعت زندگی، یاران خود را فرامی خواند و از آنها می خواهد که قلم و دوات و ابزار کتابت را حاضر کنند تا برای آنها مطلبی بنویسد که پس از وی گمراه نشوند. بر این اساس، چه طور امکان دارد که خود او یارانش را از نوشتن منع نماید؟

از این گذشته، روایات بسیاری در دست است که پیامبر اسلام و امامان معصوم، مسلمانان را به خواندن و نوشتن امر کرده اند و این درست در تضاد و تقابل با روایت نقل شده از ابوسعید خدری است. (به برخی از روایات در ابتدای بخش اول اشاره کردیم).^۴ از طرفی، ابن عباس که از شاگردان مکتب علی (ع) است و خود نیز از بزرگان علم حدیث در اسلام است و نوشته هایش در تفسیر قرآن و حدیث و سنت پیامبر، بیش از یک بار شتر بوده، نمی تواند از نوشتن نهی کند، چه رسد به این که کتاب دیگری را به بهانه این که ممکن است به حفظ کتاب الله زیان

و به خط امام علی (ع) بوده و این کتاب نزد فرزندان حضرت بوده است.^۶

این کتاب، که آن را صحیفه نامیده‌اند، هفتاد ذراع بوده است.^۷ دیگری کتاب الجامعة^۸ است که باز نوشته امام علی (ع) و املائی پیامبر است و دیگری کتاب الجفر^۹ است که آن نیز از حضرت علی است و دیگری مصحف فاطمه (س)^{۱۰} است که جبرئیل آن را بر حضرت فاطمه (س) املا کرده و حضرت علی (ع) نوشته است. دیگری کتاب ابی رافع مولی رسول الله (ص) که عنوان آن السنن و الاحکام و الفضایا است.

در برخی روایات آمده است که کتاب دیگری نیز وجود دارد که جزء نخستین کتابهاست و آن کتاب عمرو بن حزم از اصحاب پیامبر است که در باب صدقات بوده و پیامبر (ص) برای وی نوشته است.^{۱۱}

ابن ندیم به تفسیری از ابو حمزه ثمالی - که از اصحاب حضرت علی (ع) است - و همچنین کتاب ابوالاسود دؤلی از اصحاب حضرت علی (ع) در علم نحو و در موضوع فاعل و مفعول و با عنوان الکلام فی الفاعل و المفعول^{۱۲} اشاره کرده است.

بنابراین، غزالی و دیگران که نخستین نویسندگان کتاب را عبدالملک بن عبدالعزیز بن جریج بصری (متوفی ۱۵۵ ق)، ابونصر سعید بن ابی عروبه (متوفی ۱۵۶ ق)، ربیع بن صبیح

نخستین کتابها در اسلام

اگر قرآن را کتاب، به معنای مصطلح، فرض کنیم، می توان گفت که نخستین کتابی که در اسلام پدید آمد، خود قرآن است که به وسیله علی بن ابی طالب (ع) گردآوری شد. ابن ندیم تصریح می کند که این مصحف در زمان خود پیامبر اکرم (ص) توسط حضرت علی (ع) گردآوری شد. سپس دیگر کاتبان وحی، به گردآوری دیگر مصاحف اقدام کردند.^۱

اما اگر قرآن را کتاب، به معنای اصطلاحی آن، به شمار بیاوریم، باز هم بنا به تصریح بیشتر مورخان، محدثان و فقیهان جهان اسلام، نخستین کتاب به وسیله حضرت علی (ع) به رشته تحریر در آمده و آن کتابی است به نام صحیفه یا جامعه که پیامبر اسلام (ص) آن را املا و تقریر می فرمود و حضرت امیر مؤمنان (ع) می نوشت.^۲ این صحیفه در اختیار امامان معصوم (ع) قرار داشته و هریک از آنان به هنگام وفات یا شهادت، آن را به عنوان میراث گرانمایی در اختیار امام پس از خود قرار داده و گروهی از صحابه و تابعین و اتباع تابعین این کتاب را نزد ائمه (ع) دیده‌اند که از آن جمله می توان به ابوحجیفه، وهب بن عبدالله سوایی،^۳ حارث بن سوید، ابوعائشه تیمی، قیس بن عباد، مالک اشتر نخعی، ابوبصیر لیث مرادی، محمد بن مسلم ثقفی، عبدالملک بن اعین شیبانی و زراره بن اعین، اشاره کرد.^۴

ابن شهر آشوب نوشته است: «غزالی اولین کتاب را که در اسلام تصنیف شده، کتاب ابن جریج دانسته که در آثار و حروف التفاسیر بوده و از مجاهد و عطا در مکه نقل کرده، سپس کتاب معمر بن راشد صنعانی در یمن و پس از آن کتاب الموطأ مالک بن انس در مدینه و بعد کتاب جامع سفیان ثوری، ولی صحیح آن است که نخستین کسی که در اسلام تصنیف کرده، امیر مؤمنان (ع) است که کتاب الله را کتابت و گردآوری کرده، سپس سلمان فارسی و ابوذر غفاری و اصیغ بن نباته و عبیدالله بن ابی رافع و پس از اینها صحیفه سجاده است.»^۵

ثقة الاسلام تبریزی، پس از نقل سخن ابن شهر آشوب نوشته است: «من می گویم در این جا، کتابهایی وجود دارد که جزو نخستین تصنیفات در اسلام است - پس از قرآن مجید که سزاوارتر از کتابهایی است که ابن شهر آشوب نقل کرده - که از جمله آنها کتاب امیر مؤمنان (ع) است که به املائی پیامبر (ص)

۱. الفهرست، ص ۳۰.

۲. ثقة الاسلام تبریزی، مرآة الکتب، ج ۱، ص ۳۳-۳۰.

۳. صحیح بخاری، ج ۱، ص ۳۸؛ ج ۹، ص ۱۴.

۴. مرآة الکتب، ج ۱، ص ۳۴-۳۳.

۵. ابن شهر آشوب، معالم العلماء، ص ۲؛ كشف الظنون، ج ۱، ص ۳۴ و ۶۳۷.

۶. مرآة الکتب، ج ۱، ص ۳۱-۳۰.

۷. بصائر الدرجات، ص ۱۶۵-۱۶۴.

۸. همان، ص ۱۴۸-۱۴۶. از این کتاب در منابع مختلفی یاد شده است؛ برخی از آنها عبارت‌اند از: صحیح بخاری، کتاب الديات و العلم؛ مسند احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۱۵۱؛ سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۲۶۵۸؛ اصول کافی، از جلد اول تا هفتم که به گفته علامه عسکری در ۲۹ حدیث از کتاب جامعه، یاد شده است؛ التهذیب، در همه مجلدات، در ۳۱ حدیث، بصائر الدرجات، ص ۱۴۶-۱۴۴، ۱۴۸، ۱۶۲، ۱۶۵؛ شیخ طوسی، اختیار معرفة الرجال، شماره ۲۴۰.

۹. بصائر الدرجات، ص ۱۵۶-۱۵۰؛ طریحی، مجمع البحرین، ج ۳، ص ۲۴۸.

۱۰. بصائر الدرجات، ص ۱۵۷.

۱۱. شیخ طوسی، التهذیب، ج ۱۰، ص ۲۹۱؛ اسد الغابة، ج ۴، ص ۹۸.

۱۲. الفهرست، ص ۳۶، ۴۶-۴۵.

فراوانی داشت که روز جنگ حرّه آتش گرفت و عروه بسیار ناراحت شد.^{۱۰}

با این که در منابع اسلامی به این نوع کتابخانه‌ها اشاره شده، اما امکان شمارش، تعیین و تحدید این کتابخانه‌ها وجود ندارد و نمی‌توان به درستی اولین کتابخانه را مشخص ساخت و به ترتیب پیدایش، آنها را شماره کرد، زیرا از همان آغاز ظهور اسلام، پیشوایان و عالمان بزرگ اسلامی، به تألیف کتاب پرداخته‌اند، اما به دلایل زیادی نمی‌توان احاطه بر آنها یافت و شناخت دقیقی به دست آورد. برخی از آن دلایل عبارت‌اند از:

۱. نابود شدن بیشتر مراجع و منابع کهن که در تراجم و اخبار بوده است؛

۲. سکوت بسیاری از منابع باقی مانده و نپرداختن آنها به کتاب و کتابخانه‌های تأسیس شده در قرن اول هجری و بیان شرح حال شیفتگان کتاب؛
۳. از میان رفتن کتابخانه‌های شیفتگان علم و کتاب که ناشی از عللی است؛ از جمله:

الف) انتقال این نوع کتابخانه‌ها به اقوام جاهل که به علم و کتاب اهمّیت نمی‌دادند. طبیعی است که دست به دست شدن این کتابها، موجب از میان رفتن آنها شده است. چه بسیارند عالمان و دانشمندانی که از شیفتگان کتاب بوده‌اند و یا کوشش فراوانی نموده‌اند تا مجموعه‌ای نفیس از کتابها را فراهم ساخته‌اند، اما کتابهای آنها پس از مرگشان به دست وارثان نادانشان افتاده و با سهل‌انگاری و ندانم‌کاری از میان رفته‌اند؛

ب) حوادث طبیعی؛ مانند آتش‌سوزی، سیل و زلزله؛

ج) حشرات و آفت‌های طبیعی؛ مانند موریه، گرد و خاک

(متوفی ۱۶۰ ق)، سفیان ثوری، محمد بن فضیل بن غزوان^۱ و افرادی مانند اینان - که همگی پس از نیمه دوم قرن دوم هجری می‌زیسته‌اند - دانسته‌اند، یا از روی کم‌اطلاعی بوده و یا به دلیل تعصب فراوان و ضدیت با تشیع است که چشم بر روی حقایق و واقعیتها فرو بسته‌اند و افرادی را نخستین پدید آورندگان کتاب دانسته‌اند که بیش از ۱۲۰ سال پس از پیدایش نخستین کتابها زندگی می‌کرده‌اند.

جالب است بدانیم که به اعتراف بزرگان اهل سنت، محمد بن مسلم بن عبیدالله بن شهاب زهری (متوفی ۱۲۴ ق) یکی از کسانی است که دفاتر و کتب زیادی در مسایل مختلف اسلامی نوشته بود.^۲

از این گذشته، ابن ندیم، پس از ذکر کتاب حضرت علی (ع)، از تفسیر ابو حمزه ثمالی، ابوالاسود دؤلی، سلیم بن قیس (متوفی ۹۰ ق) نام برده است.^۳ و قاضی بدرالدین سبکی در کتاب خود به نام محاسن الوسائل فی عدد الاوائل، می‌گوید: اولین کتابی که برای شیعه نوشته شده کتاب سلیم بن قیس هلالی بوده است.^۴

چون ماجرای تألیف اولین کتاب و نخستین نویسنده، بسیار بحث‌انگیز و طولانی است، به همین اندازه اکتفا می‌کنیم و دوستان این مبحث را به مقدمه کتاب مرآة الکتب، نوشته ثقة الاسلام تبریزی، تحقیق محمدعلی حائری ارجاع می‌دهیم.^۵ بر این اساس، از بدو ظهور اسلام و نوشتن نخستین کتاب در دوران پیامبر اسلام (ص) تا اواسط قرن دوم هجری - که نهضت در جهان اسلام پدید آمد و هارون الرشید خلیفه عباسی و به قولی خالد بن معاویه بن یزید اموی، کتابهای علوم عقلی را از ممالک دیگر به جهان اسلام انتقال داد - هزاران کتاب در جهان اسلام پدید آمده بود و دانشمندان اسلامی در رشته‌های مختلف: تفسیر، سیره، تاریخ، حدیث، ادبیات و لغت، تألیفات و تصنیفات مختلفی به وجود آورده بودند که خود برای تشکیل و تأسیس کتابخانه‌های بسیاری کافی بود.

به همین دلیل در برخی منابع آمده است که سعد بن عبادة انصاری (متوفی ۱۵ ق) کتابهایی داشته که برخی از آنها احادیث نبوی را در برداشته است؛^۶ عبدالله بن مسعود مصحف مشهور خود و صحف دیگری در منزل داشته است؛^۷ عبدالله بن عمرو بن العاص (متوفی ۶۵ ق) یک صندوق کتاب داشته؛^۸ ابن عباس (متوفی ۶۸ ق) کتب بسیاری داشته است که به اندازه بار یک شتر بوده؛^۹ و عروه بن زبیر (متوفی ۹۳ ق) کتابهای

۱. کشف الظنون، ج ۱، ص ۳۴-۳۳.

۲. وفيات الاعیان، ج ۴، ص ۱۷۸-۱۷۷.

۳. الفهرست، ص ۴۶-۴۵، ۲۵۷.

۴. سلیم بن القیس، ص ۸.

۵. برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به: اصول الحدیث علومه و مصطلحه، ص

۱۹۹-۱۹۱؛ جامع بیان العلم، ج ۱، ص ۷۲؛ السنة قبل التدوین، ص ۳۴۵؛

وفیات الاعیان، ج ۲، ص ۳۱۸؛ ارشاد الساری، ج ۱، ص ۶.

۶. اصول الحدیث علومه و مصطلحه، ص ۱۹۱؛ جامع بیان العلم، ج ۱، ص ۷۲.

۷. السنة قبل التدوین، ص ۳۴۵؛ مناهل العرفان، ج ۱، ص ۲۵۴.

۸. لمحات فی المكتبة والبحث و المصادر، ص ۳۷.

۹. همان.

۱۰. اصول الحدیث علومه و مصطلحه، ص ۱۹۹.

و پارگی؛

د) جنگها، ستیزهای نظامی، سیاسی و فرقه‌ای و غارتها. با توجه به عوامل یاد شده، آنچه باقی مانده، در مقایسه با آنچه از بین رفته، بسیار اندک و ناچیز است، ولی همین آثار باقی مانده نیز چنان ارزشمند و مهم و زیاد است که می‌تواند نشان دهد مسلمانان، چه ثروت عظیم علمی پدید آوردند و برای ما به یادگار گذاشتند.

ما در این سلسله مقالات، فقط به برخی از شیفتگان کتاب خواهیم پرداخت، چون به دلایل یاد شده، فعلاً برای ما امکان حد و حصر و تعیین و ترتیب دقیق نیست، ولی کوشش می‌کنیم شیفتگان کتاب را بر اساس تاریخ وفاتشان مرتب سازیم و وفیات یک عصر را به ترتیب بیاوریم. به عبارت روشنتر، شیفتگان کتاب را بر اساس قرنی که در آن می‌زیسته‌اند طبقه‌بندی می‌کنیم. البته این مبحث فقط دانشمندان اسلامی را دربر می‌گیرد، و گرنه گردآوری شیفتگان کتاب در میان ملل مختلف برای ما امکانپذیر نیست.

شیفتگان کتاب را، به یک اعتبار، می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

الف) خلفا، سلاطین، امیران و حاکمان؛

ب) ثروتمندان؛

ج) دانشمندان (محدثان، فقیهان، متکلمان و ادیبان).

و به اعتباری دیگر نیز به سه دسته تقسیم می‌شوند:

الف) دسته‌ای که شیفته کتاب بودند از آن جهت که کتابها حاوی علوم و تجربیات بشری است، لذا آنها را گردآوری می‌کردند تا از آنها بهره‌برگیرند و بر دانسته‌های خویش بیفزایند؛

ب) دسته‌ای که تنها شیفته نفاست کتابها بودند، بدون این که از آنها استفاده‌ای ببرند. از این رو، به جمع‌آوری کتاب می‌پرداختند تا منزل خود را با آن زینت دهند و به دیگران فخر کنند که ما صاحب چنین کتابها و مجموعه‌های نفیس هستیم؛

ج) دسته‌ای که حرص و ولع شدیدی در گردآوری کتاب داشتند، ولی همه کتابها مورد استفاده آنها نبود، از طرفی، تهیته و نگهداری آنها برای تجمل‌گرایی نبود. و از دیدگاه و اعتباری دیگر، شیفتگان کتاب به دو گروه تقسیم می‌شوند:

گروه اول: شیفتگانی که هم خود از کتابهای گردآوری شده

بهره می‌بردند و هم اجازه می‌دادند که دیگران از آن مجموعه استفاده کنند و در این امر هیچ نوع امساک، بخل و ضتتی از خود نشان نمی‌دادند، نه به این معنا که این افراد شیفته، در مورد هرکسی و هر نوع استفاده‌ای، بی‌قید و سهل‌انگار باشند. اینان در عین این که اجازه می‌دادند دیگران از کتابهایشان استفاده کنند، بسیار هشیار بودند که کتابهایشان آسیب نبیند و فرسوده نشود؛

گروه دوم: شیفتگانی بودند که به هیچ وجه اجازه نمی‌دادند دیگران از کتابهایشان استفاده ببرند. از این رو، نمی‌گذاشتند که دیگران از کم و کیف کتابخانه‌هایشان باخبر شوند و اگر احیاناً عالمی باخبر می‌شد که آنها دارای کتاب مورد نیاز او هستند و به نزد آنها می‌رفت، تا آن جا که ممکن بود منکر می‌شدند و اجازه نمی‌دادند که آن عالم وارد مخزن کتابهایشان بشود و اگر چاره‌ای نداشتند، با شرایط سخت و حیرت‌آوری فقط اجازه می‌دادند همان کتاب را ببیند، ولی اجازه استنساخ نداشت. البته این گروه و نیز تجمل پرستان، همیشه مورد انتقاد دانشمندان، علم دوستان و سایر شیفتگان کتاب بودند.

در این جا قصد نداریم برای هر یک از این تقسیم بندیها و طبقات و گروههای شیفته کتاب مثال بیاوریم، چون در شرح حال این گونه افراد به این مطلب اشاره خواهیم کرد. از طرفی، چون غرض ما بیان شرح حال شیفتگان کتاب بر مبنای تقدم تاریخی و قرن به قرن است، در هر قرن به دسته‌ها و گروههای مختلف خواهیم پرداخت و ضمن ترجمه آنها، توضیح خواهیم داد که هر یک به کدام یک از این طبقات وابسته است، ولی خالی از لطف نمی‌دانیم که به سه نمونه از افراد گروه دوم اشاره کنیم:

ابوسعید صولی شاعر، یکی از شیفتگان کتاب است که مورد سرزنش دانشمندان قرار گرفته است، زیرا بدون این که حاجتی به برخی از کتابها داشته باشد، آنها را تهیته می‌کرد؛

حافظ سلفی، با همه علم و فضل و کمالی که داشت، چنان شیفته کتاب بود که هر چه مال به دست می‌آورد، برای تهیته کتاب مصرف می‌کرد و به اندازه‌ای کتاب گرد آورده بود که هیچ‌گاه به مطالعه آنها نمی‌رسید و کتابها به مرور زمان، بر اثر این که در یک جا زندانی شده و مورد استفاده قرار نگرفته بودند، متعفن شدند و بیشتر آن مجموعه نفیس تلف شد؛

عبدالله بن محمد عراقی (متوفی ۸۳۷ ق) یکی دیگر از شیفتگان کتاب بود که حرص فراوانی در خریداری و گردآوری کتاب داشت و بیشتر کتابهایی که تهیته کرده بود،

اعتقادی و مذهبی باشند، و برای این که در اختیار همگان قرار گیرد، راهی نبود جز کتاب و ازدیاد نوشته‌ها در جهان اسلام. بنابراین، در این قرن آهنگ تألیف و تصنیف تندتر گردید.

نهضت ترجمه کتاب - که در حدود نیمه اول این قرن پدید آمد - موجب شد کتاب بیشتر مورد توجه قرار گیرد و تشنگان کتاب به آن روی آورند و در فکر تهیه آن باشند.

گسترش تصنیف و تألیف کتاب، موجی از اشتیاق در میان دانشمندان و مسلمانان پدید آورد، زیرا آنان بیشتر پاسخهای خود را از طریق این کتابها به دست می‌آوردند و از راه مطالعه کتاب بر تجربیات، دانسته‌ها و اندیشه‌های خود می‌افزودند و به نیازهای خویش پاسخ می‌گفتند. شمار این افراد بسیار است؛ شرح حال برخی از مشاهیر شیفتگان کتاب در پی می‌آید.

۱. ابوبکر بن شهاب زهری^۱ (۱۲۴-۵۸ق / ۷۴۲-۶۷۸م)

محمد بن مسلم بن عبیدالله بن عبدالله بن شهاب بن عبدالله بن جابر بن زهرة الزهری، از بنی زهرة بن کلام، اهل مدینه و تابعی است. او یکی از فقیهان و محدثان بود و ده نفر از اصحاب پیامبر (ص) را دیده و از آنها حدیث شنیده و روایت کرده است.

جدّ وی در صف دشمنان پیامبر بود که به همراه مشرکین در جنگ بدر شرکت کرد و پدرش همراه مصعب بن زبیر بود. زهری خود با سه تن از خلفای اموی - یعنی عبدالملک، هشام بن عبدالملک و یزید بن عبدالملک - ارتباط داشت. او از طرف این سه خلیفه منصب قضاوت داشت.

زهری از ابان بن عثمان بن عفان، ابراهیم بن عبدالله بن حنین، ابراهیم بن عبدالرحمن بن عوف، اسماعیل بن محمد بن

مورد استفاده‌اش نبود و فراغتی نمی‌یافت که آنها را مطالعه کند. با توجه به آنچه تا کنون گفته شد، بار دیگر تأکید می‌ورزیم که شیفتگان کتاب - به ترتیبی که ذکر خواهد شد - افرادی هستند که از مدتها پیش در منابع و مآخذ مهم اسلامی آنها را یافته‌ایم و اگر کوچکترین اشاره‌ای راجع به کتابدوستی آنان شده باشد، کوشیده‌ایم شرح حالشان را بیایم و از منابع مختلف برای بیان زندگی‌نامه و به ویژه شیفتگی آنان به کتاب، استفاده کنیم؛ ممکن است در این راه کسانی باشند که از آنها نامی به میان نیاید؛ این بدان جهت است که ما مطلبی درباره آنها نیافته‌ایم.

مطلب دیگری که باید به آن اشاره شود، این است که شیفتگان کتاب را خارج از دایره مذهب و ملتشان مورد بررسی قرار داده‌ایم و شما در خلال این سلسله بحثها، شیفتگانی از تمامی مذاهب اسلامی و همه ملیتها خواهید یافت.

لازم به ذکر است که در قرن اول هجری، هنوز کتاب و کتابخانه جایگاه خویش را نیافته بود و مسلمانان به دلایل مختلف چندان نیازی به کتاب و کتابخانه در خویش نمی‌یافتند، زیرا از یک سو وجود پیامبر (ص)، پیشوایان، صحابه و تابعین گره از مشکلات آنان می‌گشود و از سوی دیگر، فتوحات و کشورگشایی، مجال چندان زیادی به اندیشیدن به کتاب و کتابخانه به آنان نمی‌داد. از این رو، معرفی شیفتگان کتاب را از قرن دوم هجری آغاز می‌کنیم.

قرن دوم هجری / هشتم میلادی

گسترش اسلام در سرزمینهای مختلف - مانند شبه جزیره عربستان، عراق، یمن، مصر، ایران، بخشی از آفریقا و قسمتهایی از اروپا - زمینه تقابل آرا و اندیشه‌ها را در میان مسلمانان و سایر ملل پدید آورد. از سوی دیگر، اختلافات و تفرقه داخلی، موجب پیدایش مکتبهای اعتقادی و مذاهب گوناگون گردید و پرسشهای گسترده‌ای در زمینه‌های اعتقادی و علمی در میان مسلمانان به وجود آورد. از طرفی قریب به اتفاق صحابه پیامبر (ص) چشم از جهان فرو بسته بودند و حتی گروه زیادی از تابعین نیز در دسترس نبودند و آنان که هنوز زنده بودند، به مراکز و شهرهای مهم حوزه گسترده اسلامی هجرت کرده و از مرکز حکومت اسلامی دور بودند. این گونه مسایل، موجب شد مسلمانان و دانشمندان جهان اسلام، بیش از پیش به فکر پاسخگویی به پرسشهای مطرح شده در زمینه‌های

۱. ابن سعد، الطبقات الكبرى، ج ۲، ص ۴۴۷-۴۴۶؛ نجاری، تاریخ الكبير، ج ۱، ص ۳۲۰؛ ابن قتیبه، المعارف، ص ۴۷۲؛ حلیه الاولیاء، ج ۳، ص ۳۶۰؛ المعرفة والتاریخ، ج ۱، ص ۶۴۱-۶۳۰؛ السابق والألاحق، ص ۳۱۱؛ الجرح والتعديل، ج ۸، ص ۷۱؛ تهذیب الاسماء واللغات، ج ۱، ص ۹۰-۹۲؛ رجال نجاری باجی، ج ۲، ص ۶۳۹؛ ابن اثیر، الكامل فی التاریخ، ج ۳، ص ۱۵۴ و ج ۵، ص ۲۶۰؛ وفيات الاعیان، ج ۴، ص ۱۷۹-۱۷۷؛ شیرازی، طبقات الفقهاء، ص ۶۲؛ میزان الاعتدال، ج ۴، ص ۶۴۰؛ غایة النهایة، ج ۳، ص ۲۶۲؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۵، ص ۳۵۰-۳۲۶؛ ذهبی، تذکرة الحفاظ، ج ۱، ص ۱۱۳-۱۰۸؛ ذهبی، تاریخ الاسلام، (حوادث ۱۴۰-۱۲۱ق)، ص ۲۴۹-۲۲۷؛ الوافی بالوفیات، ج ۵، ص ۲۶-۲۴؛ تهذیب الکمال، ج ۲۶، ص ۴۴۳-۴۱۹؛ تهذیب التهذیب، ج ۹، ص ۴۴۵؛ النجوم الزاهرة، ج ۱، ص ۲۹۴.

ریخته بود و او به شدت به مطالعه آنها مشغول بود که از همه امور و اطرافیان خویش بی خبر می گردید. به همین دلیل همسر وی، روزی که سخت از این کار زهری به تنگ آمده بود، به او گفت: به خدا سوگند که وجود این نوشته ها و کتابها در این منزل، چندین برابر سخت تر و ناراحت کننده تر از این است که تو سه هوو بر سر من بیاوری.^{۱۰}

زهری در مورد کتاب می گفت: «ایاک و غلول الکتاب، قلت: و ما غلولها؟ قال: حبسها.»^{۱۱} از این سخن استفاده می شود که زهری از آن دسته شیفتگان کتاب بود که هم خود به مطالعه و استفاده از کتابهایش می پرداخت و هم به دیگران اجازه می داد از نوشته هایش استفاده کنند.

زهری در شب سه شنبه ۱۷ رمضان ۱۲۴ق - و به قولی ۱۲۳ یا ۱۲۵ق - در ۷۲ یا ۷۳ سالگی چشم از جهان فرو بست و در آدمی، محلی بین حجاز و فلسطین، به خاک سپرده شد.^{۱۲}

سعد بن ابی وقاص، انس بن مالک، اوس بن ابی اویس، ثابت بن قیس زرقی، ثعلبه بن مالک قرظی، جابر بن عبدالله انصاری و شمار زیادی از بزرگان اسلام روایت کرده است.

اسامی کسانی که وی از آنها حدیث شنیده و روایت کرده است، و اسامی کسانی که از او روایت کرده اند، در کتاب، تهذیب الکمال آمده است.^۱

زهری از امام سجّاد علی بن الحسین (ع) نیز حدیث شنیده و نقل کرده است. نسائی این سند روایات زهری را که به علی بن الحسین (ع) رسیده بهترین سند دانسته است.^۲

برخی از منابع شیعی او را شیعه دانسته اند^۳ که به درستی روشن نیست، اما گویا گرایشهای شیعی داشته است. بسیاری از علما و محدّثان وی را موثّق دانسته اند و او را ستوده اند و نوشته اند که وی هزار یا دو هزار حدیث را حفظ بوده است.^۴

او نزد ابن اعرج می رفت و هنگامی که ابن اعرج مصاحف را کتابت می کرد، از او حدیث می پرسید و در قطعه ای از اوراقی که نزد ابن اعرج بود می نوشت و آن را حفظ می کرد، سپس آن ورق را پاره می کرد.^۵

صالح بن کیسان می گوید: من و زهری با هم دانش می آموختیم و به استماع حدیث می پرداختیم. او هرچه از سنت پیامبر (ص) می شنید و هرچه را که مربوط به صحابه بود، همه را می نوشت، ولی من نمی نوشتم. در آخر او پیروز عرصه علم حدیث بود و من ضایع شدم.^۶

ابن ابی الزناد نوشته است که ما فقط حلال و حرام را می نوشتیم، ولی زهری هرچه را می شنید کتابت می کرد. نیز می گوید: من با زهری به طواف کعبه می پرداختیم و زهری با الواح و صحف خود به طواف می پرداخت و ما به او می خندیدیم.^۷ برخی هم نوشته اند که زهری هیچ کتابی ننوشت، مگر درباره نسب قوم خود.^۸

لیث بن سعد می گوید: روزی به ابن شهاب زهری - که نوشته ها و یادداشتها و دفاتر فراوانی داشت - گفتم: ای ابوبکر، ای کاش این نوشته ها را مدوّن می کردی و فراغت می یافتی تا برای مردم حدیث روایت کنی.^۹

ابن خلکان در مورد شیفتگی او به کتاب و گردآوری آن و شدت ناراحتی همسر وی از این شیفتگی، چنین نقل می کند: زهری هنگامی که در منزل خود، برای مطالعه می نشست، کتابها، یادداشتها، دفترها و نوشته هایش چنان در اطراف وی

۱. تهذیب الکمال، ج ۲۶، ص ۴۳۰-۴۱۹.

۲. همان، ص ۴۳۵.

۳. طرائف المقال، ج ۲، ص ۴۰، ۶۳.

۴. الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۴۶۶؛ ج ۹، ص ۱۶۸.

۵. حلیة الاولیاء، ج ۳، ص ۳۶۰.

۶. همان.

۷. الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۴۶۶؛ ج ۹، ص ۱۶۸.

۸. المعرفه و التاریخ، ج ۱، ص ۶۴۱.

۹. تهذیب الکمال، ج ۲۶، ص ۴۳۷.

۱۰. وفیات الاعیان، ج ۴، ص ۱۷۸-۱۷۷.

۱۱. همان.

۱۲. سیر اعلام النبلاء، ج ۵، ص ۳۴۵.

مثل تیشه در بیستون

سید ابوالقاسم حسینی (ژرفا)

او در این میان چنین شکوا کرده بود: «دست کم مطالب ما را به ویراستار بدهند تا...». این مرد فاضل از ویراستار چنین انتظاری دارد. آیا دیگر نویسندگان و گویندگان ما حاضرند به این اعتراف گزنده تن دهند؟

هم اینک بنده کمترین، گاه در یک هفته بارها، با تقاضاهای ویرایش رویارویم. نوع این تقاضاها از آن روست که عزیز سروری بی بهره از مبانی دانش نگارش، خطاهای کودکانه خود را سرپوش نهد و جمله‌های یاجوج و ماجوجش - به تعبیر استاد خانلری - را سر و سامانی دهد. بارها به صراحت در پاسخ این سروران گفته‌ام: «انتظاری که شما دارید، به طلب معجزه شبیه است. نوشته‌ای که از اندازه‌های طبیعی بهره ندارد، با بزرگ و لعاب زینت نمی‌پذیرد.» و ادب حضور اجازه نداده است به ایشان بگویم پیرزن‌های یکی از ادیان، وقتی بزرگ می‌کنند به همه چیز شبیهند جز آدمیزاد! راستی، نوشته‌ای که غلط‌های املایی‌اش را حسین، غلط‌های دستوری‌اش را حسن، اشتباه‌های تألیفی‌اش را تقی، و کاستی‌های بافتاری و ساختاری‌اش را نقی زدوده باشد، به چه مشبه‌بھی جز آنچه عرض شد، شباهت دارد؟ اندوهمندانه می‌گویم که این انتظار بیهوده و یاوه، همراه سوء استفاده از وضع معیشتی - اجتماعی ویراستاران، در مجامع

هنگامی که پیشه ویرایش را مرور می‌کنیم، به روشنی درمی‌یابیم که معمولاً ویراستار عاملی حاشیه‌ای در کار فرهنگ مکتوب قلمداد شده است. همین سبب گشته که جز در مواردی نادر، ویرایش خدمت درخور و بایسته نام و کارکرد خود را ارائه ندهد. انتظار بسیاری از نویسندگان آن است که ویراستار همچون یک مداد پاک‌کن در خدمت آنان باشد تا غلط‌های املایی و انشایی‌شان را بسترده. معلوم است که با این انتظار، هم آنچه از مداد پاک‌کن باقی می‌ماند تراشه‌هایی بدنماست؛ هم نشان و انگ سترده‌ها باقی می‌ماند؛ و هم این ابزار خیلی زود فرسوده و ساییده می‌شود.

تا وقتی ویرایش از حاشیه برون نیاید و به عنوان هنر - دانشی پویا، کارساز، و پاینده به خود نگریسته نشود، در وضع آن تحوّل چندانی پدید نمی‌آید. خوب یادم هست دانشی مردی سال‌ها پیش از مطبوعات گله کرده بود که چرا نابایسته‌های سخن او را - به زعم وی، لازم سخن گفتن است - حذف و اصلاح نمی‌کنند و مطالب وی را یکسره بازتاب می‌دهند. شاهد این که

فرهنگی مذهبی چهره‌ای کریه‌تر نمایانده است. هرگز بر آن نیستم که از لحاظ کمی و عددی، حجم فراورده‌های سست‌قلم مذهبی بیش‌تر است. از قضا، چند سال است که مزه کار لاله‌زاری بسیاری را خوش ذائقه کرده است و دیگر مثل سی سال پیش لازم نیست برای تشرف به محضر آثار خنده‌انگیز منحصرأ به پاساژ... برویم. امروز، حقاً و انصافاً، نویسندگان مذهبی دست کم به اندازه دیگران دوست دارند مایه مضحکه نباشند. اما طبیعت کار در متون مذهبی به گونه‌ای است که وقتی سست و خام عرضه می‌شوند، بسی بیش‌تر می‌سوزانند و دل می‌آزارند. و البته باژگونه‌اش نیز صادق است. به خیر باد یاد روزهایی که نوجوانی مان با واژه‌های سترگ و پولادین استاد محمدرضا حکیمی - ایام شرفش مستدام - به سر می‌آمد. آن روزها جدآگمان نمی‌کردیم چنین قلمی از آن نویسنده‌ای مذهبی است. آن پایمردی‌ها و رنج بردن‌ها بی‌اثر نبوده است. امروز کم نیستند زنان و مردان برآمده از حوزه و دیگر دایره‌های دینی که خوب و پاکیزه می‌نویسند؛ اما با اندوه می‌گویم به نسبت حجم متوزم آثار مذهبی در این روزگار، دیگر قلمی حکیمی‌گونه چندان نمود ندارد.

پس بیش از همه، نویسندگان مذهبی باید هنر - دانش ویرایش را جدی بگیرند. آنچه به نام حوزه و دین و نهادهای دینی سربر می‌زند، همچون جویباری است در میانه صحرائی تفتیده و پهناور که رهگذران پس از روزها تشنه کامی اینک به امید زندگی - و نه فقط سیراب شدن - به آن «پناهنده» شده‌اند. اگر در این جویبار، چرکین‌گندابی روان باشد، فرصت سبز زندگی از بسیاری بازستانده می‌شود. نگوئید تشبیه این همه مطالب ارزنده دینی به گنداب چرکین، بی‌ادبانه و سبکسرانه است. این بنده خاک پای همه عالمان عالمم؛ اما وجدانتان را در میان آورید و پاسخ دهید: «آیا خداوند راضی است به نام دین و تشیع، سخنی پراکنده شود که از فخامت و سلامت ادبی بهره ندارد و گاه یک جمله‌اش به ده سطر می‌انجامد؟ آیا این واژه‌های پستونشین نخ‌نمای فرسوده، تشنه کامان امروز حتی به نقش سرابی امید می‌دهند؟» افسوس که سودجویی بعضی ناشران با بسته‌اندیشی برخی متحجران در آمیخته تا هنوز هم از

پس این همه مجاهدت علمی و فرهنگی، شماری از بانیان فرهنگ مذهبی که همانند پنجاه سال پیش می‌گویند، می‌نویسند، تبلیغ می‌کنند، و وعظ می‌ورزند، آینه ادبیات مذهبی جلوه کنند.

این ناله‌ها سال‌ها بود دل کوچک مرا می‌فشرد. اینک که مجال درد دلی فراهم آمده است، فروتنانه و خادمانه از همه اهل معرفت، به ویژه نویسندگان مذهبی، تقاضا می‌کنم گفتن و نوشتن را کاری مثل طبابت بدانند. طیب خوب فقط کسی نیست که دلسوزی و مهرورزی بتواند، بلکه باید پیش‌تر و بیش‌تر، فن پزشکی بداند و خبره این کار باشد. این هرگز به معنای سدبرستن پیش پای اهل قلم نیست. این برابر است با «تأدیة امانت به اهلش». مگر باید هرکس اهل فضل است، نوشتن را نیز وظیفه و مسؤولیت خویش بشمارد؟ این قلم که سوگند مایه خداوند است، دست کم به قدر تیشه بتایی و کلنگ چاه کن ارزش ندارد؟ چرا نباید نوشتن را به اندازه همین حرفه‌ها جدی بگیریم؟ سخن از ویرایش آغاز شد و به این درد دل واگشوده گشت. اینک بنگریم اگر کار نوشتن در سامان ما به سامان آید، نقش و کارکرد ویرایش چگونه خواهد بود. به حقیقت، اگر هر که نوشتن می‌داند و می‌تواند، دست به قلم بزد، ویرایش دیگر به منزله زدودن غلط‌ها و خط کشیدن بر جمله‌ها و واژه‌ها شمرده نخواهد شد. در چنان حالتی، ویراستار دانشوری است فرهیخته که:

۱. بر ماده علمی نوشته ویراسته تسلط دارد و از نصاب دانش آن برخوردار است.
۲. نوشته را نه از درون، که از دیدی مشرفانه و چیره، می‌نگرد.

۳. با ذهنی منظم، نگاهی جامع، و دقتی ژرف نگرانه واژه و اثره را از نظر می‌گذراند. با این سه بهره، ویراستار چه می‌کند که نویسنده، خود، نکرده است؟ با این سه بهره، ویراستار همچون مدیری که مجموعه‌ای صد نفره را از فرازگاهی می‌بیند، عمل می‌کند. مدیری که در فراز می‌نشیند و تناسب اجزا را با یکدیگر لحاظ می‌کند و کل به هم پیوسته، نه یکایک اجزا، را ارزیابی و سامان‌بخشی می‌کند، بسیار نکته‌ها را درمی‌یابد که یکایک

خاصّ ویراستاران؛ برنهادن قواعد یکدست در بعضی از مقوله‌ها؛ نظارت بر چند و چون کار و ویرایش؛ و کارهایی از این قبیل البته بایسته و شایسته‌اند. اما فراموش نکنیم که فراوان پرداختن به مسائل شکلی و قالبی، ما را از آن دغدغه اصلی غافل می‌کند. این که مثلاً شیوه خط فارسی چگونه باشد و سلیقه خاصّ هر ویراستار چیست، هم نسبت به آن اصل اصیل، کاملاً فرعی است؛ و هم پیش از حلّ مشکل اصلی، هرگونه تلاش درباب آن بی‌فرجام است. اگر می‌نگرید که این مسائل شکلی همچنان در چنگال سلیقه‌های پراکنده گرفتارند، بیش تر به دلیل ناگشوده ماندن گره اصلی است. در هنگامه‌ای که یک ویراستار پس از سالیان سال خون دل خوردن و رنج بردن، هیچ منزلتی نمی‌بیند و اساساً کارش جدی گرفته نمی‌شود، نباید انتظار وحدت رویه در مسائل شکلی را داشت. به همین دلیل، این بنده می‌پندارد هرروز رویه‌ای آوردن و از افراط به تفریط و از تفریط به افراط گراییدن، گره ویرایش را سخت تر برمی‌بندد. آن عزیز مرد یک روز آمد و گفت: «بچسبانید»؛ چسبانند. دیگر روز توبه کرد؛ جدا کردند. اکنون دیگر «دانش‌ور» و «می‌کده» مرسوم شده است، تا فردا آن عزیز مرد چه فرماید. گله هم نمی‌توان کرد که چرا اهل ویرایش این قدر مقلدند. حضرت رایانه هم که هوالهادی الی سبیل الرّشاد! سخن حقیر این است که تا گره را نگشاییم، نباید از این افراط‌ها و تفریط‌ها گله کرد.

این سخن، واژه به واژه، ارادت نامه من بود به همه اهل قلم و پیشداران و استادان. تعریضی نبود؛ جمله عرض بود و عریضه. گاه سوز دل کاری می‌کند که تیشه فرهاد صدای زخم بدهد؛ و گرنه میان دانشوران این عرصه بنده ناقابل هیچ است فرزند هیچ. امید که عریضه او در آمدی باشد گپ و گفت‌های سرسبز آینده را، به یمن این شهاب ثاقب!

نیروهای درگیر، هر قدر هم توانا و امین، در نمی‌یابند. هنر ویراستار در جامع‌نگری و تسلط مشرفانه او طنین می‌یابد. از این روست که وی باید همان قدر زبان‌شناس باشد که ادیب؛ همان اندازه سبک‌شناس که معیار سنج؛ و همان حد ذوقمند که قاعده‌مند. ایجاد تعادل میان نیروهایی که هریک می‌خواهند نوشته را به سویی هدایت کنند، کاری است کارستان که دست ویراستار را می‌بوسد. با این تقریب، هیچ تشبیهی رساتر از این نیست که ویرایش را همانند هدایت یک گروه نوازنده بدانیم. هم‌نوایی سازها و هم‌نشینی صداهاست که هم‌نواختی و دلنوازی یک قطعه نوارا تضمین می‌کند. بی‌هدایت یک رهبر ارکستر، چیره دست‌ترین نوازندگان نیز در آفرینش اثری توانا ناتوانند.

آنچه اکنون به نام ویرایش صورت می‌پذیرد، معمولاً از سر شورمندی و جوشش نیست؛ کوششی است برای تأمین معاش و در عین حال تکاپویی فرهنگی. از همین روست که پس از چندی، یکی از این دو حال چهره می‌نماید: یا ویراستار، خود، سری می‌شود میان سرها و عطای ویرایش را به لقایش می‌بخشد و از این کار فرسوده گر دست می‌شوید؛ و یا همچون ابزاری بی‌احساس به انجام مجموعه‌ای از وظایف معین و یکنواخت کمر می‌بندد. برای اصلاح این وضع، هم باید ویراستار کار خود را جدی بگیرد و هم باید جامعه فرهنگی شأن و نقش وی را، چنان که درخور اوست، ارج نهد. همان سان که در برخی نهادهای فرهنگی مغرب زمین مرسوم است، ویراستار باید در صدر بنشیند و عزت یابد؛ در امور کلان با او کنکاش شود؛ سخنش در جای خود فصل الخطاب باشد؛ طرف دعوا با این و آن نباشد و وجه المصالحه‌ناشر و پدید آورنده قرار نگیرد. به این ترتیب، می‌توان امید داشت که یک تن پنجاه سال در این هنر - دانش ممارست کند و فرسوده نشود و هر روز حرفی نو بیاموزد و کاری بدیع کند. نفس ویرایش فرساینده نیست، اگر عرصه تکاپوی ویراستار گسترده باشد.

آنچه بر قلم آمد، اصلی‌ترین دغدغه یک ویراستار هجده ساله بود، از پس سی و شش بهار. البته حرف‌های دیگر هم هستند که هرگز چنین دغدغه‌زا نیستند. تشکیل سندیکاهای

اخلاق روزنامه نگاری

هادی ربّانی

مقدمه

در هر صنفی پایبندی به اصول اخلاقی از اهمّیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. استادان و برجستگان هر صنفی، ضمن تعلیم اصول کار خود به کارآموزان، بر رعایت اخلاق صنفی نیز تأکید فراوان دارند؛ حتی در برخی از رشته‌ها، مانند پزشکی، بر پایبندی به این اصول سوگند یاد می‌کنند.

پیامدهای عدم پایبندی به اخلاق صنفی متفاوت است؛ مثلاً در جامعه پزشکی، ممکن است تخطی یک پزشک از اصول اخلاقی، منجر به مرگ انسانی شود و یا در صنف کسبه و تجار، در صورت عدم پایبندی به اصول اخلاقی، در حقوق مادی برخی از افراد اجحاف می‌شود.

روزنامه‌نگاری از حرفه‌هایی است که نقش اخلاق به وضوح در آن نمایان است و می‌توان گفت نقش اخلاق در این صنف، نسبت به صنفهای دیگر، به مراتب مهمتر است و در صورت عدم پایبندی به آن، پیامدهای اجتماعی وسیعی به دنبال خواهد داشت. از این رو، توجه به اهمّیت قلم و پرداختن به کارکرد اخلاق در این حرفه و نشان دادن لغزشگاههای موجود در آن، لازم و ضروری می‌نماید.

جایگاه قلم در آیات و روایات

قلم در آیات و روایات از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. این اهمّیت به دلیل نقشی است که قلم در عالم خلقت دارد. برای نمونه، به برخی از آیات و روایاتی که درباره قلم آمده است

اشاره می‌کنیم: از نخستین آیاتی که بر پیامبر (ص) فرود آمد این آیه است: «الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ»^۱ آن که نوشتن را با قلم آموخت. همچنین قلم نام سوره‌ای است در قرآن. در آیه نخست این سوره خداوند به قلم سوگند خورده است: «ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ؛ سوگند به قلم و آنچه می‌نویسند.» سوگند خداوند به قلم، نشانه منزلت والای قلم در نزد خداوند است.

در روایات نیز قلم از چنین اهمّیت و جایگاهی برخوردار است. پیامبر (ص) می‌فرماید: «إِنَّ أَوَّلَ مَا خَلَقَ اللَّهُ الْقَلَمَ؛ نخستین چیزی که خداوند آفرید، قلم بود.»^۲ حضرت علی (ع) می‌فرماید: «عُقُولُ الْفُضَلَاءِ فِي أَطْرَافِ أَقْلَامِهَا؛ خرد فرزندان در کناره‌های قلم آنهاست.»^۳ و نیز می‌فرماید: «عَقْلُ الْكَاتِبِ فِي قَلَمِهِ؛ خرد نویسنده در قلم اوست.»^۴

اهمّیت و جایگاه قلم موجب شده است که لغزشگاههای آن نیز از اهمّیت برخوردار باشد؛ به طوری که اگر قلم در دست اهل آن نباشد، تیغ در دست زنگی مست است. لذا مسئولیت صاحب قلم و حفظ قلم از پیرایه‌ها، در گرو پایبندی به اصول اخلاقی است. پیامبر (ص) پاسخگو بودن صاحب قلم را چنین بیان می‌دارد: «روز قیامت صاحب قلم را در تابوتی از آتش می‌آورند؛ در حالی که بر آن قفلهایی آتشین زده‌اند. نظر می‌شود به این که قلمش را در چه راهی به کار برده است: اگر قلمش را در راه خدا و رضای او به کار برده است، تابوت از او جدا می‌شود و چنانچه قلمش را در ضلالت و گمراهی به کار گرفته باشد، به همراه تابوت به قعر جهنم سقوط می‌کند...»^۵

۱. علق: ۴.

۲. کنز العمال، ج ۶، ص ۱۲۲.

۳. غرر الحکم، با شرح جمال الدین محمد خوانساری، ج ۲، ص ۵۰۲.

۴. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۳۲۸، ح ۷۶۱.

۵. کنز العمال، ج ۶، ص ۸۶، ح ۱۴۹۷۵.

جایگاه اخلاق در روزنامه‌نگاری

چنان‌که اشارت رفت، روزنامه‌نگاری از حرفه‌هایی است که نقش اخلاق در آن، نسبت به صنفهای دیگر، به مراتب مهمتر است و در صورت عدم پابندی به اصول اخلاقی، پیامدهای اجتماعی وسیعی به دنبال خواهد داشت. حرفه‌ای شدن فعالیت‌های روزنامه‌نگاری، به خصوص استفاده از شگردهای پیچیده و غیرمستقیم در نحوه انعکاس پیامها، نقش اخلاق را در این حرفه دوچندان کرده است. مخاطب قرار دادن همه قشرهای جامعه و جهت‌دادن به افکار آنها از دلایل دیگر جایگاه ویژه اخلاق در این صنف است.

کارکرد اخلاق در ابعاد مختلف، اعم از نحوه انعکاس اخبار، چگونگی تهیه گزارشها و مصاحبه‌ها و... حایز اهمیت است. از همه مهمتر، این نقش در مدیریت و پالایش خبر بروز می‌نماید. خبر، به تنهایی، مشکلی نمی‌آفریند. در پالایش خبر است که نقش و تأثیر انسان نمایان می‌شود؛ حتی فن آوری نمی‌تواند در این مرحله نقش ایفا کند. این انسان است که با حُب و بغض و اعمال هر نوع سلیقه، می‌تواند به خبر جهت دهد و در پالایش خبر اثر بگذارد. در همین مرحله است که برآوردن توقعات صاحبان زر و زور، نقش خود را در نحوه انعکاس اخبار بروز می‌دهد و یا انعکاس خبر وسیله برقراری ارتباط با رجال سیاسی و صاحب‌منصبان می‌شود، یا رعایت منافع گروهی ایجاب می‌کند خبرسازی انجام گیرد. در این صورت، از یک طرف غافل کردن مردم از انعکاس خبرهای مهم، و از سوی دیگر، بزرگ کردن خبرهای غیرمهم در دستور کار قرار می‌گیرد. بنابراین، جای تعجب نیست اگر سید ضیاء یک شبه از دفتر مجله‌اش به نخست‌وزیری نایل آید.

در همین مرحله است که روشنگری - که وظیفه اصلی روزنامه‌نگاری است - به بوتۀ فراموشی سپرده می‌شود و مردمدار بودن، راستگویی و شجاعت در انعکاس خبر و... جایگاهی نخواهد داشت.

سید جمال‌الدین اسدآبادی در مقاله «فوائد جراید»، پس از برشمردن فواید جراید، به نقش مسایل اخلاقی در جراید اشاره دارد: «لکن به شرط آن که صاحب جریده بنده حق بوده باشد، نه عبد دینار و درهم؛ زیرا اگر بنده دینار و درهم بوده باشد، حق را باطل و باطل را حق و خائن را امین و امین را خائن و صادق را کاذب و کاذب را صادق و عدو را صدیق و صدیق را عدو

و قریب را بعید و بعید را قریب و ضعیف را قوی و قوی را ضعیف و منفعت را مضرت و مضرت را منفعت و حُسن را قبح و قبح را حُسن و موهوم حقیقی را موجود و موجود حقیقی را موهوم وامی‌نماید و البته عدم این‌گونه جریده از وجود آن به مراتب بهتر است.»^۱

کارکرد اخلاق در روزنامه‌نگاری

پابندی به اصول اخلاقی در روزنامه‌نگاری، صاحبان قلم را از لغزشهای بی‌شماری که ممکن است هر لحظه آنها را از مسیر صواب خارج نماید، مصون می‌دارد. حُسن انجام وظیفه خطیر روزنامه‌نگاری در گرو آگاهی از لغزشگاهها و پابندی به اصول اخلاقی در این حرفه است. اینک برخی از مهمترین اصول اخلاقی را - که عمل و پابندی به آنها در این حرفه لازم است - برمی‌شماریم:

راستگویی

مهمترین لغزشی که در روزنامه‌نگاری ممکن است روی دهد، انعکاس غیرصحیح اخبار، و عدم انعکاس اخبار صحیح است. خداوند در قرآن این‌گونه برخورد با مسایل را نهی کرده است: «وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ»^۲ حق را با باطل مپوشانید تا حقیقت را پنهان سازید، با آن‌که حق و باطل را می‌دانید». در جای دیگر، از آگاهی خداوند از چنین رفتاری خبر می‌دهد: «أَوَلَا يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ مَا يُسْرُونَ وَ مَا يُعْلِنُونَ»^۳ آیا نمی‌دانند خداوند آگاه است از آنچه پنهان می‌دارند و از آنچه آشکار می‌سازند.»

راستگویی از اصول اولیه‌ای است که در آیات و روایات بسیاری بر آن تأکید شده است. به برخی از این آیات و روایات اشاره می‌کنیم: خداوند در قرآن می‌فرماید: «این [قیامت] روزی است که راستگویان را راستی‌شان سود بخشد.»^۴ پیامبر (ص) می‌فرماید: «محبوبترین گفتار در نزد من راست‌ترین آن است.»^۵ حضرت علی (ع) می‌فرماید: «راستی، برترین روایت

۱. مقالات جمالیه، ص ۱۱۱.

۲. بقره: ۴۲.

۳. همان: ۷۷.

۴. مائده: ۱۱۹.

۵. آثار الصادقین، ج ۱۰، ص ۴۹۲.

است»؛^۱ «سخن راست، بهترین گفتار است»؛^۲ «ملاک اسلام صدق گفتار است»؛^۳ «راستگویی از گرانمایه ترین خصلتهای انسان بایقین است»؛^۴ «راستگویی، زبان حق و حقیقت است».^۵

امانتداری

اصل مهم دیگری که روزنامه نگار باید در عمل بدان پایبند باشد، امانتداری است. خبر یا گزارش و یامصاحبه امانتی است در دست خبرنگار. چگونگی انتشار آن باید به گونه ای باشد که در واقع اتفاق افتاده است، نه آن گونه که مصالح شخصی و گروهی ایجاب می کند. خداوند در وصف مؤمنان می فرماید: «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ»^۶ و آنان که امانت و پیمان خود را رعایت می کنند».

راستگویی و امانتداری دو اصل مهمی است که در برخی از روایات به هر دوی آنها اشاره شده است. حضرت علی (ع) می فرماید: «ایمان بر اساس صدق و امانت پایه گذاری شده است».^۷ پیامبر (ص) می فرماید: «وقتی در برادر خود سه صفت دیدی به او امیدوار باش: حیا و امانت و راستی، و اگر این صفات را ندارد، از او امیدی نداشته باش».^۸ و نیز حضرت علی (ع) می فرماید: «کسی که امانتدار نباشد، ایمان ندارد»؛^۹ «هرگاه امانتداری قوی گردد، راستگویی افزایش می یابد».^{۱۰} همچنین امام صادق (ع) می فرماید: «به طول رکوع و سجود مرد نگاه نکنید - زیرا به این کار عادت کرده است و اگر ترک کند، وحشتش بگیرد - بلکه به راستگویی و امانتداری او بنگرید».^{۱۱}

عدالت

از صفات دیگری که پایبندی روزنامه نگار به آن ضروری است، رعایت عدالت در مورد دوستان و دشمنان است. عدم پایبندی به این اصل، موجب می شود همیشه جانب دوستان گرفته شود و از خطاهای آنها چشم پوشی گردد، و به عکس، گفته های دشمنان - اگرچه صواب باشند - خطا تلقی شوند. چنین برخوردی در جریان انعکاس خبر تأثیر به سزایی می گذارد و خبرنگار را از جاده انصاف خارج می کند.

خداوند می فرماید: «وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ»^{۱۲} دشمنی گروهی شما را بر آن ندارد که بیاداد کنید. دادگری کنید که آن به تقوا نزدیکتر است».

اینک به برخی از روایاتی که در این باره آمده است اشاره می کنیم: پیامبر (ص) می فرماید: «وقتی حکم می کنید، به عدل رفتار کنید و وقتی سخن می گوید، نیک گوید، زیرا خدا نیک است و نیکوکاران را دوست دارد».^{۱۳} حضرت علی (ع) می فرماید: «عدل انصاف است»^{۱۴}؛ «عدل قویترین بنیاد است»^{۱۵}؛ «عدل ترازویی است که خدا آن را برای برپا داشتن حق در میان مردم قرار داده است؛ پس با ترازوی خداوند مخالفت نکنید و...»^{۱۶}

آنچه گذشت، مهمترین اصول اخلاقی بود که روزنامه نگار باید به آنها پایبند باشد. با توجه به نقشی که امروزه فعالیت های روزنامه نگاری در جهت دادن افکار جامعه دارد، حُسن انجام این وظیفه خطیر در گرو آگاهی از لغزشگاههای این راه است که با پایبندی به اصول اخلاقی می توان از این لغزشها مصون ماند.

جلال آل احمد و رسالت صاحبان قلم

جلال آل احمد در رساله ای به نام رساله پلوس رسول به کاتبان، وظایف کاتبان و صاحبان قلم را بر شمرده است. این رساله در مقدمه کتاب زن زیادی، ذیل «به عنوان مقدمه» آورده شده است. از مقدمه رساله چنین برمی آید که رساله متنی کهن است که جلال آل احمد به نسخه خطی آن دست یافته و آن را به فارسی برگردانده است. جلال به چگونگی دست یافتن به این رساله کهن و ترجمه آن به زبان فارسی اشاره دارد. این رساله ساخته و پرداخته خود جلال است که می خواسته وظایف و رسالت

۱. غرر الحکم، ج ۱، ص ۳۴.

۲. همان، ص ۸۱.

۳. همان، ج ۶، ص ۱۱۸.

۴. همان، ج ۱، ص ۴۴.

۵. همان، ص ۱۴.

۶. مؤمنون: ۸.

۷. غرر الحکم، ج ۴، ص ۳۱۸.

۸. نهج الفصاحه، ص ۳۹، ح ۲۰۵.

۹. غرر الحکم، ج ۶، ص ۴۰۰.

۱۰. همان، ج ۳، ص ۱۳۴.

۱۱. الکافی، ج ۲، ص ۱۰۵، ح ۱۲.

۱۲. مائده: ۸.

۱۳. نهج الفصاحه، ص ۳۸، ح ۲۰۰.

۱۴. غرر الحکم، ج ۱، ص ۴۷.

۱۵. همان، ص ۲۱۶.

۱۶. همان، ج ۲، ص ۵۰۸.

اهل قلم را غیرمستقیم در قالب رساله‌ای کهن به آنها نشان دهد. البته از یادداشت او بر چاپ دوم کتاب می‌توان به این اشارت رهنمون شد: «چاپ این دفتر قرین بود به مقدمه‌ای از مردی^۱ که روزگاری دعوی آزادگی داشت و اکنون از بد حادثه - یا از نیکش - وزیر از آب درآمده است و من حساب آن مقدمه را در «مقدمه‌ای که در خور قد بلند شاعر نبود» رسیده‌ام. مراجعه کنید به سال اول مجله اندیشه و هنر. و به هر صورت، چون این نردبان پرپری تحمل بار وزرا نمی‌آورد، به جای آن مقدمه چیزی «به عنوان مقدمه» آوردم.»^۲

چنان که اشارت رفت، در رساله پولوس رسول به کاتبان، رسالت صاحبان قلم، با آن دید قوی و موشکافانه جلال، بیان شده است. در این جا بخشی از این رساله را - که ارتباط مستقیم با این نوشته دارد - می‌آوریم:

«باب سوم: ... ۲۷. این کلام پدر ما بود و اینک من می‌گویم آنچه تو بر قلم جاری سازی، ۲۸. هر چیز که به زبان گویی از روح برداشته‌ای، اما هر چیز که به قلم نویسی بر روح نهاده‌ای، ۲۹. با هر پلیدی که به زبان آوری مردمان را آلوده‌ای، اما با هر پلیدی که به قلم جاری کنی درون خویش را، ۳۰. زینهار تا کلام را به دروغ نیالیی که روح خود را به زنگ سپرده‌ای، ۳۱. زینهار به کلام تخم کین مپاش بلکه بذر محبت، ۳۲. زیرا کیست که مار پرورد و از زهرش در امان ماند و کیست که تا کستان هرس کند و از انگور بی بهره باشد؟

باب چهارم: کلام تو ای کاتب همچون گل باشد که چون شکفت بوید و دل جوید و سپس که پژمرد صد دانه از آن بماند و بپرا کند، ۱. نه همچون خار که در پای مردمان خلد و چون از بیخ برکنی هیچ نماند، ۲. و اگر نه این همت داری، هان از خار و خسک بیاموز که با همه ناهنجاری این را شاید که اجاق مردمان گرم کند، ۳. هر یک از شما همچون چاه باشد که اگر هزار دلو از آن برکشند خشکی نپذیرد و اگر هزار دلو در آن ریزند لبریز نشود، ۴. نه همچون جام که به یک جرعه نوشند و به چند قطره لبریز کنند، ۵. دل شما عمیق باشد و سینه شما فراخ تا کلام در آن فرو رود و هرگز تنگی نپذیرد، ۶. چنان باش که در گنج سینه شما برای هر آن غم آدمی جایی باشد، ۷. و قلب شما به هر تپش قلب ناشناخته‌ای جوابی آماده دارد، ۸. چنان باش که چاه درون شما هرگز از کلام انباشته نشود، اما جاودان بترآورد و به همه جوانب طراوات دهد، ۹. همچون اشتران باشید که در

۱. این مرد، دکتر پرویز ناتل خانلری است که در زمان نوشتن مقدمه بر چاپ اول زن زیادی از دوستان جلال آل‌احمد بوده و بعد به سمت وزارت نایل آمده است. جلال از گردش روزگار و تغییر احوال و قلم به مزد شدن کسانی که احتمال چنین کاری از آنها نمی‌رفت، به شکوه آمده است و به جای آن مقدمه، وظایف و رسالت صاحبان قلم را در قالب رساله پولوس رسول به کاتبان آورده است.

۲. زن زیادی، یادداشت مؤلف بر چاپ دوم.

۳. همان، ص ۱۱-۱۰.

یک شاخه گل

محمد اسفندیاری

عبدالحسین زرّین کوب نامی آشنا برای پژوهشگران و دانشوران و کتابخوانان است. این نام بر پشت دهها کتاب علمی و بر بالای صدها مقاله پژوهشی ثبت شده و در حافظه هزاران فرهنگدوست این جامعه ضبط گردیده است. صاحب این نام از قله های علمی جامعه ما و در کانون توجه محافل علمی جهان است و بیش از پنجاه سال است که هزاران دانش دوست بر خوان دانش او نشسته اند و دل و دماغ خویش را از آن فربه کرده و به او دست مریزاد گفته اند.

زرّین کوب را ویژگیهایی است که همه آنها در کمتر دانشوری یافت می شود: یکی، و مهمتر، اینکه او «روح علمی» را با علم به یکدیگر آمیخته است. وی نه تنها عالم است، که روح علمی نیز دارد و همین ویژگی است که او را مقبول همگان کرده است. از تعصب و پیشداوری و قشریگری و یکسونگری و شخصیت زدگی و بیگانگی زدگی و دیگر آفتها و حجابهای علم، که مخالف روح علمی است، پیراسته و رسته است. ویژگی دیگر او شناخت فرهنگهای مختلف است و این ویژگی نیز موجب شده که طیف گوناگونی از خوانندگان به کتابهای او اقبال کنند. او هم با فرهنگ اسلامی آشناست و هم با فرهنگ ایرانی و هم با فرهنگ غربی. از این رو در مقام مقایسه این فرهنگها و داد و ستد آنها سخنهای نغز و پرمغزی دارد. ویژگی دیگر او این است که «کثرت تحقیق» و «کثرت تألیف» را، که جمعشان مشکل و نزدیک به محال است، با یکدیگر جمع کرده است. او نه مانند محققانی است که کارنامه تألیفاتشان «کم برگ» است و نه مانند مؤلفانی که کارنامه تحقیقاتشان «کم بار» است، بلکه با جمع کثرت تحقیق و تألیف، آثاری پربرگ و بار فراهم ساخته است. هیچ تألیفی از وی را نمی توان یافت که متکی به تحقیق عمیق نباشد و سرسری و سردستی تهیه شده باشد.

زرّین کوب پیش از آنکه مؤلف و مترجم و منتقد و... باشد، محقق است. وی نخست محقق است و دغدغه حقیقت جویی

و دانستن دارد، آنگاه مؤلف و مترجم و... است. این ویژگی، او را از بسیاری از مؤلفان معاصر، متمایز می کند. فاش می گویم بسیاری از مؤلفان معاصر ما، نخست، و بیشتر، مؤلف هستند و سپس محقق. (بگذریم از عده زیادی که فقط مؤلف هستند و هرگز محقق نیستند.) دلمشغولی این عده فقط تألیف است و اگر هم تحقیق می کنند برای آن است که تألیف کنند و لذا به تألیف بیش از تحقیق اهمیت می دهند و تألیفاتشان چندان متکی به تحقیق و آکنده از آن نیست. اما زرّین کوب استثنای این قاعده است: نخست محقق و سپس مؤلف است و، بدین رو، تألیفاتش مشحون از تحقیق و بس مایه و پر ملامت است.

به دیده من، که هزاران کتاب را از دیده گذرانده ام، هیچ محقق، که مؤلف هم باشد، و هیچ مؤلفی، که محقق هم باشد، در جمع تحقیق و تألیف به پایه زرّین کوب نمی رسد. شاید محققانی یافت شوند که بیش از زرّین کوب تحقیق کرده باشند، اما کمتر از او تألیف کرده اند و، در نتیجه، جامعه علمی ما کمتر از تألیفاتشان سودمند شده است. و شاید مؤلفانی یافت شوند که بیش از زرّین کوب تألیف کرده باشند، اما کمتر از او تحقیق کرده اند و، در نتیجه، جامعه علمی ما کمتر از تحقیقاتشان سودمند شده است. اما زرّین کوب با جمع تحقیق و تألیف، جامعه علمی ما را هم از تحقیقاتش و هم از تألیفاتش سود رسانده است.

باری، زرّین کوب نخست محقق، سپس مؤلف، آنگاه منتقد، بعد از آن مترجم، و دست آخر اینکه داستان نویس و شاعر است. و اگر بخواهیم او را در یک جمله وصف کنیم، باید بگوییم که «مرجع تحقیق دانشوران» است. کتابها و مقاله های او، که همگی خواندنی و آموختنی و ماندنی است، در حوزه ادبیات (۱)، تاریخ (۲)، تصوفشناسی (۳)، شرح حالنگاری (۴) و اسلامشناسی (۵) است و او در این پنج موضوع هرچه نوشته، تأمل برانگیز و جدی است و، البته، خالی از سهو نیست که «الانسان محلّ السهو و التسیان».

در «یادداشتها و اندیشه ها»^۱ و «دفتر ایام» این مرد «نه شرقی، نه غربی، انسانی» بنگرید که چسان «تاریخ در ترازو» نهاد و «بحر در کوزه» کرد. روزی «با کاروان حله»، «سیری

۱. آنچه در داخل گیومه گذاشته شده، عنوان کتابهای زرّین کوب است. در چند جمله به همه کتابهای او (مطبوع و مخطوط و مفقود) اشاره شده است. البته خواننده توجه داشته باشد که این «جمله های ساختگی» از عنوان کتابهای زرّین کوب، «گزارش واقعی» از سلوک علمی و اخلاقی اوست.

جدا گانه دارد. عادت او استغراق شدید در کارهاست. وقتی در یک موضوع مشغول کار است از تمام وسایل و تمام اوقات ممکن استفاده می‌کند. این استغراق باعث می‌شود که در کار خود کمتر دچار اشتباه یا شتاب زدگی شود.^۱

آری، این است علت موفقیت زرین کوب. حال به آنچه نقل شد، این سخن را هم بیفزایید و در آنها تأمل کنید:

دانشجویان بشوخی از استاد خود پرسیدند که در کار علم چگونه می‌توانند به مقام بزرگانی چون پاولوف رسند. استاد بجد پاسخ داد: بامداد در آغوش مسأله مطلوب خود از خواب بیدار شوید، با مسأله خود صبحانه بخورید، با آن به آزمایشگاه بشتابید، به هنگام ناهار خوردن همراه آن باشید، پس از ناهار آن را نزد خود نگه دارید، با آن به بستر بروید و آن را به خواب ببینید.^۲

در پایان این نوشته بصراحت می‌گویم جامعه علمی ما آنقدر که به زرین کوب مدیون است، دین خود را ادا نکرده و از این جهت سزاوار ملامت است. البته تا کنون سه کتاب در بزرگداشت مقام علمی زرین کوب منتشر شده است^۳، اما مقام علمی او، چنانکه باید شناسانده نشده و از او، آن‌گونه که شاید، قدر دانی نشده است. انتظار می‌رود مراکز علمی میهن ما حجاب معاصرت را بزدایند و با بزرگداشت مقام علمی استادان و پیشکسوتان، که در قید حیات هستند، نشان دهند که به بلوغ فکری رسیده‌اند و تنها به قدر دانی از گذشتگان بسنده نمی‌کنند. آری، اگر امروز یک شاخه گل به دانشوران و فرزندان تقدیم کنیم، بهتر است که فردا یک دسته گل بر گور آنها بگذاریم.

۱. مقاله «روایت یک شاهد عینی»، مندرج در *یادگارنامه استاد دکتر عبدالحسین زرین کوب*، ص ۶۰-۶۱، با اندکی تصرف و تلخیص. مشخصات این کتاب در بعد خواهد آمد.

۲. ح. آریان پور. پژوهش. (چاپ سوم: تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۸). ص ۲۳، با اندکی تصرف. به نقل از کتاب *science and the planned state*.

۳. نخستین کتاب به اهتمام حمید ایزدپناه و با عنوان *ارمغانی برای زرین کوب: مجموعه مقالات اهدایی به دکتر عبدالحسین زرین کوب به مناسبت مجلس بزرگداشت وی* منتشر شد. (انتشارات اداره کل فرهنگ و هنر لرستان، ۱۳۵۵). دومین کتاب از آن علی اصغر محمدخانی است و با عنوان *درخت معرفت: جشن نامه استاد دکتر عبدالحسین زرین کوب*. (تهران، انتشارات سخن، ۱۳۷۶). و سومین کتاب ذیل عنوان *یادگارنامه استاد دکتر عبدالحسین زرین کوب* به کوشش علی دهباشی منتشر شد. (تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۶).

در شعر فارسی» کرد و «از گذشته ادبی ایران» گذشت و نشان داد که «شعر بی دروغ، شعر بی نقاب» چیست. روز دیگری با درکف داشتن «فلسفه شعر» به «شرح قصیده ترسائیة خاقانی» پرداخت و دانش آموزان این سرزمین را «فارسی و دستور زبان» و «قرائت فارسی و تاریخ ادبیات» آموخت. همچنین در سایه «آشنایی با نقد ادبی» و سالها تدریس «نقد ادبی» از «زندگی و اندیشه سعدی» گفت و دُر سفت. رفته رفته «در قلمرو وجدان» سکونت گزید و «جستجو در تصوف ایران» را آغاز کرد و چون به مقصد نرسید، به «دنباله جستجو در تصوف ایران» پرداخت تا «ارزش میراث صوفیة» را شناخت و شناساند. آنگاه در «فرار از مدرسه»، «از کوچۀ زندان» گذشت و به «سرّی» گوش سپرد و با «از نی نامه» به گوش دیگران رساند. «از چیزهای دیگر» هم گفت: از «متافیزیک» و «ارسطو و فن شعر» و از «ادبیات فرانسه در دوران کلاسیک» و هکذا از «ادبیات فرانسه در قرون وسطی و رنسانس». «با کاروان اندیشه» به «تاریخ ایران بعد از اسلام» نقب زد و در «تاریخ مردم ایران» غوطه خورد و سپس خود را در «روزگاران ایران» غرق کرد. باز هم دست از طلب برنداشت و در طلب «دنباله روزگاران ایران» بود تا به «روزگاران دیگر» رسید. البته با «دو قرن سکوت»، «نقش بر آب» زد؛ و ای دریغ! اما با تصفح «کارنامه اسلام» و سفر در «بامداد اسلام» به «اسلام در نقش فرهنگ و سیاست» دست یازید؛ دست مریزاد و آفرین! «با پیر گنجه در جستجوی ناکجا آباد» رفت و «شعله طور» را به دست آورد و با «نردبان آسمان» می‌خواست... که ناگهان نردبان شکست؛ نه، دلش شکست. و چون خدایش گفته بود من به نزد شکسته دلانم (انا عند المنکسرة قلوبهم)، با همان «نردبان شکسته»، «پله پله تا ملاقات خدا» رفت و «انسان الهی» را دید و «حکایت همچنان باقی».

براستی زرین کوب چسان توانست این همه توفیق یابد و به قله‌های افتخار دست یازد؟ پاسخ این پرسش را از قلم شریک زندگی زرین کوب بخوانیم که پنجاه سال با او زیسته است؛ دکتر قمر آریان:

در باره کارهای او چیزی که برای من جالب است حوصله فوق العاده او در جستجو است. زرین کوب ماهها و سالها با آنچه موضوع کار اوست زندگی می‌کند. همه چیز را در آن باره می‌خواند و بررسی می‌کند و در هر چه به آن مربوط است مدتها فکر و تأمل می‌کند و با هر عبارت که می‌نویسد حسابی

تأثیر لیگنین بر تخریب کاغذ

ارائه یک الگوی پژوهشی

محمد رضا ارجمند

در سالهای اخیر روند فساد کاغذ شتاب فزاینده‌ای گرفته است. وجود این سرعت، به ویژه در مواد کتابخانه‌ای و بایگانیها، مبتین این حقیقت است که فرآورده‌های کاغذی تولید شده بعد از دهه ۱۸۵۰، در معرض فساد و تجزیه بیشتری قرار دارند. شماری از مراکز، چاره‌کار را در انتقال اطلاعات بر روی میکروفیلم، میکروفیش و یا دیسکتهای رایانه‌ای یافته‌اند و برخی دیگر اسیدزدایی و بهره‌گیری از شیوه‌های پیشگیرانه، مانند استفاده از کاغذهای مایل به قلیایی و عاری از اسید را راه‌حل مورد توجه و اجرا قرار داده‌اند.

وظیفه دشوار نگهداری و صیانت از اسناد و آثار مکتوب ملی و تاریخی باعث ایجاد انگیزه‌های پژوهشی در زمینه یافتن راهبردهای بهینه برای حفظ و انتقال این آثار شده است تا امکان پژوهش و پویش برای آیندگان وجود داشته باشد. برای دستیابی به این هدف لازم است چهارچوبهای مشخصی را تعیین کرد تا مطالعه و بررسی فرآیند فساد و تأثیر عوامل مختلف ساختاری و محیطی را در شتاب بخشی بدانها ممکن سازد. هدف از این نوشته، ارائه یک الگوی پژوهشی برای دستیابی به میزان مطلوب استحکام و پایداری در کاغذ است.

ابتدا لازم است که تعریف مشخصی از موضوع تحقیق - یعنی ویژگیهای کاغذ پایدار - ارائه کنیم. براساس معیارهای تعریف شده، کاغذ پایدار کاغذی است که میل قلیایی داشته و حداقل دارای دو درصد کربنات کلسیم باشد تا به عنوان بافر (ذخیره قلیایی) در مقابل هیدرولیز اسیدی کاغذ مقاومت کند. براساس همین معیار، میزان لیگنین در کاغذ نباید از یک درصد تجاوز

کند. با بررسی نمونه‌های بسیاری از کاغذهای ماشینی که دارای پایداری کمتری در مقایسه با نمونه‌های دست‌ساز (در برابر عامل زمان) بوده‌اند، میزان مجاز لیگنین به دست آمده است و این واقعیت را به اثبات رسانده که ناپایداری کاغذهای ماشین‌ساز به سبب اندازه غیر مجاز لیگنین در سلولز است که بسته به نوع و گونه چوب مصرفی گاه حتی تا ۲۵٪ برخی از انواع چوبها را تشکیل می‌دهد و پایداری و دوام کاغذ نیز حاصل بستگی یا گسستگی الیاف همین ماده است. کارخانه‌های کاغذسازی که بیشتر به تولید انبوه می‌اندیشند، توجهی به اندازه مجاز لیگنین نکرده و برای سرعت بخشیدن به روند تولید، استفاده بی‌رویه از آن را در دستور کار قرار می‌دهند که در نهایت منجر به تولید انبوهی از کاغذهای نامرغوب و ناپایدار می‌شود. برخی از مراجع علمی نوین، فرضیه تأثیر لیگنین بر شتاب بخشی روند تجزیه و فساد کاغذ را مردود می‌دانند، اما یافته‌های این منابع برای اثبات ادعای آنها و نتیجه‌گیری نهایی از این فرضیات کفایت نمی‌کند. به همین منظور، بعد از ارائه فرضیه فوق، بسیاری از پژوهشگران بر آن شدند تا در این خصوص تحقیق کرده و نتایج به دست آمده را به عنوان اصول علمی قابل اعتماد ارائه دهند.

برای دستیابی به نتیجه درست‌تر، بر خلاف تحقیقات پیشین که هدف آنها مطالعه مقاومت فیزیکی کاغذ بود، برنامه تحقیقات باید تغییر در خواص و کیفیات شیمیایی را بررسی کند. این مطلب به ویژه بدین سبب حایز اهمیت است که فرآیند پژوهش به مکانیزم تجزیه اجزای سازنده کاغذ (به ویژه سلولز) می‌پردازد تا بتواند تأثیر عواملی نظیر رطوبت، درجه اسیدیته (PH) و... را نشان دهد.

نمونه برداری (انتخاب نمونه کاغذ)

نمونه‌های کاغذهای انتخاب شده برای این بررسی باید انواع گسترده‌ای از کاغذهای دست‌ساز و ماشینی را شامل شود، تا انواع مختلف کاغذ (به لحاظ ساختاری) و درجات مختلف دوام را دربرگیرند. بدین وسیله می‌توان مقایسه انواع مختلف کاغذ را تعمیم بخشید و نتایج به دست آمده کاربردهای عملی مطلوبتری خواهد یافت. برای بررسی بهینه تأثیر عوامل محیطی و ساختاری بر روند تخریب کاغذ، روشهای مختلف تهیه و تولید کاغذ باید معیار و مبنای گزینش کاغذها قرار گیرد. کاغذهایی که تحت عنوان «کاغذهای دست‌ساز» شناخته می‌شوند، در یک دسته جداگانه قرار می‌گیرند. کاغذهای

کاغذ دست‌ساز - برای مطالعه آلودگیها و مقایسه آن با کاغذهای شاهد - در اتاقکهای ویژه این کار قرار داده و نتیجه را بررسی کرد.

خواص استحکامی کاغذ

استحکام الیاف: این مطلب به اثبات رسیده است که استحکام کششی، استحکام پارگی و استحکام تاشدگی کاغذ معیارهای مناسبی برای مطالعه استحکام کاغذ به شمار می‌روند. این خواص ارتباط مستقیم با استحکام الیاف تشکیل دهنده کاغذ دارند. از آن جا که تجزیه سلولز به هنگام از دست دادن استحکام الیاف آن روی می‌دهد، تمام مراحل شتاب بخشی کهنگی (شرایط کهنگی مصنوعی) و بررسی استحکام الیاف می‌تواند با استفاده از آزمون Zero - span یا آزمونهای مشابه - که برخی از آنها در مطالعه الیاف منسوجات نیز کاربرد دارند - بررسی شود.

استحکام در برابر پارگی: استحکام کاغذ در برابر پارگی به عنوان کنش کاغذ در فرآیند چاپ و نگارش و نیز معیاری برای دوام کاغذ به شمار می‌رود. آزمون استحکام کاغذ در برابر پارگی نشان دهنده برخی از عوامل، مانند طول الیاف، استحکام الیاف و پیوندهای بین الیاف است.

منحنی خستگی تنش (فشار) و کشش کاغذ: یک برنامه تحقیقاتی بر روی کاغذ باید معیارها و مقادیر مربوط به خستگی کاغذ در برابر فشار و کشش را نیز شامل شود تا میزان مقاومت کششی، کشسانی برگ کاغذ، مقاومت در جذب انرژی و شکنندگی سنجیده شود. (راهنمای شکنندگی، مقیاسی است که اخیراً برای بررسی و مطالعه میل شکنندگی، ترک پذیری و موارد ایراد و فساد در صورت انتشار کاغذ، عرضه شده است).

دوام در برابر تا خوردگی: آزمون دوام در برابر تا خوردگی عبارت است از اندازه گیری میزان خرابی کاغذ در طول خط تا شده‌ای که به طور مرتب باز و بسته می‌شود. این آزمون اغلب اختیاری است، زیرا نتایج حاصل از آن بسیار گوناگون و متغیر است. با این حال، به نظر می‌رسد که این آزمون نیز باید در یک برنامه تحقیقاتی مربوط به دوام کاغذ گنجانده شود، زیرا با بررسی نتیجه آن می‌توان نتایج و آثار کهنگی شتابیده را مورد مطالعه قرار داد.

ویژگیهای شیمیایی

لیگنین نامحلول در اسید (لیگنین کلاسون): کاغذهای تجارتي و خمیرهای آماده شده برای ساخت کاغذهای غیر ماشینی باید

دست‌ساز از انواع مختلفی از خمیرهای خالص و بدون افزودنیهای دیگر ساخته می‌شوند. در ساخت برخی از آنها از ضایعات پارچه و یا قطعات کاغذ استفاده می‌شود که گاه تا دو درصد دارای کربنات کلسیم است، اما برخی اوقات نیز فاقد این مقدار است. از آن جا که هدف، مطالعه کاغذهای مورد استفاده در شرایط مختلف است، برای تعمیم نتایج تحقیق می‌توان کاغذهای تزئینی و نیز کاغذهای ساخته شده از سپیدار و یا چوبهای دیگر و یا کاغذهای ساخته شده به شیوه‌های مختلف فیزیکی و شیمیایی را نیز بررسی کرد.

به علاوه، برای اطمینان از شمول نتیجه تحقیق بر همه موارد ساخت کاغذ، خارج از مقیاس آزمایشگاهی، باید کاغذهای تجاری به عنوان نماینده گروه کاغذهای موجود در بازار مصرف، به همان شیوه کاغذهای دست‌ساز بررسی شود. طبیعی است که باید در مورد این نمونه‌ها محدودیت اعمال شود تا در نهایت بتوان به خواص مورد نظر دست یافت.

شرایط کهنگی

به عنوان مبنای پژوهش، می‌توان از استاندارد ارائه شده از جانب سازمان بین‌المللی تدوین استانداردها (ISO)، برای تعیین شرایط کهنگی شتابیده استفاده کرد. حرارت هشتاد درجه سانتیگراد و رطوبت نسبی ۶۵٪، به عنوان مبنای کهنگی شتابیده پیشنهاد می‌شود. در چنین شرایطی، فرسودگی حاصل از ۷۵ سال محیط معمولی به پانزده روز کاهش می‌یابد. استفاده از شرایط شتاب بخشی به این دلیل است که در چنین شرایطی فرآیند تجزیه کاغذ تسریع شده و از طرفی اندازه گیری و محاسبه نیز امکانپذیر می‌شود. همچنین شرایط مصنوعی یاد شده، نزدیک به شرایط واقعی محیط است. (شرایط واقعی براساس استاندارد ارائه شده از جانب ISO، ۲۳ درجه سانتیگراد و پنجاه درصد رطوبت نسبی است).

آلودگیها

داده‌های مربوط به میزان آلاینده‌های محیط خارج از ساختمان (فضای باز) در بسیاری از نقاط، در دسترس پژوهشگران است، اما اطلاعات اندکی در خصوص آلاینده‌های داخل ساختمان موجود است و در این میان شاید به جرئت می‌توان گفت که تقریباً هیچ اطلاعاتی در مورد آلاینده‌های بایگانیها و کتابخانه‌ها وجود ندارد. بنابراین، می‌توان از آزمونهای مختلف صورت گرفته در اروپا موسوم به «پروژه استپ» به عنوان اطلاعات مبنا استفاده کرد و همزمان نیز تعدادی، مثلاً ۲۵۰ برگ

مورد آزمایش قرار گیرند تا میزان لیگنین کلاسون در آنها به درستی تعیین گردد. این آزمایش باید فقط بر روی مواد نو و قبل از انجام فرآیند کهنگی مصنوعی صورت پذیرد. از آن جا که هدف، بررسی لیگنین در کاغذ است، حتماً باید آزمون سنجش میزان لیگنین نامحلول در اسید نیز انجام شود، زیرا وجود لیگنین در بسیاری از کاغذها ناگزیر است.

یونهای فلزی: ثابت شده است که یونهای فلزی، مانند آهن و مس، می تواند باعث کاهش دوام کاغذ شود. بنابراین، انجام آزمون تجزیه کیفی یونهای فلزی نیز ضروری به نظر می رسد. (یونهای کلسیم و سدیم نیز باید مورد مطالعه قرار گیرد.) منظور از یونهای فلزی در این آزمون بررسی وجود آن در خمیر کاغذ است، زیرا مرگبها یا رنگهای مورد استفاده بر روی کاغذ می تواند منبع طبیعی وجود یونهای فلزی باشد.

روش استحصال سرد اسیدپت: همواره فرض بر این است که کاغذهای قلیایی در مقایسه با کاغذهای اسیدی دوام و پایداری بیشتری دارند، اما بسیاری از کاغذهای اسیدی نیز دارای دوام و استحکام مناسبی هستند و بسیاری از کاغذهای دست ساز قدیمی با وجود اسیدی بودن، در شرایط بسیار عالی بوده و خواص شیمیایی و فیزیکی مطلوبی دارند. (برای نمونه، می توان از کاغذهای قرن هفدهم و هیجدهم میلادی تولید شده در اروپا نام برد.) بنابراین، برای یافتن میزان دوام کاغذ باید به موارد مختلفی، مانند مقدار رطوبت و میزان مقاومت و دوام اولیه کاغذ نیز توجه داشت و نمی توان فقط به سنجش میزان اسیدپت اکتفا کرد. با این حال، برنامه تحقیقاتی حتماً باید شامل سنجش میزان اسیدپت یا درجه قلیایی کاغذ نیز باشد و به هنگام کهنگی شتابیده کاغذ، مقدار تأثیر آن را بر روند کهنگی از نظر دور نداشت.

ارزش اولیه اسید در کاغذ و نتایج حاصل از تغییر آن در نتیجه هیدرولیز اسید یا اکسیداسیون از موارد مهمی است که باید به یافتن آنها اقدام کرد.

روش اسید سنجی اسکالان: در شیوه اسیدسنجی اسکالان به جای استفاده از آب مقطر یا آب یون زدوده، از محلول آب و نمک برای سنجش درجه اسیدپت استفاده می شود. از آن جا که دیواره الیاف در نتیجه تماس با آب نمک، اندکی متورم می شود، امکان استخراج گروههای اسید از بین دیواره الیاف امکانپذیر می شود و از آن جا که این شیوه با دقت و صحت بیشتری درجه اسیدپت کاغذ را نشان می دهد، به عنوان یکی از شیوههای بهینه سنجش اسیدپت کاغذ می توان آن را به کار گرفت.

میزان کل اسید (درجه اکسیداسیون): میزان کلی اسید موجود در هر نمونه کاغذ باید سنجیده شود. این گستره، اسیدهای قوی و ضعیف و نیز اسیدهای استری شده را شامل می شود. میزان کل اسید موجود در کاغذها قبل و بعد از فرآیند کهنگی مصنوعی، نشان دهنده درجه اکسیداسیون است. امتیاز این شیوه آن است که امکان سنجش جداگانه اسیدهای مختلف را نیز فراهم می سازد.

ذخیره قلیایی (بافر): معیارهای موجود، وجود حداقل دو درصد کربنات کلسیم در کاغذ را به عنوان بافر توصیه می کنند. کربنات کلسیم اسیدهای فرار حاصل از تخریب کاغذ را خنثی کرده و میزان فرسودگی را کاهش می دهد. احتمالاً این ماده اسیدهای فرار حاصل از محیط را نیز جذب کرده و قبل از این که باعث ایجاد آسیب در کاغذ شوند، خنثی می سازد. میزان تغییر بافر در خلال فرآیند کهنگی شتابیده، نشان دهنده فرآیند تخریب و تأثیرپذیری بافر است.

درجه بسپارش (پلیمریزاسیون): آزمونهای تعیین درجه بسپارش (DP)، برای تعیین دوام و پایداری کاغذ بسیار مفیدند، زیرا این آزمایشها، اطلاعاتی را درباره وزن مولکولی سلولز به دست می دهند. در مرحله آغازین کهنگی، تغییر اندکی در خواص فیزیکی کاغذ به وجود می آید، اگرچه تخریب در واحدهای الیاف بسیار شدید است. میزان تخریب در این مرحله بستگی به نوع کاغذ دارد و تعیین یک معیار خاص برای آن بسیار مشکل است. اما آنچه به استفاده کننده کاغذ مربوط می شود، دو مورد است: آهنگ تغییرات و ارزیابی سرعت تغییر.

هنگامی که تخریب صورت گرفته باشد یا مقاومت مکانیکی به سرعت کاهش یابد، روشن است که این ویژگی به ماهیت کاغذ برمی گردد و نشان دهنده عدم استحکام کاغذ است، اما تخریب الیاف می تواند در نتیجه مقاومت مکانیکی، هم از لحاظ افزایش ارزش مطلق تخریب و هم شتاب گرفتن آهنگ کاهش مقاومت نیز صورت پذیرد. با این حال، در یک برنامه تحقیقاتی باید افزایش ارزش مطلق را مبنای مهمتری به شمار آورد.

تحلیل داده ها: انجام آزمایشهای فیزیکی و شیمیایی متعدد بر روی نمونه های مختلف، در نهایت، دستاوردهای باارزشی در مورد تأثیر لیگنین بر دوام کاغذ خواهد داشت. نتایج به دست آمده می تواند مبنای تدوین معیار برای تعیین دوام کاغذ و میزان مجاز لیگنین در آن قرار گیرد. تحلیل و تفسیر داده ها، گستره بزرگی از اطلاعات را در اختیار قرار می دهد که برای اهداف پژوهشی و کاربردی بسیار مفید خواهند بود.

نگاهی به کتابخانه‌های عمومی

میر محمود موسوی

۲. پیدایش کتابخانه‌ها در اسلام

جهان اسلام شاهد کتابخانه‌های پرباری در عرصه‌های مختلف بوده است. تأکید اسلام بر اهمیت علم و ارزش والای دانش‌اندوزی خود مهمترین دلیل توجه مسلمانان به علوم و فنون مختلف و تلاش آنان برای گسترش کتابخانه‌های بزرگ بوده است. تعیین اولین کتابخانه در اسلام، اعم از عمومی و اختصاصی، کار دشواری است. در دوران تمدن اسلامی کتابخانه‌های فراوانی بودند که پاره‌ای از آنها از شهرت و عظمت برخوردارند. شاید به همین خاطر تحقیق بر روی اولینها کمتر صورت گرفته، ولی از آن جا که کتابخانه معمولاً ابزار کار آموزش بوده است و آموزش هم در اسلام با مساجد آغاز شد و سپس در مدارس ادامه یافت، می‌توان نتیجه گرفت که از همان روزگار نخستین که مساجد و مدارس ساخته شدند، کتابخانه‌ها نیز به نوعی در کنار آنها پدید آمدند.^۳

گفته شده بزرگترین کتابخانه‌ها در اسلام به این قرار بوده‌اند:

۱. کتابخانه بیت‌الحکمة در بغداد که در آن کتابهای فراوانی وجود داشت و از نظر نفاست هم بی‌مانند بود. این کتابخانه تا هجوم مغولها به بغداد دایر بوده است؛

۲. کتابخانه فاطمیون (دارالحکمة، دارالعلم) در مصر؛

۳. کتابخانه خلفای بنی‌امیه (دارالحکمة) در اندلس؛

۴. کتابخانه دارالعلم شاپور اردشیر در بغداد؛

۵. کتابخانه رصدخانه مراغه در ایران؛

۱. وقف و ساختار کتابخانه‌های اسلامی، ص ۹.

۲. درآمدی بر دائرة المعارف کتابخانه‌های جهان، ص ۳۰؛ سازمان کتابخانه، ص ۱۲.

۳. کتاب و کتابخانه، ص ۱۳ و ۱۵.

مقدمه

کتابخانه‌ها که از مراکز پژوهشی و نمود عینی فرهنگ و دانش به شمار می‌آیند، نقش مهمی در حفظ و حراست آثار و منابع علمی به جا مانده از علمای گذشته و ارائه خدمات علمی به جامعه دارند. ما در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که اسلام و فرهنگ اسلامی بر آن حاکم است و رهبر آسمانی آن حضرت محمد (ص) فراگیری علم را بر همه واجب دانسته: «طلب العلم فریضة علی کل مسلم» و به آنها فرموده تا پایان عمر جوینده دانش باشند: «اطلبوا العلم من المهدی الی اللحد» و جانشین برحق ایشان حضرت علی (ع) نیز فراگیری دانش را اگرچه از اهل نفاق پیشگان باشد سفارش فرموده است: «خذ الحکمة و لو من اهل النفاق.» در چنین جامعه‌ای به کتاب، کتابخوان و کتابخانه و نیز تحقیق و پژوهش و به طور کلی فعالیتهای علمی و فرهنگی باید بهای بیشتری داده شود. در این مقال سعی می‌شود به مطالبی در این زمینه تاحد امکان پرداخته شود.^۱

۱. تعریف کتابخانه

کتابخانه به مکانی اطلاق می‌شود که در آن جاکتاب و سایر مواد کتابخانه‌ای به منظور مطالعه و تحقیق افراد خاص یا عموم مردم نگهداری می‌شود و یا به عبارتی، مجموعه‌ای فرهنگی و اجتماعی است که از رهگذر جمع‌آوری مواد فرهنگی پدید می‌آید.^۲

۶. کتابخانه خاندان بنوعمار در طرابلس شام.
هرکدام از این کتابخانه‌ها دارای صدها هزار جلد کتاب بوده‌اند.^۱

۳. علل رکود کتابخانه‌های اسلامی

شکوفایی کتابخانه‌های اسلامی دیری نپایید و به دلایل مختلف از قبیل سیل، زلزله، جنگ و غارت باقی‌مانده آنها توسط کشورهای غربی، آن تلاش و کوشش اولیه مسلمانان به افول گرایید و امر کتاب و کتابخانه به فراموشی سپرده شد و مستشرقین نیز از این فرصت به دست آمده استفاده نمودند و قسمت عمده پیشینه تاریخی - فرهنگی مسلمانان را به یغما بردند. باکمال تأسف، این منابع امروزه زینت بخش کتابخانه‌هایی چون کنگره آمریکا، موزه بریتانیا، شچدرین روسیه و... می‌باشد. فهرست نسخه‌های خطی شرقی و اسلامی این کتابخانه‌ها خود سند زنده و گویایی برای اثبات این مدعاست. به ویژه که شمار زیادی از این نسخه‌های خطی هنوز دارای مهر کتابخانه‌های اسلامی است.^۲

۴. انواع کتابخانه‌ها

گونه‌های شناخته شده کتابخانه‌ها عبارت‌اند از: کتابخانه‌های آموزشی (مدارس)، امانی، ایالتی، برنامه‌ها (رایانه)، بیمارستانی، تحقیقاتی، تخصصی، ثبت آثار، جامع، دولتی، زندان، سازمانی، سیار، شاخه، شخصی، شهرداری، شهری، عمومی، فنی، کرایه‌ای، کودک، مرجع، مرکزی، ملی، منطقه‌ای، موزه‌ها، واسپاری و... باید توجه داشت که همیشه تشخیص یک نوع کتابخانه از نوع دیگر آن به سادگی میسر نیست. به طور مثال، کتابخانه دانشکده پزشکی را می‌توان در شمار کتابخانه‌های دانشگاهی و در عین حال تخصصی به حساب آورد.^۳

کتابخانه عمومی

کتابخانه‌ای است که خدمات آن برای ساکنان یک منطقه، بخش یا ناحیه‌ای رایگان باشد و تمام یا قسمتی از هزینه آن از بودجه عمومی کشور تأمین گردد. عمومی بودن و فراهم آوری خدمات جامع و گسترده‌ای مانند اطلاع‌رسانی، آموزش، بازآفرینی، سرگرمی و... از مشخصه‌هایی هستند که کتابخانه عمومی را از دیگر کتابخانه‌ها متمایز می‌کنند.^۴

الف. اهداف و وظایف کتابخانه‌های عمومی

در حقیقت کتابخانه‌های عمومی به خاطر تحت پوشش قرار

دادن عموم طبقات و گروه‌های اجتماعی و روبه‌رو شدن با نیازهای فرهنگی و علمی آنان، نسبت به سایر کتابخانه‌ها، مسئولیت‌های گسترده‌تری دارند. اساسی‌ترین وظیفه کتابخانه‌های عمومی، فراهم آوری هرگونه مطلب برای رفع نیازهای افراد و گروه‌های مختلف اجتماع است، تا با مطالعه آنها آموزش و کسب اطلاعات افراد جامعه تأمین و در نتیجه به پیشرفت و رشد فرهنگی جامعه کمک شود.^۵

برخی وظایف کتابخانه‌های عمومی عبارت‌اند از:

۱. کمک به آموزش همیشگی و همگانی در جامعه؛
۲. تسهیل دستیابی به افکار و عقاید گذشتگان و حفاظت شایسته از آنها؛
۳. دمیدن روحی تازه در جوامع انسانی با فراهم نمودن کتابها و دیگر رسانه‌ها؛
۴. یاری رساندن به دانش آموزان و دانشجویان و بهره‌وری شایسته از اوقات فراغت آنها؛
۵. فراهم آوری اطلاعات فنی، علمی و جامعه‌شناختی باب روز و تازه.^۶

ب. نقش کتابخانه‌های عمومی در فرهنگ جامعه

کتابخانه در عصر «انفجار اطلاعات» یکی از ابزار مؤثر پیشرفت علمی و فنی است. این نهاد فرهنگی نه تنها در پیشبرد مقاصد پژوهشگران مؤثر است، بلکه در تمام شئون فرهنگی - سیاسی جامعه نقش اساسی دارد و جوامع برخوردار از توسعه انسانی، گسترش کتابخانه‌ها را در اولویتهای ویژه برنامه‌ریزی قرار می‌دهند.^۷

اکنون یکی از معضلات اجتماعی ما تهاجم فرهنگی غرب علیه ریشه‌های اصیل فرهنگی جامعه اسلامی است و بیشتر صاحب‌نظران عقیده دارند که مقابله با این پدیده بدون تقویت فرهنگ اسلامی و ملی و آگاه نمودن مردم، خصوصاً جوانان، از غنای فرهنگ خودی امکانپذیر نیست. از این رو، کتابخانه‌های عمومی می‌توانند با ارائه خدمات گوناگون، نقش بسیار ارزنده‌ای

۱. صبح الاعشی فی صناعة الانشاء، ج ۱، ص ۴۶۷-۴۶۶.

۲. درآمدی بر دائرة المعارف کتابخانه‌های جهان، ص ۵۷.

۳. شهاب، سال سوم، شماره سوم، ص ۲۳-۲۰.

۴. سازمان کتابخانه، ص ۱۱۰؛ شهاب، سال سوم، شماره سوم، ص ۲۲.

۵. اداره کتابخانه، ص ۱۶ و ۱۶۸.

۶. سازمان کتابخانه، ص ۱۵.

۷. شناسنامه کتابخانه‌های عمومی کشور، مقدمه.

را در مقابله با این مقوله ایفا نمایند و با جوابگویی به نیازهای مختلف فرهنگی جامعه، جایگاه خود را تحکیم بخشند.

ج. ضرورت توسعه کتابخانه‌های عمومی

وجود کتابخانه‌ها، به ویژه کتابخانه‌های عمومی، در همه زمانها از ضروریات اولیه زندگی انسان بوده است، اما در جامعه امروزی و با متراکمتر شدن جمعیت انسانی، به ویژه در مناطق شهری، و گرانی روزافزون کتاب، توجه به کتابخانه‌ها چندبرابر شده است. بشر امروزی، بیش از هر زمان دیگر نیازمند کتاب و کتابخوانی است. اهمیت این موضوع تا بدان جاست که سازمانهای بین‌المللی مسئله ضرورت توسعه کتاب و کتابخوانی را در دستور کار خود قرار داده‌اند.

کتابخوانی و عادت به مطالعه یکی از رفتارهای اجتماعی است که بر غنای فرهنگ جامعه می‌افزاید و در توسعه و ارتقای فرهنگی و اجتماعی نقش مهمی بر جای می‌گذارد. در این راستا تأسیس کتابخانه‌های عمومی (نهادهای که همگان بتوانند از گنجینه‌های آن به رایگان و به راحتی بهره‌گیرند) مهمترین گام در فراهم‌آوری امکان برای گسترش فراغت سالم و عادت به مطالعه و کتابخوانی در جامعه است.^۱

دیرزمانی است که در کشورهای پیشرفته نسبت به ایجاد و گسترش کتابخانه‌های عمومی توجه خاصی نشان می‌دهند، به طوری که در برخی جوامع این واحد فرهنگی توانسته است جایگاه راستین فرهنگی - آموزشی خود را بازیابد و با ارائه خدمات کتابخانه‌ای، نیاز قشرهای مختلف جامعه را اعم از دانش آموز، دانشجو و محقق برآورده سازد.^۲

امروزه وقتی سطح فرهنگ یک جامعه را مورد مطالعه قرار می‌دهند، میزان مصرف کاغذ، چاپ کتاب و نشریات و وجود کتابخانه‌های مختلف را از شاخصهای غنای فرهنگی آن جامعه به شمار می‌آورند. شاید این نگرش عمومیت نداشته باشد، ولی در بیشتر موارد مصداق پیدا می‌کند. چون کتابخانه‌ها در واقع عمده‌ترین وسیله‌ای هستند که به یاری آن پیشینه افکار، عقاید و حاصل اندیشه‌های بشری به صورت آزاد و رایگان در اختیار همه قشرهای جامعه قرار می‌گیرد.^۳

وضعیت کتاب، کتابخوانی، و کتابخانه‌های عمومی در ایران
به برکت انقلاب شکوهمند اسلامی در سالهای اخیر فرهنگ کتاب و کتابخوانی تا حدودی بهبود یافته است و به گفته وزیر محترم ارشاد اسلامی در جمع هیئت امنای کتابخانه‌های عمومی

کشور، تعداد کتابخانه‌های عمومی کشور به ۱۰۹۰ واحد رسیده است.^۴

با همه پیشرفتهایی که در این عرصه حاصل شده، هنوز مسئله کتاب و گسترش کتابخانه‌های عمومی کشور در سطح پایینی قرار داشته و با معیار بین‌المللی همخوانی ندارد. ایران از نظر خدمات کتابخانه‌ای، در بین کشورهای نمونه گیری شده، در ردیف کشورهای بدون خدمات ویژه کتابخانه‌ای محسوب می‌شود. از نظر تعداد کتاب موجود در کتابخانه‌ها نیز در بین کشورهای مختلف جهان در ردیف سی و هفتم قرار دارد. در ژاپن به ازای هر نفر هفت جلد کتاب در کتابخانه وجود دارد، ولی در ایران به ازای هر هفده نفر یک کتاب یافت می‌شود!^۵

بر اساس معیار «اتحادیه بین‌المللی انجمن کتابداران» (ایفلا) وابسته به یونسکو، در محلهایی با جمعیت بیش از سیصد نفر باید یک کتابخانه وجود داشته باشد و برای هر هزار نفر باسواد ۱/۵ صندلی در ۲/۵ مترمربع فضای مطالعه باید فراهم شود. این در حالی است که در شهر تهران، در سال ۱۳۷۱، حدود بیست کتابخانه عمومی وجود داشته است.^۶

بر اساس نظرسنجی در نیمه دوم سال ۱۳۷۴ در پانزده شهر ایران، آمار زیر به دست آمده که خود بیانگر موقعیت کتاب و کتابخانه در جامعه است. در مقایسه این اطلاعات با بررسی سال ۱۳۵۳ پژوهشکده علوم ارتباطی و توسعه ایران (ش ۲۴، ص ۸۳) نشان می‌دهد که در این مدت بر تعداد افراد کتابخوان تا حدودی افزوده شده است. نسبت کسانی که در سال ۱۳۵۳ هر روز یا غالباً کتاب می‌خواندند، برابر با بیست درصد بوده است و حال آن که در بررسی سال ۱۳۷۴ این نسبت به ۲۵/۸ درصد رسیده است. نسبت مطالعه در نزد زنان کمتر از مردان است؛ در حدود سی درصد زنان اساساً کتاب نمی‌خوانند و ۲۴ درصد از آنان زیاد کتاب نمی‌خوانند و حال آن که این نسبتها در میان مردان به ترتیب ۲۳ درصد و ۲۷ درصد است.^۷

موانع توسعه و کارآمد شدن کتابخانه‌های عمومی

کتابخانه‌های عمومی در مسیر توسعه فرهنگی با مشکلاتی

۱. کتاب و کتابخانه (ویژه ششمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران)، ۱۳۷۲.

۲. رهنمودهایی برای کتابخانه‌های عمومی، ص ۱.

۳. همان.

۴. خبرنامه کتابخانه ملی، ص ۳۶.

۵. همان، ص ۴۳-۴۲.

۶. کتاب و کتابخانه.

۷. کتاب ماه، علوم اجتماعی، سال اول، شماره اول، ص ۳.

مواجه هستند که باید این مشکلات از جانب متولیان امر شناسایی شود و در رفع آنها اقدام نمایند:

۱. کافی نبودن تعداد کتابخانه‌های عمومی با توجه به معیار بین‌المللی؛

۲. نامناسب بودن مجموعه‌های کتابخانه‌های عمومی، اعم از کتاب، نشریه و سایر مواد کتابخانه‌ای؛

۳. محدود بودن فعالیتهای کتابخانه‌های عمومی، به طوری که تصور می‌شود کتابخانه فقط محل نگهداری کتاب است و وظایف دیگری به عهده ندارد؛

۴. محدود بودن تبلیغات؛ این امر باعث شده کمتر کسی متوجه واقعیت وجودی کتابخانه شود و بسیاری از مردم با مفهوم کتابخانه، به ویژه کتابخانه‌های عمومی، آشنا نیستند و از مجموعه‌های آنها به خوبی اطلاعی ندارند و طرز استفاده و شرایط بهره‌گیری از آنها را نمی‌دانند و رسانه‌های گروهی همگانی نیز کمتر به این مسئله می‌پردازند؛

۵. داشتن مراجعان خاص؛ مراجعان کتابخانه‌های عمومی عمدتاً دانش‌آموزان و دانشجویان هستند و بیشتر کتابهای درسی خود را مطالعه می‌کنند و از موجودی کتابخانه کمتر بهره می‌گیرند و کتابخانه عملاً به منزله قرائتخانه درآمده است، آن هم در ایام امتحانات. بر اساس آمار در شهر تهران، مراجعه کنندگان ۸۱/۳ درصد درسی و ۱۸/۷ درصد غیردرسی بوده‌اند؛

۶. عدم مشارکت مردم در امر تجهیز کتابخانه‌های عمومی.^۱

راهکارهای توسعه کتابخانه‌های عمومی

۱. تشریک مساعی کتابخانه‌های عمومی با سایر کتابخانه‌های کشور؛

۲. بارور نمودن کتابخانه‌های مدارس، مساجد و دانشگاهها؛

۳. افزایش ساعت کار کتابخانه‌های موجود؛

۴. آموزش همه جانبه به کتابداران، اعضا و مراجعان کتابخانه‌ها؛

۵. ترتیب نمایشگاههای کتاب، سمینارها و نمایش فیلمهای آموزشی برای ترغیب استفاده از کتابخانه‌ها؛

۶. ابداع خدمات تلفنی و پستی برای منازل، بیمارستانها و... با قرار دادن چند خط تلفن رایگان؛

۷. گسترش کتابخانه‌های اختصاصی برای بانوان کشور و تحت پوشش قرار دادن خانمهای خانه‌دار با تلفن و پست؛

۸. گسترش کتابخانه‌های روستایی؛

۹. اختصاص بخشی از کتابخانه‌های عمومی به معلولان،

و تجهیز آنها به وسایل دیداری و شنیداری؛

۱۰. معرفی کتاب، کتابداری و کتابخوانی به قشرهای مختلف مردم از طریق اعلامیه، راهنما، پوستر و رسانه‌های جمعی، چون صدا و سیما و مطبوعات. خوشبختانه این امر مدتی است از جانب شبکه چهار سیما انجام می‌شود؛

۱۱. مشارکت دادن مردم و ترغیب آنها برای تأسیس کتابخانه‌های عمومی و احیای امر اهدا و وقف کتاب و اموال به کتابخانه‌های عمومی و مدارس. از آن جاکه بیشتر دانش‌پژوهان و محققان از لحاظ مادی بی‌بهره یا کم بهره‌اند و هر فرد قادر به تهیه کتابخانه شخصی نیست، سزاوار است کسانی که بضاعت مالی دارند، دین خود را، در امر اهدا و وقف کتاب، به جامعه ادا نمایند.^۲

نمونه مشارکت در توسعه کتابخانه‌ها

بسا اشخاصی که با ایثار، و بدون چشمداشت مادی، دربند انحصار کتابهای خود نبوده‌اند و برای خدمت به علم و عالمان و نشر علوم و معارف اسلامی و تسهیل در کار محققان و پژوهشگران کتابهایی را که خود با زحمات طاقت‌فرسایی فراهم نموده بودند، برای نیل به اجر اخروی، در زمان حیات در کتابخانه شخصی خود و پس از مرگ در مدارس، مساجد و کتابخانه‌های عمومی وقف عامه مردم می‌کردند.

از این دست می‌توان به عالم و فرهنگبان معاصر، حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره) اشاره کرد که آن بزرگوار در دوران طلبگی با این که در عسرت به سر می‌بردند، اقدام به کارگری در کارگاه برنجکوبی می‌نمودند و دسترنج خود را برای خرید نسخه‌های خطی اسلامی اختصاص می‌دادند و یا این که با نماز و روزه استیجاری کتابهایی را خریداری می‌نمودند و در این راه از هیچ کوششی دریغ نمی‌کردند تا این که توانستند یک تنه کتابخانه‌ای را بنیانگذاری نمایند که اکنون از افتخارات عالم اسلام محسوب می‌شود و هرگاه مهمانانی از داخل و خارج کشور با این مجموعه عظیم روبرو می‌شوند، انگشت حیرت به دهان می‌گیرند و باورشان نمی‌شود که این همه ذخایر، حاصل تلاش یک شخص باشد. با معرفی این قبیل بزرگان، می‌توان مشارکت عامه مردم را برای کتابخانه جلب کرد.^۳

۱. کتاب و کتابخانه، ص ۸۰-۷۷.

۲. همان، ص ۹۱-۸۰؛ المعنی الاجتماعي للمکتبة، ص ۱۳.

۳. شهاب شریعت، ص ۲۳۸-۲۳۷.

مجموعه گرانبهای نسخه‌های عربی این مجموعه بدان رفت و آمد داشتیم، نسخه‌های ارزشمندی را که بعضی از فرماندهان نظامی ارتش ایتالیا، از کشور لیبی، به این کتابخانه منتقل نموده‌اند را مشاهده نمودم که در موضوعات مختلف، به ویژه در موضوع احادیث و دستورهای پیامبرگرمی اسلام (ص) بود.»؛ نیز در مورد نسخه‌های خطی اسلامی کشور یمن می‌گوید: «بازرگانی ایتالیایی در صنعا، پایتخت کشور یمن، با عرضه پارچه و مواد غذایی به مردم، درخواست مبادله آنها را با نسخه‌های خطی می‌نموده، که بدین ترتیب توانست حدود شش هزار نسخه خطی اسلامی را گردآوری و با خود به ایتالیا ببرد و آنها را به کتابخانه واتیکان اهدا نماید. پس از مدتی کتابخانه واتیکان این گنج بادآورده را به کتابخانه آمبروزیانا اهدا کرد.»

موجودی کتابخانه

چنان که اشاره شد، این کتابخانه در بدو تأسیس با کتابهای کاردینال بورومئو افتتاح و به تدریج مجموعه‌هایی به آن افزوده شد. در سال ۱۸۸۷م موجودی کتابخانه ۱۴۶۰۰ کتاب چاپی بود که در سال ۱۹۳۷م به پانصد هزار جلد رسید.

در حال حاضر، این مجموعه شامل یک میلیون جلد کتاب چاپی، دو بیست عنوان نشریه، ۳۵۰۰۰ نسخه خطی (تعداد نسخه‌های خطی اسلامی آن ۲۳۵۵ نسخه است: ۲۲۲۲ نسخه عربی، ۳۳ نسخه فارسی و صد نسخه ترکی)، سه هزار جلد کتاب چاپی نادر؛ صد حلقه فیلم ۱۶ و ۳۵ میلیمتری و هزار واحد مواد سمعی و بصری است.

گنجینه‌ها و مجموعه‌های خاص و کیفیت آنها

موضوعات مجموعه نسخه‌های خطی این کتابخانه عبارت‌اند از: عقاید، تفسیر، هنر، لغت، نحو، بلاغت، فلسفه، علوم، معارف عمومی، تاریخ، جغرافیا، لغز، نجوم و علوم غریبه. البته تعداد قابل توجهی از آنها در طول تاریخ - از جمله در دوره حکومت ناپلئون - به یغما رفته‌اند. همچنین در بمباران پانزدهم و شانزدهم آگوست ۱۹۴۳ در جنگ جهانی دوم، ساختمان کتابخانه ویران شد و پنجاه هزار جلد کتاب آن از بین رفت. پس از جنگ، ساختمان کتابخانه مرمت و بازسازی شد و اکنون بیشتر نسخه‌های خطی آن در وضعیت خوبی قرار دارند.

مجموعه‌هایی که در قرن بیستم میلادی به این کتابخانه افزوده شده، آن را غنی ساخته است. این مجموعه‌ها عبارت‌اند از: مجموعه عربی گریفینی بی؛ مجموعه کتابهایی که به زبان اسلونی است؛ مجموعه کازانووا که درباره نسب‌شناسی اشراف است؛ مجموعه بُنوملی، مشتمل بر نامه‌هایی در مورد بازسازی ایتالیا؛ بایگانی دوک براسیانو و مجموعه بیست هزار جلدی شاهزاده راشل ویلا.

کتابخانه آمبروزیانا

حسین رفیعی

این کتابخانه که در شمار کتابخانه‌های کلیسایی قرار دارد، توسط کاردینال فدریکو بورومئو، اسقف میلان (۱۶۳۱-۱۵۶۴م)، تأسیس و به نام قدیس نگهبان میلان، سنت آمبروز، آمبروزیانا نامیده شد.

این کتابخانه در هشتم دسامبر ۱۶۰۹، به عنوان اولین کتابخانه عمومی ایتالیا در طبقه همکف ساختمان «Palazzo» در قسمت قدیمی شهر میلان، برای استفاده عموم گشایش یافت.

کاردینال بورومئو حرص و ولع فراوانی در جمع‌آوری کتاب داشت. او با وقف و اهدای کتابخانه شخصی خود، توانست هسته اولیه کتابخانه آمبروزیانا را پی افکند. این مجموعه شامل سی هزار کتاب چاپی و دوازده هزار نسخه خطی بود و بورومئو آنها را طی سالیان ۱۶۰۳ تا ۱۶۰۹م گردآوری و در کاخ باستانی اسکیول تاورنا نگهداری می‌کرد.

کاهش منابع مالی، این مجموعه را وادار کرد تا در طول نیمه دوم قرن هفدهم و تقریباً بیشتر قرن هیجدهم، به دریافت کتابهای اهدایی بسنده کند. این کتابخانه از آغاز تأسیس تا کنون، کتابها و مجموعه‌های اهدایی بسیاری را دریافت کرده است که از موارد قابل توجه آن، کتابهای اهدایی صومعه بابیو است که سیاست بانیان و اداره کنندگان آن، بیشتر مبتنی بر گردآوری و تهیه کتابهای این مجموعه از کشورهای بیگانه و توسط جهانگردان بود.

مورد دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد، کتابها و نسخه‌های خطی عربی است که ژوزف کپروتی، در سده سوم پس از تأسیس، برای این کتابخانه تهیه کرده است.

صلاح‌الدین مُنجد، کتابشناس مشهور عرب، در این زمینه می‌گوید: «در سال ۱۹۸۹م که از کتابخانه آمبروزیانا دیدن نمودم و مدت ۲۴ روز برای اطلاع و فهرستنگاری و تصویربرداری از

نسخه‌های گرانبها و منحصر به فرد

گویا ارزشمندترین نسخه خطی این کتابخانه، کتاب *Codex Atlanticus*، یکی از آثار لئوناردو داوینچی است که حدود ۱۷۰۰ طرح و نقشه اصلی رانیز دربر دارد؛ نسخه‌ای از ایلید مربوط به قرن پنجم یا ششم میلادی در ۵۸ برگ که متن آن بر روی برگ، و تصاویر آن بر پشت برگ نقش بسته است؛ *Epistles* نسخه‌ای از ترجمه گوتیک از انجیل که توسط الفیلاس انجام گرفته و به اندازه کف دست و مربوط به قرن پنجم میلادی است. این کتاب و کتاب *Codex argenteus* که در اوپسالا نگهداری می‌شود، از کهنترین بازمانده‌های نوشتاری و مصور زبانهای آلمانی‌اند.

از دیگر نسخه‌های ارزشمند این مجموعه، کتاب *Hexapla* مربوط به قرن هفتم و به زبان سریانی است که دانش مهمی را در خصوص متن *Septuagint* (ترجمه یونانی هفتاد نفره عهد عتیق در قرون دوم و سوم میلادی) به دست می‌دهد.

دیگر نفایس این مجموعه عبارت‌اند از: *Missal* اثر بویو مربوط به سده نهم و دهم میلادی؛ *Virgil* که زمانی متعلق به پترارک بوده و یادداشتهای وی را دربر دارد؛ *Codice Resta* که مجموعه‌ای است از دو بیست طرح و نقشه، از جمله نه طرح از میکال آنژ، دو طرح از دورر، سه طرح از لئوناردو داوینچی، دو طرح از تیتین و سه طرح از رافائل؛ نقشه جغرافیایی عربی مربوط به قرن چهاردهم میلادی، تنها نقشه شناخته شده عربی که در آن جهات چهارگانه مورد توجه قرار گرفته است؛ *Saggiatore* که در رم در سال ۱۶۲۳م توسط گالیله نگارش یافته، و مؤلف آن را به کاردینال بورومئو اهدا کرده است؛ *Contemptus Mundi* یکی از دو نسخه استنساخ شده توسط توماس کمپیس که در سال ۱۵۹۶م در انتشارات جس ویت واقع در آماکوزا، به زبان ژاپنی چاپ شده است.

در مجموعه نسخه‌های خطی فارسی این کتابخانه، به نسخه‌های زیبایی برمی‌خوریم: از جمله تحفه الاحرار عبدالرحمان جامی، مورخ ۱۴۸۲/۱۴۸۱-۱۸۶۶م که نسخه‌ای مذهب است. نیز دیوان مجهول المؤلفی که تألیف آن به قرن هفدهم میلادی برمی‌گردد. یکی دیگر از نسخه‌های نفیس این کتابخانه، تفسیر القرآن الکریم بیضاوی است.

خدمات

پذیرش برای مطالعه کنندگان و بازدیدکنندگان رایگان است. اطلاعات از طریق میز اطلاعات به مراجعه کنندگان ارائه می‌شود. این کتابخانه فاقد رستوران و بوفه است، ولی این امکانات در نزدیکی کتابخانه موجود است.
رده‌بندی این کتابخانه اختصاصی است. سرویس دهی کپی و عکس

در این کتابخانه موجود است، ولی برای مقاصد شخصی ارائه نمی‌شود. این کتابخانه دارای نمایشگاهی به نام Sala dell Incoronazione است.

ساعات کار کتابخانه

این کتابخانه از روز دوشنبه تا جمعه از ساعت ۹ تا ۱۶/۳۰ و شنبه‌ها از ساعت ۹ تا ۱۲ به مراجعه کنندگان سرویس می‌دهد. این کتابخانه یکشنبه‌ها و نیز ماه آگوست تعطیل است.

فهارس

با توجه به اهمیت و ارزش مجموعه نسخه‌های خطی این کتابخانه و علاقه وافری که دانشمندان، نسخه‌شناسان و فهرستنگاران به این مجموعه داشته‌اند، از دیرباز به فهرستنگاری مجموعه‌های آن همت گماشته‌اند تا پژوهشگران و طالبان نسخه‌های خطی، از یک سو با مجموعه‌های این کتابخانه آشنا شده و از سوی دیگر، به سهولت بتوانند نسخه مورد نظر خود را در میان مجموعه بیابند. از این رو، فهارس لاتین کتابخانه، به ترتیب سال انتشار، و سپس تنها فهرست عربی این کتابخانه، در پی می‌آید:

1. 1826. «Lettere sui Manoscritti Orientalie particolarmente Arabiche si trovano nelle diverse biblioteche d'Itulia», By G. De Hammer, *Biblioteca Italiana*, 42, 1826, PP.27-36.

[«نسخه‌های خطی شرقی، به ویژه عربی، در کتابخانه‌های ایتالیا.»]

2. 1839. «Catalogo dei codici Arabi, Persiani e Turchi della Biblioteca Ambrosiana», By [J. Von] Hammer, *Biblioteca Italiana*, 94, 1839, PP.22-49 F 8322-348.

[«فهرست نسخه‌های خطی عربی، فارسی و ترکی در کتابخانه»]

آمبروزیانا» که ۳۲۹ نسخه خطی در آن معرفی شده است.]

3. 1908-1910. «I Manoscritti Sudarabici di Milano: Catalogo della prima collezione (125 Codici; 315 numeri)», By E. Griffini, *Rivista degli studi Orientali*, 2, 1908-1909, PP.1-38; 3, 1910, PP. 65-104.

[«نسخه‌های خطی عربی جنوبی در میلان: فهرست مجموعه»]

اول» که ۱۲۵ نسخه خطی یمنی را در ۳۱۵ شماره معرفی کرده است.]

4. 1910-1920. «Lista dei Manoscritti Arabi Nuovo Fondo della Biblioteca Ambrosiana di Milano», By E. Griffini, *Rivista degli studi Orientali*, 3, 1910, PP. 253-278, 571- 594& 901-921; 4, 1911-1912, PP. 87-106& 1021-1048; 6, 1914-1915, PP. 1283-1316; 7, 1916-1918, PP.51-130& 565-628; 8, 1919-1920, PP. 241-367.

[«فهرست نسخه‌های خطی عربی در کتابخانه آمبروزیانا در

میلان.»، در این فهرست برخی از نسخه‌های خطی فارسی و ترکی

نسخه خطی از کتابخانه آمبروزیانا است.]

12. 1989. *Catalogo dei Manoscritte Persiani conservati nelle Biblioteche d'Italia*, By Angelo Michele Piemontesi, Roma, 1989, 443 PP.

[«فهرست نسخه‌های خطی فارسی موجود در کتابخانه‌های ایتالیا.»]

۱۳. ۱۹۸۰-۱۹۶۰. صلاح‌الدین المُنَجَّد، فهرس المخطوطات العربية بمكتبة الامبروزيانا بميلانو، جزء دوم، قسم اول: د، از شماره ۲۴۰-۴۲۰، قاهره، ۱۹۶۰م.

این کتاب، دنباله فهرست گریفینی و دربرگیرنده حدود ششصد نسخه خطی است.

این فهرست در سال ۱۹۸۰م در بیروت، با تصحیح و تحقیق، تجدید چاپ شده است.

منابع

۱. فؤاد سزگین، کتابخانه‌ها و مجموعه‌های نسخه‌های خطی عربی در جهان، ترجمه، تنظیم و فهرستها: چنگیز پهلوان، ص ۳۳-۳۵.

۲. مجله معهد المخطوطات العربية، مجلد ۱، جزء دوم، قاهره، ۱۳۷۵ق/ ۱۹۵۵م، ص ۱۹۴؛ مجلد ۳، جزء دوم، ۱۳۷۷ق/ ۱۹۵۷م، ص ۳۴۵-۳۴۸؛ مجلد ۳۵، جزء اول و دوم، ۱۴۱۲ق/ ۱۹۹۱م، ص ۲۰۳.

۳. عبدالحمید علوچی، المورد، مجلد ۵، شماره ۱، بغداد، ۱۳۹۶ق/ ۱۹۷۶م، ص ۲۰۳-۲۰۲.

4. *Catalogo dei Manoscritti Persiani conservati nelle Biblioteche d'Italia*, By Angelo Michele Piemontese, Roma, 1989, PP 147-175.

5. *Major Libraries of the world*, Colin R. Steele, London & New York, 1976, PP.232-234.

6. *The development of Islamic Library collections in western Europe and north America*, By Stephan Roman, London & New York, 1990, PP. 157-159.

7. *The World of Learning*, Europa publications Limited, Forty-third Edition, London, 1993, P. 815.

8. *World Guide to Libraries*, By K.G. Saur, 12th Edition. München, New York, London & Paris, 1995, Vol.1, P. 328.

9. *World Survey of Islamic Manuscripts*, By AL - Furqan (Geoffrey Roper), London, 1993, Vol. 2, PP. 85-87.

نیز معرفی شده است. این فهرست در سال ۱۹۲۰م نیز مستقلاً در یک جلد، در رم به چاپ رسیده و در حدود ۴۷۵ نسخه را معرفی کرده است.]

5. 1915. «Die Jüngste Ambrosianische Sammlung Arabischer Handschriften», By E. Griffini, *Zeitschrift der Deutschen Morgenländischen Gesellschaft*, 69, 1915, PP. 62-88.

[«جدیدترین مجموعه نسخه‌های خطی عربی در آمبروزیانا.»]

6. 1926. «Catalogo dei libri a stampa ed elenco Sommario die MSS dal Dr. Griffini legati alla Biblioteca Ambrosiana.», By A. Codazzi, In *Eugenio Griffini Bey*, MDCCCLXXVIII-MCMXXV, by L. Beltrami, Milan, PP.1-124.

[«فهرست کتابهای چاپی و فهرست اجمالی نسخه‌های خطی

دکتر گریفینی وابسته به کتابخانه آمبروزیانا.»]

7. 1963. «Unbekannte Arabische Texte in der Ambrosiana.», By O. Löfgren, *Orientalia Suecana*, 13, 1963, PP. 122-134.

[«متنهای ناشناخته عربی در آمبروزیانا.»]

8. 1965. *The Sources of Arabian music. An annotated bibliography of Arabic manuscripts which deal with the theory, Practice, and history of Arabian music from the eighth to the Seventeenth century*, By H. G. Farmer, Leiden, 1965.

[«کتابشناسی نسخه‌های خطی عربی درباره موسیقی، از قرون

هشتم تا هفدهم میلادی.»]

9. 1968. *A Summary Catalogue of microfilms of one thousand Scientific manuscripts in the Ambrosiana Library*. By A.L. Gabriel, Noter Dam (U S A), 1968.

[«فهرست مختصر میکروفیلیمهای هزار نسخه خطی علمی در

کتابخانه آمبروزیانا.» در این فهرست از ۲۹ فیلم نسخه‌های خطی عربی نیز یاد شده است.]

10. 1975-1981. *Catalogue of the Arabic manuscripts in the Biblioteca Ambrosiana*, By O. Löfgren & R. Traini, Vicenza, 2Vols., 253; 455PP.

[«فهرست نسخه‌های خطی عربی در کتابخانه آمبروزیانا.» در

این فهرست، نسخه‌های خطی عربی، به تفصیل، توصیف شده است.]

11. 1979. *The theory of music in Arabic writings (c. 900-1900): descriptive catalogue of manuscripts in Libraries of Europe and the U.S.A*, By A. Shiloah, Munich, 1979.

[«تئوری موسیقی در نوشتارهای عربی (از حدود سال ۹۰۰ تا

۱۹۰۰م) در کتابخانه‌های اروپا و آمریکا.» فهرستی توصیفی در مورد نسخه‌های خطی کتابخانه‌های اروپا و آمریکا که دربردارنده هفت

میراث اسلامی در یمن

سید محمود مرعشی نجفی

شهرهای یاد شده بازدید کرده و گزارش آن را ارائه می‌دهیم. اینک گزارش سفر را از آغاز تا انجام در این مختصر می‌آوریم. هدف ما از این گونه سفرها - همان‌گونه که والد بزرگوارم مرحوم آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) تأکید داشتند - شناسایی و احیای نسخه‌های خطی اسلامی و شناساندن آنها به ملت‌های مسلمان با انتشار فهرست آنها و نیز بازگو کردن اهمیت این ذخایر اسلامی برای آن گروه از مردمانی که با این ذخایر آشنایی نداشته و بی تفاوتند و نسخه‌ها را به اجانب می‌فروشد. به دنبال دعوت آقای قاضی احمد محمد الشامی، وزیر اوقاف و ارشاد یمن، در تاریخ ۶/۱۰/۷۶ در رأس یک هیئت

کشور یمن - دیاری که از دیرباز دارای تمدن کهن اسلامی بوده است - پیوسته با دارا بودن دهها هزار قرآن نفیس خطی کوفی و نسخه‌های خطی نفیس کهن شهرت جهانی دارد. شهرهایی که در آنها بیشترین نسخه‌های خطی اسلامی یافت می‌شود، عبارت‌اند از: صنعا، تعز، تریم، زبید، جبله، اب، صعده، ذمار، حراز، تلا، کوبان، المنیره، الزیدیه، الحدیده، بیت الفقیه، شهاره، حوث، حجة، المحابشة، ربهه، عتمه، یفرس.

طبق اظهار کارشناسان، تنها در شهر زبید، مجموعاً دویست هزار نسخه و در شهر کوبان پنجاه هزار نسخه خطی موجود است. این رقم، می‌تواند وجود یک میلیون نسخه خطی در یمن را تأیید کند.

یمنیها اکثراً به کتاب علاقه بسیار دارند، و طبق رسوم سنتی، همواره در کمر بند خود یک قلم به همراه دارند که به هنگام برخورد با یک نسخه خطی بتوانند آن را دوباره نویسی کنند. آنان در توصیف نسخه‌های خطی می‌گویند: هر آنچه با دست نوشته شده باشد - با هر زبانی که قدمت آن به بیش از یک سده برسد - نسخه خطی تلقی می‌شود.



دورنمایی از بخش قدیمی شهر صنعا. جالبترین معماریهای جهان در این شهر دیده می‌شود.

فرهنگی از طریق دومی عازم صنعا شدیم. هنگام ورود به دومی، مورد استقبال تعدادی از اعضای کنسولگری جمهوری اسلامی ایران قرار گرفتیم و چون چند ساعت بیشتر در آن جا توقف

ما در این سفر پربار، تنها موفق شدیم از کتابخانه‌های بزرگ شهر صنعا دیدن کرده و گزارشی از نسخه‌های خطی نفیس آنها تهیه کنیم. ان شاء الله، در سفرهای بعدی از دیگر کتابخانه‌ها در

۱. اواخر سدهٔ نخست، به دست ایوب بن یحیی ثقفی، والی صنعا؛
 ۲. سال ۱۳۶ ق، به دست علی بن ربیع، والی عباسیان؛
 ۳. سال ۲۶۵ ق، به دست محمد بن یعفر الحوالی، پس از حادثهٔ ویرانگر سیل؛
 ۴. اسعد بن یعفر بن ابراهیم بن محمد بن یعفر نیز بخشهایی را به مسجد اضافه کرده است؛
 ۵. سال ۵۲۵ ق، اروی بنت احمد الصلیحی، همسر حاکم وقت که بخش شرقی را اضافه کرده است.
- عمر بن عبدالمجید بن عبدالرحمن بن الخطاب، اولین کسی است که در ورودی مسجد را ساخت.
- اصولاً معماری ساختمانها در یمن سبک ویژه‌ای دارد، به گونه‌ای که ساختمانهای چندین طبقه، از چند سدهٔ قبل، فقط با سنگ بنا شده است. این مسجد در قسمت قدیمی شهر قرار دارد که از لحاظ معماری، همان سبک سده‌های گذشته را دارد و هر بیننده‌ای را خیره می‌سازد.
- پس از بازدید از این مسجد، برای نخستین بار، رهسپار

نداشتیم، الزاماً می‌بایست با پرواز بعدی ادامهٔ مسیر دهیم. به اتفاق رایزن فرهنگی ایران در دوبی، از مرکز فرهنگی جمعه‌الماجد بازدید و با آقای شیخ جمعه‌الماجد ملاقات کردیم و پیرو تفاهم‌نامه‌ای که چندی پیش میان کتابخانه و آن مرکز فرهنگی - که به هنگام مسافرت آقای شیخ جمعه‌الماجد در قم به امضا رسیده بود - مذاکراتی انجام شد و پس از آن عازم صنعا شدیم. رأس ساعت ۲۱ وارد فرودگاه صنعا شدیم و مورد استقبال آقای شیخ احمد محمد الاکوع، معاون وزیر اوقاف و نیز فرزند وزیر اوقاف، همچنین مدیر کل روابط بین الملل وزارت فرهنگ و جهانگردی یمن و آقای مرتضی رحیمی، سفیر جمهوری اسلامی ایران در صنعا و تنی چند از دیگر مسئولان وزارت اوقاف یمن و نیز آقای عطری رایزن فرهنگی سفارت قرار گرفتیم. البته چون این سفر رسمی بود، در تمامی مدت هشت روز اقامت، میزبانی ما را وزارت اوقاف آن کشور بر عهده داشت. به هر حال، پس از کمی توقف، عازم محل اقامت شدیم. صبح روز بعد، جمعه ۷۶/۱۰/۵ - طبق برنامهٔ رسمی که قبلاً به این جانب ارائه گردیده بود - عازم بازدید از مسجد جامع الکبیر شدیم؛ این مسجد یکی از قدیمترین

و معروفترین مساجد اسلامی است که در عهد رسول اکرم (ص) ساخته شده است. جایگاه حضرت - میان دو ستون سنگی که در آن اقامهٔ نماز کردند - هم‌اکنون باقی است. ستونهای مسجد از تکه‌های بزرگ سنگ، و سقف آن از چوب‌کنده کاری با خطوط مختلف کوفی و ثلث است.

جامع الکبیر، اولین مسجدی است که در یمن به دستور پیغمبر اکرم (ص) در سال ششم قمری ساخته شده است. ابعاد اولیهٔ آن ۱۲×۱۲ متر و دارای سه رواق و دوازده ستون بوده است، لیکن با تعمیراتی که امروزه در آن صورت گرفته، به حالت مستطیل - در

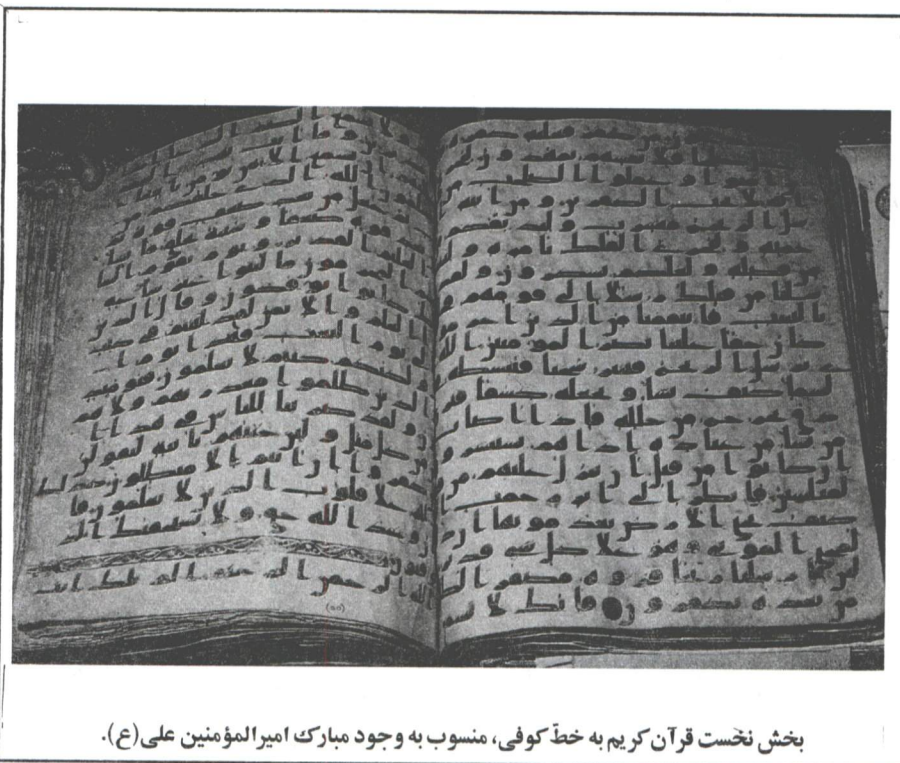
ابعاد ۸۴×۹۶ متر و دارای ۱۸۳ ستون سنگی و دوازده در - در آمده است. مساحت صحن مسجد بالغ بر چهار هزار متر مربع، ارتفاع قبهٔ اصلی آن شصت متر با قطر چهارده متر که گنجایش دوهزار نمازگزار را دارد. ارتفاع مناره هفده متر است. این مسجد، در سده‌های مختلف، مرمت و بازسازی شده است:



در گنجینه کتابهای خطی کتابخانه جامع الکبیر المكتبة الشرقية. به هنگام بررسی نسخه‌های خطی، ریاست عالی کتابخانه هم حضور دارند.

بازدید از المكتبة الشرقية - که در کنار این مسجد در قسمت شرقی آن قرار دارد - شدیم. این کتابخانه را امام حمیدالدین یحیی بن محمد، امام زیدیه، سومین امام از خاندان حمیدالدین، در سال ۱۳۴۴ ق بنا کرده است. مورخ مشهور یمن، عبدالواسع بن یحیی واسعی، متوفی

نسخه‌ای که در این کتابخانه وجود دارد، قرآنی است بر روی پوست، به صورت بیاض بیست سطری، در ابعاد ۳۷×۳۷ سانتیمتر، در ۱۵۰ برگ به خط کوفی، منسوب به حضرت امیرالمؤمنین (ع) که شامل دو بخش است: بخش اول آن نسبتاً سالم مانده و از آن تصویر زیبایی گرفتیم که در این جا آن را آورده‌ام.



بخش نخست قرآن کریم به خط کوفی، منسوب به وجود مبارک امیرالمؤمنین علی (ع).

این بخش، شامل سوره حشر تا آخر قرآن است. البته تمامی این بخش به خط مبارک حضرت نیست، بلکه مقداری از آن به خط زیدبن ثابت و نیز سلمان فارسی است. نیمه دوم آن با همین اندازه و مشخصات، و شامل سوره بقره تا سوره کهف است. به گفته مسئول کتابخانه، آثار قطره‌های خون فرزندان عبیدالله بن عباس از نوادگان حضرت زیدبن علی بن الحسین (ع) روی اوراق آن ریخته شده، و آن مربوط به دستوری است که بسربن ارباط، عامل معاویه در یمن، برای شهادت آن بزرگواران صادر کرد و آنان مشغول تلاوت همین قرآن بودند که به شهادت رسیدند. نظر به اهمیت این نسخه، آن را در صندوق بزرگ آهنی قرار داده‌اند که اشخاص نمی‌توانند آن را زیارت کنند. البته مسئول کتابخانه برخلاف مقررات، برای ادای احترام به ما، آن را از صندوق بیرون آورد و ما آن را از نزدیک زیارت کردیم و بازحمت زیاد از آن عکس گرفتیم که متأسفانه کیفیت ندارد. این بخش از قرآن فرسوده شده و احتیاج به مرمت جدی دارد که به علت عدم تجهیزات کافی برای مرمت، به همان حال

سال ۱۳۷۹ ق، از مشایخ روایتی کتبی مرحوم والد بزرگوارم (ره) در کتاب خود به نام: فرحة الهموم و الحزن فی تاریخ الیمن، در جایی سال تأسیس این کتابخانه را ۱۳۴۴ و در منبع دیگر، سال ۱۳۵۵ ق ذکر کرده است. قاضی محمد احمد حجری، متوفی سال ۱۳۸۰ ق، اولین فهرست کتابخانه را در سال ۱۳۶۱ ق نوشته است. لازم به

یادآوری است که امام یحیی، پس از تأسیس این کتابخانه، تمامی نسخه‌های خطی کتابخانه خود را به این کتابخانه منتقل کرد که در پشت برگ اول بسیاری از نسخه‌ها آمده است. با افزایش نسخه‌های جمع آوری شده، توسعه کتابخانه آغاز و در سال ۱۴۰۴ ق به پایان رسید. تعداد کتب خطی آن - که فهرست شده است - بالغ بر ۲۴۰۹ مجلد، شامل موضوعات ذیل است:

۱. تفسیر و علوم قرآن، ۳۹۷ جلد؛
۲. نحو و لغت و بلاغت و ادبیات، ۴۳۷ جلد؛
۳. حدیث، ۲۹۴ جلد؛
۴. کلام، ۲۵۴ جلد؛
۵. تاریخ، صد جلد؛
۶. طب، ۶۱ جلد؛
۷. فقه، ۸۵۷ جلد؛
۸. معارف و متفرقات، ۹۶ جلد؛
۹. تصوف، ۵۱ جلد.

تا کنون یک دوره چهارجلدی از فهرست نسخه‌های خطی این کتابخانه در سال ۱۴۰۴ ق به وسیله احمد عبدالرزاق الرقیحی و عبدالله محمد الحبشی در دمشق به چاپ رسیده است. یک دوره از این فهرست را مدیرکل کتابخانه، آقای سیدعلی صالح الوشلی به این جانب هدیه کرد. ایشان - که فرد سالخورده‌ای است - ریاست کتابخانه را به عهده دارد. فرزند ایشان نیز، عبدالله علی صالح، به عنوان مدیر داخلی انجام وظیفه می‌نماید. ظاهراً تعدادی از نسخه‌های خطی این کتابخانه تا کنون فهرست نشده است.

در این کتابخانه نسخه‌های بسیار ارزشمند و بی نظیری وجود دارد که تعدادی از آنها در قرن چهارم و پنجم و ششم کتابت شده و منحصر به فرد است. در مدت اقامت در آن کشور، پس از ملاقاتهای رسمی، چندین بار این کتابخانه را بازدید و نسخه‌های خطی بسیار مهم آن را از نزدیک مشاهده کردم. مهمترین

- سده ششم قمری، در ۹۶ برگ ۱۹×۲۶، شماره ۶۰۰.
۱۱. شرح الاصول الخمسة، نسخه دیگر، مورخ یکشنبه، سوم محرم سال ۵۴۳ق، به خط احمد بن حسن فرزادی، در ۱۷۳ برگ ۱۷×۲۵، شماره ۵۹۹.
۱۲. تفسیر قرآن، مؤلف ناشناخته، عربی، کتابت در جمادی الاول سال ۶۴۵ق، به خط علی فیصل بن احمد بن مسعود، در ۱۶۹ برگ ۱۷×۲۲، شماره ۲۱۸.
۱۳. التهذیب، در تفسیر، از حاکم جُشمی، محسن بن محمد بن کرامه، متوفی سال ۴۹۴ق، جلد ۱، مورخ اوایل سده ششم قمری، خط مایل به کوفی، در ۲۳۸ برگ ۲۳×۳۳، شماره ۶۴.
۱۴. التهذیب، جلد ۲، مورخ سده ششم قمری، در ۱۹۹ برگ ۲۰×۲۸، شماره ۶۵. مقابله این نسخه در رجب سال ۵۶۲ق به پایان رسیده است.
۱۵. التهذیب، جلد ۳، مورخ سده هفتم یا هشتم قمری، در ۲۳۳ برگ ۱۸×۲۴، شماره ۷۴.
۱۶. التهذیب، جلد ۴، مورخ سوم جمادی الآخر سال ۶۴۵ق، در ۱۸۳ برگ ۱۸×۲۵، شماره ۶۶.
۱۷. التهذیب، جلد ۶، کتابت سده هفتم قمری، در ۱۹۱ برگ ۱۷×۲۴، مجموعه شماره ۶۷.
۱۸. التهذیب، جلد ۶، کتابت ذی الحجة سال ۶۵۴ق، در ۲۱۰ برگ ۱۷×۲۶، شماره ۶۸.
۱۹. التهذیب، جلد ۷، کتابت شنبه، ۲۱ رمضان سال ۶۱۱ق، به خط احمد بن عیسی العتکی الازدی، در ۱۶۰ برگ ۱۷×۲۴، برگ ۱۹۲ تا ۳۵۲، مجموعه شماره ۶۷.
۲۰. التهذیب، جلد ۷، کتابت یکشنبه، دوازدهم صفر سال ۶۹۶ق، در ۱۹۷ برگ ۱۷×۲۶، شماره ۶۹.
۲۱. التهذیب، جلد ۷، کتابت سده هشتم قمری، در ۲۴۶ برگ ۱۷×۲۶، شماره ۷۰. چند جلد دیگر از این تفسیر در این کتابخانه وجود دارد که کتابت آنها در سده های هفتم تا دهم قمری است.
۲۲. الجمع بین الصحیحین، جلد ۱، در حدیث، از ابی عبدالله محمد بن ابی نصر بن عبدالله الحمیدی، متوفی سال ۴۸۸ق، مورخ چهارشنبه، جمادی الاول سال ۶۰۴ق، در ۱۹۴ برگ ۱۲×۱۶، شماره ۵۱۲.
۲۳. الجمع بین الصحیحین، جلد ۲، از عمر بن بدر بن سعید الموصلی، متوفی سال ۶۲۲ق، کتابت سده هفتم قمری، در ۲۰۰ برگ ۱۸×۲۶، شماره ۲۷۳. این نسخه را کاتب برای خزانه یکی از أمرا کتابت کرده است.

- باقی مانده است. در صندوقی که این قرآن قرار دارد، حدود سی جلد دیگر قرآن نفیس وجود دارد که اکثر آنها ایرانی و مذهب و جلد آنها کار استادان ایرانی عصر صفوی و نیز خطوط آن مربوط به خطاطان مشهور ایرانی است. از جمله، قرآنی که به خط عبدالقادر حسینی، در قطع رحلی، از سده دهم قمری، و نیز قرآنی نفیس، به خط نسخ قاسم شیرازی، مورخ سال ۹۹۵ق در قطع رحلی است.
- به جز دو بخش قرآن کریم منسوب به خط مبارک حضرت امیر المؤمنین (ع) که در این کتابخانه وجود دارد، چندین نسخه نفیس از قرآن کریم و نیز نسخه های نفیس دیگر در گنجینه آن موجود است و این جانب تعدادی از آنها را ملاحظه کردم و توضیحاتی را در خصوص هریک می آورم:
۱. قرآن، به خط کوفی، بر روی پوست، از سده های نخستین، در قطع سلطانی.
۲. قرآن، به خط ثلث زیبا، از اوایل سده هشتم قمری، در قطع سلطانی که فقط شامل ۷/۱ جزء قرآن کریم است.
۳. مسأله سئل عنها محمد بن الهادی یحیی بن الحسین، حول آیه ألم تر إلی الذی حاج، کتابت سال ۴۰۱ق، به خط حسن بن احمد بن محمد بن یعقوب، در شش برگ ۱۲×۱۸، مجموعه شماره ۱۸۲۵.
۴. قرائت نافع، از ابی عبدالله محمد بن احمد بن یوسف بن موسی، در علوم قرآن، مورخ پنجشنبه، سوم ربیع الاول سال ۵۷۵ق، در چهل برگ، شماره ۱۶۰۱.
۵. الشهاب فی الوصایا والآداب، از محمد بن سلامة القضاعی، متوفی سال ۴۵۴ق، در حدیث، مورخ پنجم جمادی الاول سال ۵۵۴ق، در ۲۲۶ برگ ۱۲×۱۹، شماره ۴۹۱.
۶. الجامع الصحیح، از محمد بن اسماعیل التجاری، متوفی سال ۲۵۶ق، در حدیث، مورخ سوم جمادی الاول سال ۵۵۱ق، به خط نسخ عبدالغنی بن عبدالله بن محمد الامعوطی، در اندازه ۱۸×۲۷، شماره ۲۶۱.
۷. المسند، از احمد بن محمد بن حنبل، در حدیث، مورخ سده ششم قمری، ۱۳۴ برگ ۲۰×۲۷، شماره ۴۵۶.
۸. تنبیه الغافلین عن فضائل الطالبین، از حاکم جُشمی، در کلام، مورخ ذی القعدة سال ۵۵۳ق، در ۷۳ برگ ۱۲×۱۶، شماره ۷۷۵.
۹. الثعبان النفاث بهلاک اهل المسائل الثلاث، از حمید بن احمد بن محمد بن احمد المحلی، متوفی ۶۲۵ق، نسخه اصل به خط مؤلف، ۱۰۳ برگ ۱۲×۱۶، برگ ۷۴ تا ۱۷۶، مجموعه شماره ۷۵۵.
۱۰. شرح الاصول الخمسة، از قوام الدین مانکدیم احمد بن ابی الحسین بن ابی هاشم، معروف به ششیدو، در کلام، مورخ

۲۴. شرح غریب الصحیحین ، در حدیث، از ابی عبدالله محمد بن ابی نصر بن عبدالله الحمیدی، متوفی سال ۴۸۸ ق، مورخ شعبان سال ۶۶۸ ق، در ۱۷۳ برگ ۱۷×۲۵، شماره ۴۶۳.
۲۵. جواب مسائل الرازی ، در کلام، از محمد بن احمد بن علی الولید، متوفی سال ۶۲۳ ق، مورخ سال ۶۰۶ ق، در پنج برگ ۱۶×۲۴، برگ ۲۵۶ تا ۲۶۰، مجموعه شماره ۵۵۰.
۲۶. الکوکب المضيئ المنتزع من جامع سنن الترمذی، در حدیث، از یحیی بن حسن بن احمد بن عثمان، متوفی بعد از ۷۶۹ ق، نسخه اصل به خط مؤلف در ذی القعدة سال ۷۶۹ ق، در ۱۲۳ برگ ۱۸×۲۵، شماره ۳۹۹.
۲۷. المعلم بايضاح صحيح مسلم ، ج ۱ و ۲ و ۳، از یحیی بن حسین بن قاسم بن محمد، متوفی سال ۱۰۹۹ ق، نسخه اصل به خط مؤلف، سال ۱۰۷۸ ق، در ۲۲۳ برگ ۱۶×۲۱، شماره ۴۶۷.
۲۸. درر الصوامر و القواصم ، شرح مسند علی بن موسی الکاظم (ع)، در حدیث، از احمد بن احمد بن محمد السیاطی، متوفی سال ۱۴۰۰ ق، نسخه اصل به خط مؤلف در ذی القعدة سال ۱۳۵۶ ق، در ۱۴۲ برگ ۱۸×۲۴، شماره ۵۵۵.
۲۹. ورقات فی مناقب اهل البيت (ع)، از یحیی بن الحسین، متوفی سال ۱۰۹۹ ق، نسخه اصل به خط مؤلف، در پنج برگ ۱۵×۲۰، مجموعه شماره ۴۳.
۳۰. نبذة فی فضائل علی بن ابی طالب (ع)، از علی بن یحیی الهجری، نسخه اصل به خط مؤلف در ماه جمادی الآخر سال ۱۰۶۰ ق، در سه برگ، مجموعه شماره ۳۰.
۳۱. فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب (ع)، از احمد بن حنبل، متوفی سال ۲۴۱ ق، کتابت پنجشنبه، پانزدهم ذی القعدة سال ۱۱۸۲ ق، در ۳۴ برگ ۱۷×۲۲، شماره ۲۱۸۴.
۳۲. الفضائل لاشرف القبائل، از محمد بن عبدالله بن المهلا، کتابت بیستم رجب سال ۱۰۳۹ ق، در ۵۱ برگ ۱۵×۲۰، شماره ۲۱۰۳.
۳۳. الشهاب الثاقب فی مناقب علی بن ابی طالب (ع)، از احمد بن حسن بن محمد بن حسن الرصاص، متوفی سال ۶۲۱ ق، کتابت دوشنبه، دهم جمادی الاول سال ۱۰۵۹ ق، به خط احمد بن صلاح الکیبکی، در هشت برگ ۱۵×۲۰، مجموعه شماره ۱۶.
۳۴. روضة الالباب و تحفة الالباب و بغیة الطلاب و نخبة الاحساب لمعرفة الانساب، مشجره ابی علامه، در نسب، از محمد بن عبدالله بن علی بن حسین بن عزالدین بن حسن ابو علامه، متوفی سال ۱۰۴۴ ق، در ۱۰۲ برگ ۲۲×۳۰، شماره ۲۱۷۶. یاد آور می شوم که مرحوم والد بزرگوارم، حدود سی سال قبل، دستور دادند تا تصویری از این نسخه فراهم شد و به ایران فرستادند؛
- آن گاه تعداد پنجاه نسخه از روی آن تصویر چاپ شد.
۳۵. تفریح الکرוב و تکفیر الذنوب فی مناقب امیر المؤمنین علی بن ابی طالب (ع)، از اسحق بن یوسف بن اسماعیل، متوفی سال ۱۱۷۳ ق، کتابت ۲۵ ربیع الآخر سال ۱۱۸۳ ق، به خط عبدالقادر بن محمد بن زید، در ۱۲۲ برگ ۲۲×۳۲، شماره ۲۱۸۱.
۳۶. البراهین فی مناقب امیر المؤمنین علی بن ابی طالب (ع)، از ابی جعفر محمد بن سلیمان الکوئی، کتابت سه شنبه، شانزدهم شعبان سال ۱۲۹۳ ق، به خط محمد بن احمد الحیمی، در ۱۷۷ برگ ۱۷×۲۲، شماره ۲۱۸۹.
۳۷. مختصر شرح نهج البلاغة، از محمد بن عبدالله بن یحیی بن حمزة، کتابت شنبه، بیستم جمادی الآخر سال ۹۹۵ ق، به خط علی بن احمد بن حمید، در ۱۴۲ برگ ۲۰×۲۸، شماره ۱۹۲۰.
۳۸. شرح نهج البلاغة، جلد ۱ و ۲، از یحیی بن ابراهیم جحاف، متوفی سال ۱۱۰۲ ق، کتابت چهارم محرم سال ۱۲۶۴ ق، به خط سعد بن علی بن احمد الحاشدی، در ۲۳۰ برگ ۲۲×۳۲، شماره ۱۹۱۰. این نسخه با نسخه اصل - که به خط مؤلف است - مقابله شده است.
۳۹. شرح نهج البلاغة، کتابت یک سال پس از مرگ مؤلف، پنجشنبه، ۲۳ رجب سال ۱۱۰۳ ق، در ۳۹۰ برگ ۲۰×۳۰، شماره ۱۹۰۵.
۴۰. الواضع فی النحو، از ابی بکر محمد بن حسن زبیدی، متوفی سال ۳۷۹ ق، مورخ سده پنجم قمری، به خط مغربی، در ۱۷۱ برگ ۱۷×۲۲، شماره ۱۸۴۱.
۴۱. الکتاب، ج ۴ و ۵، از ابی بشر عمرو بن عثمان بن قنبر، معروف به سیبویه فارسی، متوفی سال ۱۸۰ ق، کتابت رجب سال ۴۳۲ ق، به خط کوفی، در ۲۵۴ برگ ۱۹×۳۴، شماره ۱۷۶۴.
۴۲. امهات الاولاد، در فقه، از یحیی بن الحسین، متوفی سال ۲۹۸ ق، کتابت چهارم رجب سال ۴۰۱ ق، به خط کوفی حسن بن احمد بن محمد بن یعقوب، در دو برگ ۱۳×۱۸، مجموعه شماره ۱۸۲۵.
۴۳. شرح التحرير، در فقه، از قاضی زید بن محمد الکلاری، کتابت شنبه، ۲۶ رمضان سال ۴۸۸ ق، در ۲۳۱ برگ ۱۵×۲۰، شماره ۹۷۹.
۴۴. نسخه دیگر، کتابت سده ششم قمری، در ۲۱۴ برگ ۲۰×۲۷، شماره ۹۷۰.
۴۵. نسخه دیگر، جلد ۴، کتابت دهم محرم سال ۵۴۸ ق، در ۲۵۹ برگ ۲۳×۳۴، شماره ۹۶۴.
۴۶. نسخه دیگر، جلد ۸، مورخ سده پنجم قمری، در ۲۲۰

برگ ۱۹×۱۲، شماره ۹۷۸.

۴۷. نسخه دیگر، مورخ سده پنجم قمری، در ۹۵ برگ
۱۲×۲۰، شماره ۹۸۰.

۴۸. الاحکام فی الحلال و الحرام، در فقه، از یحیی بن الحسین،
کتابت سده ششم قمری، در ۱۹۰ برگ ۱۷×۲۶، شماره ۱۱۷۲.

۴۹. نسخه دیگر، مورخ جمعه، بیستم ذی القعدة سال ۵۴۶ق،
به خط حسین بن محمد بن محمد بن یوسف الملوخ، در ۱۴۱ برگ
۱۵×۲۳، شماره ۱۱۶۷.

۵۰. نسخه دیگر، کتابت سده سوم قمری، به خط کوفی، در ۵۹
برگ ۱۶×۲۵، شماره ۱۱۷۰.

۵۱. نسخه دیگر، کتابت سده چهارم قمری، به خط کوفی، در
۲۲۶ برگ ۲۲×۳۳، شماره ۱۱۶۶.

۵۲. نسخه دیگر، کتابت سال ۵۴۶ق، به خط حسین بن
محمد الملوخ، در ۱۵۷ برگ ۲۵×۳۲، شماره ۱۱۶۸.

۵۳. نسخه دیگر، کتابت سده ششم قمری، در ۱۶۷ برگ
۱۷×۲۵، شماره ۱۱۷۳.

۵۴. نسخه دیگر، کتابت سده چهارم قمری، به خط کوفی، در
۱۴۴ برگ ۱۷×۲۲، شماره ۱۲۶۲.

۵۵. نسخه دیگر، کتابت سده چهارم قمری، به خط کوفی مایل
به میخی، در ۲۰۶ برگ ۱۷×۲۱، شماره ۱۱۷۱.

۵۶. اجوبة الامام الهادی علی اسئلة فقهية سئل عنها، کتابت سال
۴۰۱ق، به خط کوفی حسن بن احمد بن محمد بن یعقوب، در
چهارده برگ ۱۳×۱۸، مجموعه شماره ۱۸۲۵.

۵۷. مسائل الشاک و جوابها لامیر المؤمنین علی بن ابی طالب (ع)،
در کلام، از یحیی بن الحسین، متوفی سال ۲۹۸ق، کتابت سال ۴۰۱
ق، به خط کوفی حسن بن احمد بن محمد بن یعقوب، در ۱۸
برگ ۱۲×۱۸، مجموعه شماره ۱۸۲۵.

۵۸. المجموع المحيط بالتکلیف، در کلام، از عبدالجبار بن
احمد، کتابت ۲۹ شعبان سال ۵۶۳ق، به خط حسن بن
محمد الرصاص، در ۳۳۰ برگ ۱۶×۲۶، شماره ۵۵۱.

۵۹. مسائل الخلاف فی الاصول، از ابی رشید سعید بن محمد
نیشابوری، مورخ سده ششم قمری، در ۲۹۷ برگ ۱۶×۲۴،
شماره ۶۹۶.

۶۰. الاکمال فی مذهب الشافعی، از سلیمان بن ابی المظفر
الجیلی، متوفی سال ۶۳۱ق، نسخه اصل به خط مؤلف، در ۲۵۵
برگ ۱۷×۲۴، شماره ۱۲۷۳.

۶۱. التحریر فی الکشف عن نصوص الائمة النحاریه، از ابوطالب
یحیی بن الحسین الهارونی، متوفی سال ۴۲۴ق، کتابت سده ششم

قمری، در ۱۴۰ برگ ۱۷×۲۲، شماره ۱۱۰۹.

۶۲. نسخه دیگر، مورخ جمعه، هشتم ذی القعدة سال ۵۴۶ق،
در ۲۰۳ برگ، شماره ۱۱۱۳.

۶۳. نسخه دیگر، مورخ سده ششم قمری، در ۲۳۵ برگ
۱۲×۱۸، شماره ۱۱۱۵.

۶۴. نسخه دیگر، مورخ چهارشنبه، ۲۵ محرم سال ۵۴۰ق، در
۲۰۹ برگ ۱۶×۲۲، شماره ۱۱۱۶.

۶۵. مسائل سئل عنها القاضي جعفر بن احمد بن عبدالسلام،
کتابت جمادی الاول سال ۵۵۴ق، در دوازده برگ ۱۳×۱۹،
مجموعه شماره ۴۹۱.

۶۶. التصريف الملوکی، در صرف، از ابی علی حسن بن احمد
الفارسی، متوفی سال ۳۷۷ق، کتابت پنجشنبه، پانزدهم ذی الحجة
سال ۵۶۴ق، در ده برگ ۱۹×۲۲، مجموعه شماره ۱۹۰۳.

۶۷. کتاب الامثال، از ابی عبیده قاسم بن سلام، متوفی سال ۲۲۴
ق، مورخ سال ۵۵۱ق، در ۳۷ برگ ۱۳×۱۸، مجموعه شماره
۱۸۲۵. در آغاز نسخه اجازه ای به خط عبدالجبار بن محمد
المعافری به سال ۵۵۱ق آمده است.

۶۸. الاحکام السلطانية والولايات الدينية، از علی بن محمد بن
حبیب ماوردی، متوفی سال ۴۵۰ق، مورخ پانزدهم شوال سال
۵۹۵ق، در ۲۳۴ برگ ۱۵×۲۲، شماره ۱۲۷۷.

۶۹. الکشف و البیان فی تفسیر القرآن، جلد ۳، از ابی اسحق بن
محمد بن ابراهیم الثعلبی، متوفی سال ۴۲۷ق، کتابت جمعه، دوم
ربیع الاول سال ۷۷۳ق، در ۱۵۷ برگ ۱۹×۲۶، شماره ۱۸۸.

۷۰. متشابه القرآن، از راغب اصفهانی، متوفی سال ۵۰۲ق،
کتابت جمادی الآخر سال ۵۵۳ق، در ۱۶۵ برگ ۱۳×۱۰،
شماره ۲۱۶.

پس از بازدید از این کتابخانه و ذخایر بی نظیر آن، برای
شرکت در نماز جمعه که در مسجد جامع الکبیر، جنب همین
کتابخانه برگزار می شود، به اتفاق هیئت همراه و در معیت سفیر
جمهوری اسلامی ایران و تعدادی از اعضای نمایندگی کشورمان
حرکت کردیم. در طی مدت حضور هیئت ایرانی در مسجد و حتی
به هنگام عبور از خیابانهای اطراف همواره مورد احترام مردم
قرار گرفتیم. پس از پایان مراسم نماز جمعه، امام جمعه و خطیب
آن که دوفرنند و نیز برخی از علما و روحانیان کهنسال حاضر
در مسجد به هیئت ایرانی خوشامدگفته و حضورمان را در
نماز جمعه منشأ خیر و برکت تلقی کردند و برای مردم
و مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران دعای خیر کردند.
در پایان این مراسم، در ضیافت ناهار - که از سوی وزیر

اوقاف و ارشاد یمن به افتخار هیئت ایرانی ترتیب داده شده بود - شرکت کردیم. نامبردگان ذیل نیز در آن حضور داشتند:

۱. قاضی احمد محمد الشامی، وزیر اوقاف و ارشاد یمن؛
۲. علامه شیخ احمد محمد زبارة، مفتی عام جمهوری یمن؛
۳. دکتر احمد البشاری، وزیر دولت در امور هیئت وزیران یمن؛
۴. شیخ عبدالله محمد الرقیحی، امام جمعه مسجد جامع الکبیر صنعا؛
۵. دکتر علی احمد ابوالرجال، معاون رئیس جمهور یمن و رئیس مرکز اسناد ملی و اطلاع رسانی؛
۶. شیخ احمد عبدالله الاکوع، معاون وزیر اوقاف و ارشاد یمن؛
۷. شیخ حمود عباس المؤید، معاون مفتی یمن؛
۸. شیخ محمد بن اسماعیل الغفرانی؛
۹. علامه محمد المنصور؛

۱۰. آقای مرتضی رحیمی سفیر جمهوری اسلامی ایران در یمن، و نیز تعدادی دیگر از روحانیان و شیوخ برجسته و نیز مدیران و مسئولان وزارتخانه های اوقاف و ارشاد و فرهنگ و جهانگردی یمن.

این جانب ضمن تشکر و قدردانی از میزبانی وزیر اوقاف و برادران یمنی، در خصوص تشکیلات کتابخانه و تاریخچه آن و نیز برنامه های آینده، همچنین تلاشهای بی وقفه حضرت آیت الله مرعشی نجفی (ره) در زمینه جمع آوری و نگهداری ذخایر اسلامی، مطالبی را یاد آور شدم. در ادامه، به این مطلب اشاره کردم که: رهبر فقید انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی - قدس سره - سه ماه قبل از رحلتشان، طی حکمی، دولت را موظف فرمودند تا نسبت به توسعه کتابخانه اقدام نماید. بحمد الله مراحل پایانی طرح توسعه در حال انجام است و هم اکنون این کتابخانه از لحاظ کتابهای نفیس خطی اسلامی، اولین کتابخانه در ایران، و سومین کتابخانه در جهان به شمار می آید، و پیوسته در حال توسعه و پیشرفت است و از کمکهای مالی دولت برخوردار است. همچنین در طرح جدید، گنجایش پنج میلیون جلد کتاب در نظر گرفته شده است. این جانب افتخار دارم که مسئولیت این مجموعه بزرگ فرهنگی را بر عهده دارم، و اعلام می کنم که نه تنها این مکان علمی و ارزشمند متعلق به ایرانیان علاقه مند به تحقیق در مسایل اسلامی است، بلکه تمامی دانشمندان و اندیشمندان و محققان اسلامی می توانند در زمینه های مختلف از این کتابخانه استفاده کنند.

این مراسم پس از سخنان این جانب به پایان رسید. آن گاه

در ساعت شانزده به اتفاق سفیر ایران و تنی چند از وزارت اوقاف یمن و نیز اعضای سفارت ایران، از نمایشگاه بین المللی کتاب در صنعا بازدید کردیم و مقداری از کتابهای مورد نیاز مربوط به زبیدی را که در یمن چاپ شده است، برای کتابخانه خریداری کردم.

روز شنبه ۱۰/۶/۷۶ به موجب برنامه تنظیمی، ساعت نه بامداد در معیت آقای سفیر و همراهان در دفتر کار آقای قاضی احمد محمد الشامی، وزیر اوقاف یمن، حضور یافتیم. در این دیدار - که تعدادی از معاونان و مسئولان وزارت اوقاف یمن حضور داشتند - پس از انجام تعارفات معمول و خوشامدگویی وزیر اوقاف و ابراز خرسندی از حضور هیئت ایرانی، این جانب اظهار داشتیم: پیرو یادداشت تفاهم میان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ایران و وزارت اوقاف و ارشاد یمن در زمینه همکاری کتابخانه بزرگ آیت الله مرعشی نجفی، همان گونه که مستحضرید، بند هفتم و هشتم تفاهم نامه مذکور، به این کتابخانه مربوط است؛ یکی درخواست شما در خصوص همکاری در زمینه تنظیم و چاپ فهرست نسخه های خطی و احیای میراث اسلامی، و دیگری مساعدت در توسعه کتابخانه های بزرگ یمن و تجهیز آنها برای ترمیم کتب خطی و اسناد دستنویس و حفظ و حراست نسخ موجود از سوی کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی است. در مورد اجرای بند هفتم و هشتم آماده ایم تا کارشناسان خود را برای بررسی موضوع به یمن اعزام کنیم. نیز در زمینه همکاری در خصوص تهیه میکروفیلم و تصویر از نسخه های خطی موجود آمادگی داریم. همچنین پیرامون آموزش افراد می توانید دو نفر از افراد خودتان را به مرکز ما اعزام کنید. البته باید افرادی انتخاب شوند که در این زمینه از خود علاقه نشان دهند. ما در این کتابخانه از امکانات و تجهیزات پیشرفته و روزآمد برخورداریم و می توانیم در تمامی زمینه هایی که مربوط به کتابخانه ها و نسخه های خطی می شود، تفاهم نامه مشترک تهیه و اجرا کنیم.

وزیر اوقاف با ابراز رضایت و خرسندی بسیار اظهار داشت: در صورتی که بتوانیم با کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی همکاری داشته باشیم، بسیار خوشحال می شویم. قطعاً ما افرادی را در این خصوص معرفی خواهیم کرد تا توفیق همکاری گسترده تری داشته باشیم. آن گاه وزیر به فرزند خود - که منشی ایشان است - دستور داد تا صورت جلسه ای را تنظیم کند و پس از بررسی نهایی به امضای طرفین برسد.

این متن در آخرین روز اقامت در صنعا، به شرح ذیل، به

فارسی و عربی تنظیم شد^۱ و به امضای وزیر اوقاف یمن و این جانب رسید:

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين

در راستای روابط صمیمی، صادقانه و برادرانه میان دو ملت و دولت جمهوری اسلامی ایران و جمهوری یمن و برای به اجرا گذاشتن بند هفتم و هشتم از یادداشت تفاهم به امضا رسیده میان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی جمهوری اسلامی ایران و وزارت اوقاف و ارشاد یمن به تاریخ ۲۵ شوال ۱۴۱۷ق، دکتر سید محمود مرعشی رئیس کتابخانه بزرگ آیت الله مرعشی نجفی (ره) بنا به دعوت کریمانه وزارت اوقاف و ارشاد یمن به صنعا از تاریخ ۱۴۱۸/۱۲/۲۴ لغایت ۱۹۹۷/۱۲/۳۱ برابر با ۲۴ شعبان ۱۴۱۸ لغایت دوم رمضان ۱۴۱۸ق سفر کرده و با عالی جنابان: قاضی احمد محمد الشامی وزیر اوقاف و ارشاد و استاد عبدالملک منصور وزیر فرهنگ و جهانگردی دیدار و از کتابخانه‌های غربیه و شرقیه جامع الکبیر و مرکز اسناد و مخطوطات دیدن و با مسئولین یمنی جهت همکاری در زمینه مخطوطات گفت و گو و دو طرف در موارد ذیل به توافق رسیده‌اند:

۱. در اجرای مفاد بند هفتم از یادداشت تفاهم مذکور، طرف ایرانی آمادگی خود را جهت به چاپ رساندن فهرست مخطوطات کتابخانه غربیه جامع الکبیر اعلام و در مقابل، طرف یمنی متعهد می‌شود که هرچه سریعتر فهرست آماده چاپ را تحویل دهد.

۲. در اجرای مفاد بند هشتم یادداشت تفاهم، در زمینه عکسبرداری، طرف ایرانی آمادگی خود را برای عزیمت تیم فنی ایران به جمهوری یمن اعلام، در مقابل طرف یمنی آمادگی خود را برای پذیرایی و استقبال از آن هیئت و قول همه نوع کمک جهت به نتیجه رسیدن مأموریت تیم ایرانی در عکسبرداری از نسخه‌های موجود در کتابخانه‌های عمومی و خصوصی اعلام می‌دارد.

۳. طبق درخواست طرف یمنی، طرف ایرانی آمادگی خود را جهت آموزش دو یا سه نفر از متخصصان مرمت نسخه‌های خطی یمن که شرایط لازم را دارا باشند (بازینه جمهوری اسلامی ایران) اعلام می‌دارد. بالطبع طرف یمنی می‌بایست نام واجدین شرایط را تا پایان ماه مبارک رمضان به طرف ایرانی اعلام کند.

۴. طرف ایرانی آمادگی خود را جهت ارسال فرد یا گروهی جهت فهرست‌نویسی نسخه‌های موجود در کتابخانه‌های عمومی و یا خصوصی که تا کنون فهرست نشده‌اند، اعلام و در مقابل

طرف یمنی متعهد می‌شود از هرگونه کمکی جهت به ثمر رسیدن مأموریت طرف ایرانی دریغ نخواهد کرد.

۵. طرف یمنی مسرت خود را از توافقات حاصله اعلام می‌دارد. همچنین دو طرف آمادگی خود را برای ادامه دیدارها جهت ادامه همکاری اعلام، و در این زمینه کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) به خاطر پیامدهای خوب این‌گونه سفرها جهت مبادله تجربیات و گسترش روابط برادرانه آمادگی خود را جهت پذیرایی از طرف یمنی اعلام می‌دارد.

این توافقنامه در دو نسخه فارسی و عربی به تاریخ دوم رمضان ۱۴۱۸ برابر با ۱۹۹۷/۱۲/۳۱م در شهر صنعا تنظیم، و به امضا رسید.

جمهوری اسلام ایران

دکتر سید محمود مرعشی نجفی

عضو هیئت اشراف بر مخطوطات

ورئیس کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی

جمهوری یمن

قاضی احمد محمد الشامی

وزیر اوقاف و ارشاد یمن

سپس ضمن بیان مشروحی از وضعیت و موقعیت کنونی کتابخانه و ارتباط مرحوم والد با علمای زیدیه، و نیز امکاناتی که کتابخانه در اختیار دارد، همچنین تسهیلاتی که دولت در اختیار کتابخانه قرار داده، اظهار داشتیم:

ما همچنین آمادگی داریم در صورتی که آن دسته از کتابهای خطی شما که تا کنون شناسایی و فهرست نشده است، افرادی را به منظور تهیه و تدوین فهرست نسخه‌های خطی اعزام کنیم و پس از تنظیم، آن را به چاپ برسانیم. هم‌اکنون نیز چنین قراردادهایی با برخی کتابخانه‌های بزرگ در کشورهای مختلف، از جمله آسیای میانه داریم. کار ما در ایران یک کار بزرگ فرهنگی به منظور شناسایی ذخایر عظیم اسلامی و شناساندن آنها به ملل اسلامی به ویژه محققان است، تا چنانچه پژوهشگران بخواهند در مسایل اسلامی تحقیق کنند، از این ذخایر و گنجینه‌های ارزشمند بهره گیرند. ما نیک می‌دانیم که اکثر اندیشمندان و محققان از بسیاری از منابع عظیم اسلامی آگاهی ندارند و از وجود بسیاری از ذخایر بی‌اطلاع هستند. به ویژه آن که بسیاری از این ذخایر در دست مردم و کتابخانه‌های شخصی است و اطلاع دقیقی از آنها در دست نیست. این جانب از وزیر اوقاف یمن دعوت کردم تا جهت اطلاع از امکانات

کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله مرعشی نجفی (ره) و نیز حوزه علمیه قم و مراکز فرهنگی جمهوری اسلامی، به ایران سفر کند. و مقرر گردید در آینده این دعوت از سوی مسئولان ذی ربط رسماً به ایشان ابلاغ گردد. ایشان ضمن ابراز تشکر و قبول دعوت، اظهار امیدواری کرد که همکاری گسترده‌ای در این زمینه داشته باشند، زیرا این گونه همکاریها قدمی خیر در جهت منافع اسلام و مسلمین است. همچنین ایشان مقرر داشت تا روزنامه‌های معتبر یمن مصاحبه‌ای را با این جانب ترتیب دهند تا مردم و علاقه‌مندان، از وضعیت این کتابخانه عظیم باخبر شوند. آن گاه آقای وزیر یک دوره چهارجلدی از فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه جامع الکبیر یا المكتبة الشرقية را به این جانب هدیه کرد و متقابلاً این جانب نیز تعدادی از انتشارات کتابخانه، از جمله کتاب المسلسلات فی الاجازات را - در دو جلد که در برگیرنده اجازات کتبی علمای امامیه و زیدیه و اهل سنت به مرحوم والد (ره) است - به رسم یادبود به ایشان هدیه کردم که فوق العاده مورد توجه قرار گرفت. در پایان این دیدار، در روز ۷۶/۱۰/۶ به اتفاق همراهان، طبق برنامه تنظیمی، به دیدار آقای دکتر احمد ابوالرجال معاون رئیس جمهور و مدیر مرکز اسناد ملی و اطلاع رسانی یمن رفتیم. در این ملاقات - که تنی چند از کارشناسان آن مرکز حضور داشتند - آقای ابوالرجال ضمن خوشامدگویی، در مورد همکاری طرفین در زمینه مخطوطات و ترمیم اسناد و آموزش افراد ابراز خوشوقتی کرد و ضمن شرح مبسوطی در خصوص اسناد موجود در یمن و امکانات لازم جهت نگهداری آنها، اشاره کرد که در آینده قرار است با کمک سازمان علمی - فرهنگی یونسکو، مرکز اسناد پیشرفته‌ای تأسیس شود. آن گاه ماکت این مرکز را نشان داد و توضیحاتی نیز ارائه کرد. آقای ابوالرجال آغاز به کار ساختمان جدید را سال ۱۹۹۸م اعلام کرد و توضیح داد که ما اسناد سالهای ۱۲۰۰ ق به بعد را جمع آوری کرده‌ایم و اظهار داشت طول این اسناد از سه کیلومتر تجاوز خواهد کرد.

این جانب با ابراز خرسندی از احداث چنین مرکزی برای نگهداری این اسناد تاریخی، اعلام آمادگی برای همکاری در تمام زمینه‌ها، اعم از میکروفیلم و تهیه و انتشار فهرستهای نسخه‌های خطی و آموزش نیرو برای حفظ و نگهداری آنها، یادآور شدم: این گنجینه‌ها متعلق به اسلام و مسلمین است و باید در حفظ و نگهداری آنها کوشا باشیم. آن گاه این جانب در خصوص تشکیل کنگره بین‌المللی که در زمینه پیشگیری از فرسایش آثار فرهنگی به ویژه اسناد و کتب خطی که با

همکاری کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی و سازمان یونسکو و تعدادی دیگر از سازمانها در سال آینده در تهران برگزار می‌شود، مطالبی بیان داشتیم. در پایان این نشست، به اتفاق آقای ابوالرجال و همراهان، از بخشهای مختلف این مرکز، از جمله بایگانی اسناد مهم، میکروفیلم و ترمیم بازدید به عمل آمد و ایشان توضیحات لازم را ارائه دادند.

پس از این بازدید، به اتفاق مدیر کل مساجد صنعا و آقای هاشم عبدالله السیانی، مشاور وزیر اوقاف، عازم بازدید از کتابخانه المكتبة الغربية شدیم. این جانب تعدادی از نسخه‌های نفیس را - که از فهرست نسخه‌های خطی آنها انتخاب کرده بودم - از نزدیک ملاحظه کردم و از آنها یادداشت برداشتم. این کتابخانه که در قسمت غربی جامع الکبیر قرار دارد و زیر نظر هیئت باستانشناسی، موزه‌ها و مخطوطات یمن اداره می‌شود، وابسته به وزارت فرهنگ و جهانگردی است. این کتابخانه با داشتن پوستنوشته‌های بسیار قدیمی که برخی از آنها به قبل از اسلام بازمی‌گردد، از جمله زبانهای عبری، امهری یا حبشی، و نسخه‌هایی بر روی چوب، مورد توجه جهانیان است. تا کنون تنها یک جلد از نسخه‌های خطی موجود این کتابخانه به تعداد ۱۹۷۸ مجلد در حجم هزار صفحه در اسکندریه مصر به سال ۱۳۹۸ ق چاپ شده و تنظیم آن را احمد محمد عیسوی و محمد سعید الملیح برعهده داشته‌اند. یک نسخه از این فهرست را آقای زید صالح الفقیه، مدیر کل دارالکتب صنعا به این جانب هدیه کردند. هم‌اکنون تعداد نسخه‌های خطی موجود آن بالغ بر چهار هزار مجلد، در یازده هزار عنوان است که فهرست جدیدی از آنها در ده جلد در حال تهیه است. در ملاقاتی که با وزیر فرهنگ یمن داشتیم، مقرر شد این فهرست را، پس از پایان یافتن آن، در اختیار ما قرار دهند تا آن را به چاپ برسانیم. در این کتابخانه کتابها شامل این موضوعات است:

۱. علوم قرآن، ۳۱۳ جلد؛
۲. عروض و قوافی، ۳۱ جلد؛
۳. حدیث، ۷۱۹ جلد؛
۴. ادبیات، ۳۶۶ جلد؛
۵. سیره نبویه، ۱۶۹ جلد؛
۶. جغرافیا، تاریخ و تراجم، ۵۶۱ جلد؛
۷. کلام، ۷۷۸ جلد؛
۸. مجموعه‌ها، ۴۶۵ جلد؛
۹. فقه و اصول، ۱۴۳۱ جلد؛
۱۰. فرایض و مواریث، ۱۹۴ جلد؛

۱۱. تصوف، ۳۵۳ جلد؛

۱۲. متفرقات، شامل معارف عمومی، کشاورزی، دامپزشکی، علوم نظامی، جامعه‌شناسی، پزشکی، ریاضیات، چهارصد جلد. در این کتابخانه، همچون کتابخانه‌ی المكتبة الشرقية، نسخه‌های بسیار نفیسی در موضوعات مختلف وجود دارد که چند نسخه آن بدین قرار است:

۱. مناقب امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع)، از ابو عبد الله احمد بن محمد بن حنبل، کتابت محرم سال ۱۰۵۲ ق، به خط حسین بن سلیمان مرغم، در ۱۸۲ برگ ۲۰×۳۰، شماره ۲۳ سیره. ۲. التهذیب فی التفسیر، جلد ۶، از حاکم جُشمی، مورخ شنبه، دوم رمضان سال ۶۴۹ ق، در ۱۷۸ برگ ۱۸×۲۱، شماره ۹۸ تفسیر. ۳. التهذیب، جلد ۲، کتابت پنجشنبه، ۲۹ صفر سال ۶۴۵ ق، در ۱۶۴ برگ ۱۵×۲۴، شماره ۱۰۰ تفسیر.

۴. التیسیر فی التفسیر، جلد ۴، از اسماعیل بن احمد نیشابوری، مورخ ۲۵ ربیع الآخر سال ۶۵۳ ق، در ۴۲۵ برگ ۱۷×۲۴، شماره ۱۰۱ تفسیر.

۵. العهد الأكید فی تفسیر القرآن المجید، از ابو الفتح بن حسین الدیلمی، متوفی سال ۴۴۴ ق، کتابت جمعه، شانزدهم ذی الحجة سال ۷۳۶ ق، در ۱۸۲ برگ ۱۷×۲۴، شماره ۵۹ تفسیر.

۶. المصابیح الساطعة الانوار المجموعة من تفسیر الائمة الاطهار (ع)، جلد ۱ و ۲، از عبدالله بن احمد بن ابراهیم بن علی بن محمد الشرفی، جلد اول آن، مورخ هفده شوال ۱۲۴۴ ق، جلد دوم آن، مورخ هیجدهم رمضان سال ۱۰۹۰ ق، هر یک در ۳۳۴ برگ ۲۲×۳۳ و ۲۱×۳۰، شماره ۸۸ و ۸۹ تفسیر.

۷. النشر لفوائد سورة العصر، از محمد بن علی شوکانی، متوفی سال ۱۲۵۰ ق، نسخه اصل به خط مؤلف، کتابت شانزدهم شوال سال ۱۲۳۷ ق، در شانزدهم برگ ۱۶×۲۳، مجموعه شماره ۱.

۸. الاجازات فی سند الروایات، از عبدالله بن علی بن علی لطف الله القاسم الغائبی، در ۵۶ برگ ۱۷×۲۴، شماره ۷۰ حدیث.

۹. صحیفة امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع)، به روایت حضرت علی بن موسی الرضا (ع)، به خط احمد بن محمد بن حسین بشاری، در سیزدهم برگ ۱۵×۲۱، برگ ۹۰ تا ۱۰۷، شماره ۴۵ تصوف.

۱۰. صحیفة علی بن موسی بن جعفر (ع)، به روایت عبدالکریم بن عبدالله ابوطالب، مورخ ۱۳۲۹ ق، در سیزدهم برگ ۱۷×۲۱، شماره ۱۰۶ حدیث.

۱۱. منهاج المعالی و الرضا شرح مسند الامام علی بن موسی الرضا، مشهور به صحیفة، از احمد بن احمد بن محمد بن حسین السیاعی، مورخ رجب سال ۱۳۷۲ ق، نسخه اصل به خط مؤلف، در ۱۸۴

برگ ۱۸×۲۴، شماره ۱۳۶ حدیث.

۱۲. تفریح الکروب و تکفیر الذنوب فی الاخبار و الآثار عن الصحابة و التابعین فی فضائل اهل البيت (ع) و شیعتهم مضموما، از اسحاق بن یوسف بن اسماعیل، متوفی ۱۱۷۳ ق، کتابت ۲۲ جمادی الاول سال ۱۲۰۴ ق، در ۲۹۸ برگ ۱۷×۲۳، شماره ۶ سیره. ۱۳. الفصول السبعة و العشرین فی فضائل امیرالمؤمنین و امام المتقین علی بن ابی طالب (ع)، از ضیاء الدین الموفق بن احمد المکی الخوارزمی، کتابت صفر سال ۱۱۸۰ ق، در ۲۴۲ برگ ۱۱×۲۱، شماره ۲۲ سیره.

۱۴. قواعد عقائد آل محمد، از محمد بن حسن دیلمی، مورخ چهارم شوال سال ۷۰۷ ق، در ۱۷۰ برگ ۱۸×۲۶، شماره ۱۳۲ کلام.

۱۵. مصباح الشریعة الغزاة الجامع لمحاسن علوم آل البتول الزهراء (ع)، از علی بن سلیمان بن علی بن احمد الداوری النجرائی، مورخ یکشنبه، اول ذی القعدة سال ۸۳۸ ق، در ۱۷۲ برگ ۱۹×۲۶، شماره ۲۱۹ فقه.

۱۶. باقوتة الغیاسة الجامعة لمعانی الخلاصة الناقعة، از محمد بن یحیی بن احمد خش، مورخ سال ۷۴۹ ق، در ۱۶۶ برگ ۱۸×۲۵، شماره ۱۶۳ کلام.

پس از بازدید از المكتبة الغربية، از دارالمخطوطات - که در قسمت فوقانی المكتبة الغربية قرار دارد - بازدید کردیم. این مرکز در سال ۱۴۰۰ ق/۱۹۸۰ م - با هزینه‌ای بالغ بر پنج میلیون ریال یمنی در قسمت جنوبی جامع الکبیر - بنیاد گردیده است و دارای دو هزار نسخه خطی و نیز دوازده هزار ورق از قرآن، به خط کوفی است و اکثراً بر روی پوست اند و نیز هشتصد قرآن کوفی متفرقه با خطوط حجازی و ... که کامل نیستند. طبق اظهار مسئول این مرکز، این اوراق و نیز تعدادی از قرآنها مربوط به سده‌های اول تا پنجم قمری، و از کوچکترین قطع (۸×۱۰ سانتیمتر) تا اندازه سلطانی را شامل می‌شود و تعداد آنها بالغ بر هفتصد جلد بوده است. در سال ۱۹۷۳ م که آلمانیها برای تعمیر سقف مسجد جامع الکبیر مشغول به کار بودند، سقف آن فرو ریخت و کتابها به زمین ریختند و سپس جمع آوری و در این مرکز قرار داده شدند. بر خلاف المكتبة الشرقية و المكتبة الغربية - که فاقد تجهیزات مرمت کتب خطی اند - دارای تجهیزات مرمت، میکروفیلم، قرنطینه و صحافی است. همچنین تعداد سه هزار میکروفیلم از نسخه‌های خطی در این مرکز وجود دارد که ۸۰٪ آن مربوط به نسخه‌های همین مرکز و ۲۰٪ مربوط به نسخه‌های خطی دیگری است که نزد افراد موجود است.

چند نسخه بسیار نفیس را این جانب در این مرکز، به شرح

سپس وزیر فرهنگ اظهار داشت: ما بسیار خرسند خواهیم شد که همکاری داشته باشیم. وی گفت مادر بازرسی از خانه یک عراقی مقیم صنعا - که در یک شرکت یمنی مشغول به کار بود - ۲۷۰۰ نسخه خطی کشف کردیم. بعد از بررسیهای لازم مشخص گردید که این فرد نسخه‌های خطی را برای خارجیها خریداری می‌کند. این جانب اظهار داشتیم: این مسئله منحصر به یمن نیست؛ من در سفری که به یکی از کشورهای آسیای میانه داشتم، به همین مسئله واقف شدم که عوامل خارجی این نسخه‌ها را خریداری کرده و به خارج می‌برند. به هر حال، ما نگران آن هستیم که این ذخایر عظیم اسلامی تلف شوند. بزرگان و مسئولان ما هم همین توجه را دارند که باید در حفظ و نگهداری این میراث فرهنگی در هر نقطه از جهان کوشش به عمل آید. در پایان سخنانم از فرصتی که برای دیدارمان با آقای وزیر فراهم کرده بودند، تشکر کردم.

صبح روز دوشنبه ۸/۱۰/۷۶ طبق برنامه تنظیمی، به اتفاق آقای سفیر و همراهان به ملاقات آقای عبدالملک منصور، وزیر فرهنگ و جهانگردی یمن رفتیم. ایشان ضمن استقبال گرم و خوشامدگویی و خشنودی از حضور هیئت ایرانی اظهار داشت: در واقع به وطن خودتان خوش آمدید. آن‌گاه مطالبی در خصوص وضعیت و امکانات کشورش در زمینه حفظ و نگهداری و ترمیم کتابهای خطی بیان داشت و گفت: طبق اظهار نظر کارشناسان آلمانی - که در این زمینه‌ها با ما همکاری دارند - در حدود دو میلیون جلد کتاب خطی در کتابخانه‌های عمومی و خصوصی یمن وجود دارد؛ این مقوله صحیح باشد یا نباشد، گویای این مطلب است که یمن دارای حجم وسیعی از کتب خطی است، و علی‌رغم ارزش بسیار بالای این مخطوطات، متأسفانه به طرز نامناسب و نامطلوبی نگهداری می‌شوند که احتمال از بین رفتن این آثار وجود دارد.

ما تعدادی از افراد خودمان را به وسیله آلمانیها آموزش دادیم، ولی این افراد پس از آموزش و تخصص به دلیل این‌که نتوانستیم به آنها حقوق مکفی بدهیم، از دست ما رفتند و جذب کشورهای دیگر شدند.

سپس این جانب ضمن شرح مفصلی در خصوص کتابخانه والد گرامی و تاریخچه مشقتهای معظم‌له در جهت اهتمام به حفظ و حراست کتب خطی اسلامی و نگهداری آنها و همچنین تعداد مخطوطات موجود در این کتابخانه که تا کنون بالغ بر پنجاه هزار عنوان است، و نیز روابط حسنه‌ای که ایشان با علما و بزرگان یمن از دهه‌ها سال قبل داشتند و منجر به



در ضیافت نهار اینجانب، از چپ به راست: وزیر فرهنگ و جهانگردی یمن: آقای مرتضی رحیمی سفیر جمهوری اسلامی ایران در صنعا؛ وزیر اوقاف و ارشاد یمن: مفتی عام یمن؛ اینجانب و وزیر دولت در امور هیئت وزیران.

آن‌گاه ایشان اشاره کرد: ما با شما در این مورد یک یادداشت تفاهم داریم که حالا یا در چهارچوب آن و یا به صورت جداگانه می‌توان به آن عمل کرد، چرا که هدف اصلی همکاری میان ماست. فهرستی را هم که اشاره کردید، در اختیارتان قرار خواهیم داد. ان شاء الله ترتیبی به وجود آید تا یک کمیته مشترک تشکیل دهیم. هدف، شناسایی و انتشار این ذخایر است. این جانب ضمن اعلام آمادگی برای تشکیل این کمیته، اظهار تأسف کردم که چرا دیر به برادران یمنی رسیدیم. سپس از ایشان دعوت کردم تا

اخذ اجازه روایت از آنان شده بود، یادآور شدم: هدف مادر واقع حفظ و حراست از میراث علمی مکتوب اسلامی است، و نهایتاً، شناساندن این گنجینه‌ها به علاقه‌مندان و پژوهشگران جهان اسلام است. آن‌گاه ادامه دادم: در حال حاضر در تدارک تهیه و تدوین یک دائرةالمعارف تخصصی هستیم که در برگیرنده تاریخچه کتابخانه‌های اسلامی در جهان است. سپس از وزیر خواستم تا در جهت همکاری با وزیر اوقاف در خصوص کتابخانه همگام شوند.

انجام نشد. تنها توانستم فهرست تعدادی از نسخه های خطی نفیس را که در کتابخانه ها، به ویژه المكتبة الشریقة، دیده بودم تنظیم کنم و ان شاء الله در آینده برای چاپ آماده سازم.

جهت آشنایی با کتابخانه و امکانات آن و نیز طرح های آینده به ایران سفر کند. ایشان اظهار داشت: من تا کنون ایران را ندیده ام و آمادگی دارم تا به ایران بیایم. در پایان این دیدار چند جلد کتاب از انتشارات کتابخانه به ایشان هدیه کردم.



همراه سفیر و همه اعضای سفارت جمهوری اسلامی ایران در صنعا، در محل سفارت

بعد از ظهر، طبق برنامه، به دیدار علامه شیخ احمد محمد زبارة مفتی عام ۹۵ ساله یمن رفتیم. در این دیدار آقای مفتی خاطرات خود و مرحوم پدرش را که با مرحوم والد (ره) داشته اند و نیز اجازاتی که علمای زیدی به مرحوم والد داده اند یاد آور شد. پس از مذاکره در خصوص کتاب و آثار علمای اسلام، آقای مفتی به پاس خدمات مرحوم والد (ره) یک اجازه روایت برای نقل احادیث زیدی به این جانب اهدا کرد که تصویر آن ذیلاً آمده است.

سرانجام روز چهارشنبه با بدرقه تنی چند از مسئولان یمن و نیز سفیر جمهوری اسلامی ایران در فرودگاه صنعا، از طریق دوی عازم تهران شدیم. در توقف چند ساعته در دوی، مورد استقبال و پذیرایی گرم کارکنان کنسولگری ایران قرار گرفتیم و سرانجام به تهران بازگشتیم.

روز سه شنبه ۷۶/۱۰/۹ با آغاز ماه مبارک رمضان در یمن، ادارات به حالت نیمه تعطیل درآمد و در حقیقت کار رسمی

در حاشیه برنامه های رسمی و ملاقات با مسئولان یمن، این جانب با تنی چند از نویسندگان و کتابشناسان و محققان ملاقات هایی داشتم. در این ملاقاتها دوتن از آنان کار بسیار بزرگ و ارزشمندی در خصوص نسخه های خطی موجود در کتابخانه های خصوصی یمن انجام داده بودند که پس از مذاکره، تصاویر تعدادی از فهرست آنان را در اختیار این جانب گذاشتند تا به یاری خداوند در آینده با همکاری آنان چاپ شود. عنوان یکی از این مجموعه ها چنین است: التراث الاسلامی فی المكتبات الخاصة باليمن، در چهار مجلد. در کتابخانه های خصوصی یمن نسخه های بسیار نفیسی وجود دارد؛ از جمله چندین جلد از تفسیر التهذیب، از حاکم جشمی، محسن بن کرامه: ۱. جلد ۲، مورخ سال ۸۰۶ ق؛ ۲. جلد ۲، مورخ سده ششم قمری؛ ۳. جلد ۳، مورخ ۶۷۳ ق؛ ۴. جلد ۸، مورخ ۶۸۵؛ ۵. جلد ۹، مورخ ۶۸۵؛ ۶. عقود العقیان فی الناسخ و المنسوخ من القرآن، از محمد بن المطهر، مورخ ۷۳۷ ق، دارای اجازه ای به خط فرزند مؤلف، مورخ سال ۷۲۷ ق.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
 REPUBLIC OF YEMEN
 CASUISTRY HOUSE
 THE GRAND MOFTI



الجمهوریة الیمنیة
 دار الافتاء
 المسی قلم

تاریخ : _____
 شرفاً بزیا ره مولانا الامام الحدید محمود بن سید الدین
 الحجتی المرعشی للین و شرفتی بالزبارة (السنه) بم الاشبئی
 ۲۹ شعبان ۱۴۱۶ هـ موجدته علامه کبیراً مدکراً بر او
 المعظیم و اسلافه و ابنته المذهب المحقر
 دسین ان شرفت بزبارة والد فی سبته و اهدان کتبه درات
 الایمه و الاثار شرف بالاجازه لاجناب المعمره محمود بن سید الدین
 بر صبح مروان و مسواقی بالزاده در الاماره مرشاً تحتاً و جمع
 الکتب منها ماضنه (انحاء الابر) لشیخ الاسلام الشولان
 والاخ المعمره محمود اجل مالم عرفته و اهدان کتبه کثیراً مرکباً و الا
 و عبره احسنه ابیه و جراه جبراً و متواصی بالرضا

المولانا الحدید المرعشی
 قلم



اجازة امام یحیی به اینجانب

و بسیاری دیگر که گزارش تمامی نسخه‌های نفیس آن در این مختصر میسر نیست.



به هنگام ملاقات با مفتی عام یمن، علامه شیخ احمد محمد زبارة در منزل ایشان

مؤسس و بنیانگذار کتابخانه و نیز متولی آن - می‌نویسد: کشور یمن پذیرای یکی از کارشناسان مهم مخطوطات بوده است. در قسمتی از این مصاحبه، به این عناوین برمی‌خوریم:
پدر بزرگووارم پانزده اجازه روایت از علمای یمن دارد؛ پدر بزرگووارم وصیت کرده است که زیر پای محققان علوم آل محمد (ص) دفن شود؛
همچنین با تیتیر درشت و به نقل از تولیت کتابخانه نوشته است: هنگامی که این همه مخطوطات را در یمن یافتیم، احساس کردم که بسیار دیر به این دیار آمدم.

انعکاس سفر هیئت ایرانی در رسانه‌های یمن

روزنامه‌ها و هفته‌نامه‌های مهم یمن، اخبار سفر متولی کتابخانه را منعکس ساختند و تعدادی از آنها با ایشان مصاحبه کردند که خلاصه‌ای از آنها را می‌آوریم:
هفته‌نامه البلاغ در تاریخ ۷۶/۱۰/۲۶ با تیتیر درشت نوشته است: ایران مرمت و فهرست‌نویسی نسخه‌های خطی یمن را به عهده گرفته است. این هفته‌نامه در ادامه می‌نویسد: دکتر مرعشی، متخصصان کتابخانه بزرگ آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی را در قسمتهای فهرست‌نویسی خطی و میکروفیلم به یمن اعزام خواهد کرد.

روزنامه الثورة در تاریخ ۷۶/۱۰/۹ از زبان وزیر فرهنگ و جهانگردی یمن آقای عبدالملک منصور می‌نویسد: ما خواهان تحکیم روابط میان دارالمخطوطات یمن و کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی که یکی از بزرگترین کتابخانه‌های جهان است، هستیم.

همین روزنامه در تاریخ ۷۶/۱۰/۷ آورده است که این توافقتنامه حاصل یادداشت منعقد شده بین دو کشور در گفت و گوی اوایل سال جاری در تهران است.

هفته‌نامه الامة در شماره ۳۷ در مقدمه گفت و گوی مشروح خود که با تولیت کتابخانه انجام داده - ضمن چاپ تصویر مبارک

الدكتور / محمود مرعشى يتحدث لادامة، :

لوالدي خمسة عشر إجازة من علماء اليمن

أن تكون على ارتباط أوثق بهذا البلد لنستفيد من هذا الكم الهائل من الطلوع .
 ○ ماذا عن طبيعة زيارتكم لليمن ولللقاءات التي أجريتموها والزيارات التي قمتم بها أثناء تواجدهم منا ؟ وماهي نتائج البحوث التي توصلتم إليها ؟
 ● نحن بحمد الله عندما وصلنا إلى هذا البلد استقبلنا استقبالاً جيداً ولقد جلسنا مع المسؤولين وناقشنا معهم القضايا المشتركة على الصعيد الثقافي وكان لنا لقاء مع معالي العلامة أحمد الشامي وزير الأوقاف وتباحثنا معه حول الإرشاط مع هذه الوزارة والعمل مع الوزارة والإقسام المختلفة وخاصة في جانب المخطوطات حيث اتفقتنا أن ياتي دارسون من الجمهورية اليمنية ليتعلموا عننا في ورشات العمل في مكتبنا وأيضاً يسافر خبراء من الجمهورية الإسلامية الإيرانية إلى اليمن للدراسة والتحقيق حول المخطوطات وأيضاً هناك إشفاقات إن شاء الله بان تتعلم في المستقبل .

وفي مقابلتنا مع الأستاذ عبدالملك منصور وزير الثقافة والسياحة اتفقتنا على إقامة تعاون فيما بيننا لحفظ وصيانة وترميم هذا الكم الهائل من التراث الإسلامي وإن شاء الله سوف اعود في الشهر القادم في سياق التعاون حول التراث وللحرص على عدم تبخره وهدره واتعهدنا لأن هناك اياه خبيثة تريد أن تدمر هذا التراث الإسلامي وتتأخذ من أيدي المسلمين فيجب المحافظة عليه وصيانتة بالإقامة عليه وجمعه وفهرسته والطرق المعمولة لحفظ الكتب لتكون للأجيال القادمة ليستفيد منها العالم الإسلامي ككل . وكانت لي مقابلات مع كثير من العلماء منهم العلامة المفتي ولقد كانت له علاقات مع المرحوم والذي ويجب أن يتبادل العلماء الزيارة فيما بينهم وجمع الذين زرعهم وجهت لهم الدعوة لزيارتنا وسنواصل فيما بيننا وسنكون على تواصل مستمر لخبر الشيعيين ولخبر العلماء . ومن جملة أنشطة مكتبة المرعشي في قم طبعنا كتاب

إيران تبني ترميم المخطوطات في اليمن وصيانتها ونشرها
 أدى الوفد الإيراني استعداد بلاده لتبني ترميم المخطوطات في بلدنا وصيانتها ونشرها في مجال تخصصنا وصيانة المخطوطات المتواجدة في الأوقاف الإيرانية وكان ذلك في لقاء الوفد الذي يقود المخطوطات الإيرانية مع العلامة / أحمد محمد الشامي وزير الأوقاف الإيرانية في صنعاء

آية الله العظمى شهاب الدين المرعشى النجفي في سطور :-



● ولد في النجف الأشرف سنة ١٢١٥ هـ .
 ● يتصل نسبه الشريف بالإمام زين العابدين علي بن الحسين بن علي بن أبي طالب عليهم السلام .
 ● تلقى دروسه في النجف الأشرف على فطاحل العلم والفضل مثل الآية العظمى الشيخ ضياء الدين العراقي وفي طهران وقم أمثال المؤسس للحوزة العلمية الآية العظمى الشيخ عبدالكريم الحائري .
 ● بعد من المدرسين العظام في حوزة قم الكبرى .
 ● طبع أول رسالة علمية له سنة ١٢٧٠ هـ .
 ● اشتهر بالورع والزهد والتقوى والكرم حتى أصبح يضرب به المثل .
 ● أسس العديد من المشاريع الاجتماعية والثقافية .
 ● أعظمها مكتبة الجامعة في قم .
 ● توفي ليلة الخميس سنة ١٤١١ هـ عن عمر يناهز ٩٦ عاماً .
 ● دفن بجوار مكتبة الجامعة

○ ارد ان تعطونا نبذة مختصرة عن شخصكم طيبة العمل الذي تقومون به الآن وعن والدكم العلامة المرعشي ؟
 ● بسم الله الرحمن الرحيم أنا السيد محمود مرعشي ابن المرحوم آية الله السيد شهاب الدين الحسيني المرعشي النجفي الذي توفي قبل سبع سنوات ونصف ودفن حسب وصيته في مكتبته الخاصة التي أصبحت الآن مكتبة عامة لاستفادة الأمة . المرحوم آية الله المرعشي كان من المراجع الكبار الشيعية وكان له مقلدون في جميع المحافظات الإيرانية وحتى خارج إيران والدول الأخرى .
 وكان والدنا آية الله المرعشي أحد العلماء الذين كانوا في أثناء ثورة الإمام الخميني من المراجع الكبار الذين كانوا ممن يصرون للثاوي والبيانات التي يؤيدون بها الإمام الخميني ، وكانوا من المناهضين للشاه ومن الداعمين لثورة الإمام الخميني ، وهو من القلة من العلماء العظام في قم الذين كانوا يصرون بالبيانات وعندما كانت تصدر هذه البيانات كان الناس يبيعونها وكانوا يناهضون الشاه وكانوا يجمعون نهج الإمام الخميني في مناهضة الشاه .

مبحث أوجه التعاون الإيراني في مجال المخطوطات
 صنعاء / سما / التقى الاخ / عبدالملك منصور وزير الثقافة والسياحة أمس وفد لجنة الأوقاف الإيرانية برئاسة العلامة الشامي في زيارة العمل والدراسة في مجال المخطوطات على يد السيد المرعشي .
 وخلال اللقاء تم بحث أوجه التعاون بين البلدين في مجال الثقافة وعلى وجه الخصوص تبادل الخبرات في مجال المخطوطات لما تتميز به من أهمية كنهانها ثقافية وتاريخية نابغة .
 وقد اقر الوفد عن اهتمام الجانب الإيراني بتطوير وسائل العلاقات الثقافية الإيرانية في هذا المجال وكذا استعدادهم لتبادل الخبرات .
 بدوره أكد الاخ الوزير على ضرورة توفير المخطوطات بهذا الصدد لتشكيل لجنة مختصة بالتحقق من هذه المخطوطات ووضع التصورات التنفيذية ومتابعة العمل في الجمهورية الإسلامية والتي تعد من أكبر المؤسسات الثقافية الإسلامية .
 حضر اللقاء الاخ / مطهر تقوي وكيل الوزارة لقطاع السياحة والاخ / مرتضى رحيمي السفير الإيراني بمصنعاء .

تم الاتفاق على تشكيل لجنة مشتركة للحفاظ على المخطوطات وترميم الآثار
 تم الاتفاق على تشكيل لجنة مشتركة للحفاظ على المخطوطات وترميم الآثار الإيرانية في صنعاء .
 حضر الاجتماع ممثلو الجانبين من إيران: السيد المرعشي النجفي ، والسيد رحيمي ، والسيد تقوي ، والسيد رحيمي ، والسيد تقوي ، والسيد رحيمي .
 من الجانب اليمني: السيد منصور ، السيد رحيمي ، السيد تقوي ، السيد رحيمي .
 تم الاتفاق على تشكيل لجنة مشتركة للحفاظ على المخطوطات وترميم الآثار الإيرانية في صنعاء .

مبحث التعاون الإيراني في مجال ترميم وصيانة المخطوطات
 التقى الاخ احمد محمد الشامي وزير الأوقاف والإرشاد امس بالوفد الإيراني برئاسة الدكتور / محمود مرعشي مدير مكتبة آية الله مرعشي والسفير مرتضى رحيمي سفير جمهورية ايران الإسلامية الشقيقة بصنعاء حيث تناول اللقاء بحث أوجه التعاون بين البلدين في مجال الأوقاف والإرشاد وفقاً لمذكرة التعاون الموقعة بين البلدين في طهران وفي اللقاء ابدى مدير المكتبة استعداده لتبني ترميم المخطوطات في اليمن وصيانتها وفهرستها وذلك بأرسال خبراء في هذا المجال وكذا خبراء في مجال تشغيل وصيانة المكر وفلم التابع للوزارة هذا وقد قدم مدير المكتبة دعوة للاح الوزير وذلك لزيارة المكتبة الكبرى في إيران ومن جانبها شكر الاخ الوزير هذا التعاون المثمر من قبل الإشفاء في إيران وعقب ذلك قام الوفد الإيراني بزيارة مكتبة الجامع الكبير حيث اطلع على معالم الحضارة اليمنية وماتزخريه المخطوطات في المكتبة من كنوز عريقة .

اخبار

عملکرد سال ۱۳۷۶

کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی - قدس سره -

۱. تشرّف ریاست و تولیت کتابخانه به محضر مقام معظم رهبری و تسلیم گزارشی از عملکرد و وضعیت کتابخانه.
۲. ارسال پیام تبریک به ریاست جمهور، معاونان و وزرای جدید.
۳. هماهنگی برای شرکت و برگزاری بعضی از دوره‌های آموزشی.
۴. آموزش آفت‌زدایی و مرمت اسناد به یکی از اتباع ازبکستان.
۵. تجهیز کتابخانه به دستگاه پویشگر (اسکنر).
۶. شرکت ریاست کتابخانه در کنفرانس بین‌المللی مالکوم در انگلستان.
۷. اهدای کتاب به فرزندان کارکنان کتابخانه به منظور گسترش فرهنگ کتابخوانی.
۸. شرکت در مصاحبه تلویزیونی «صبح به خیر ایران» و دیگر گروه‌های صدا و سیما و مطبوعات.
۹. مکاتبه با دانشگاه کمبریج به منظور اصلاح نام جعلی «خلیج عربی» در دائرةالمعارف بریتانیا و پذیرش امر از سوی آن دانشگاه.
۱۰. ارسال و اهدای کتاب به مراکز و اشخاص فرهنگی.
۱۱. برگزاری مراسم هفتمین سالگرد ارتحال آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی - قدس سره -
۱۲. برگزاری مراسم ایام‌الله: دهه محرم، دهه صفر، لیالی قدر و ایام فاطمیه.
۱۳. تقدیر از سه تن از بازنشستگان کتابخانه.
۱۴. انتشار و چاپ فصلنامه شهاب.
۱۵. انجام خدمات رایگان به اعضای عمومی و محققان کتابخانه.
۱۶. پیگیری امور تأسیس شعبه کتابخانه در تهران.
۱۷. پیگیری وصول اعتبارات اختصاصی کتابخانه.
۱۸. خرید ۷۱۶ جلد نسخه خطی نفیس.
۱۹. پذیرش اهدایی ۱۶۵ نسخه کتاب خطی.
۲۰. همکاری با مراکز علمی و کتابخانه‌های داخل و خارج کشور.
۲۱. آموزش فهرست‌نگاری کتب خطی به کارشناس مرکز شرق‌شناسی ابوریحان بیرونی ازبکستان.
۲۲. همکاری با سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در برپایی نمایشگاه اهل‌بیت (ع) در حاشیه کنفرانس اهل‌بیت (ع).
۲۳. پیگیری اجرای پروژه جدید کتابخانه.
۲۴. پیگیری معرفی کتابخانه در کتب درسی دوره متوسطه.
۲۵. شرکت در نمایشگاه خطی قرآن کریم در حاشیه اجلاس سران کنفرانس اسلامی در تهران.
۲۶. اعزام نوبتی همکاران به سفر زیارتی سوریه.
۲۷. دیدار ریاست کتابخانه با ریاست مجلس شورای اسلامی.
۲۸. جلسه ریاست کتابخانه با ریاست سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی.
۲۹. عقد چندین قرارداد فرهنگی با چندین مؤسسه خارجی (با هماهنگی مقامات رسمی ایران).
۳۰. عزیمت ریاست کتابخانه به کشور جمهوری یمن برای بررسی مخطوطات آن کشور.
۳۱. تشکیل جلسات امنیتی برای کارکنان حفاظتی و تأسیساتی و فتی کتابخانه.
۳۲. اجرای طرح سرویس دهی لیالی ماه مبارک رمضان.
۳۳. اجرای طرح بازدید هفتگی اعضای مطالعه‌کننده کتابخانه از مجموعه داخلی گنجینه خطی.
۳۴. حضور در نمایشگاه سازمان مدارس و حوزه‌های علمیّه خارج از کشور.
۳۵. انجام مسابقه کتابخوانی برای همکاران غیرروحانی کتابخانه و اهدای سکه بهار آزادی به برندگان آن.

۳۶. اهدای جوایزی به فرزندان دانش آموز ممتاز کارکنان و همچنین فرزندان متولد دهه فجر.
۳۷. بازدید همکاران فنی کتابخانه از شرکتها و سازمانهای مربوطه.
۳۸. هماهنگی برای بازدید ۷۱ هیئت خارجی از کتابخانه.
۳۹. هماهنگی برای بازدید ۱۵۰ هیئت داخلی از کتابخانه.
۴۰. همکاری با مسئولان برگزار کننده کنفرانس سادات در ایتالیا و ارسال مقالاتی برای آنها.
۴۱. مصاحبه ریاست کتابخانه با شبکه دوم تلویزیون ایتالیا.
۴۲. برگزاری جلسه تودیع با قائم مقام کتابخانه.
۴۳. اجرای طرح خرید اقساطی کتاب برای کارکنان روحانی کتابخانه.
۴۴. آموزش کارورزی به معرفی شدگان مؤسسات و دانشگاهها.
۴۵. شرکت کارکنان در جشن نیکوکاری. (مبلغ ۱/۵۶۰/۰۰۰ ریال به حساب کمیته امداد امام خمینی (ره) واریز گردید.)
۴۶. سفر متولی کتابخانه به کشور مالزی و برقراری همکاری کتابخانه با مراکز فرهنگی آن کشور.

آمار سال ۱۳۷۶

کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمی

مرعشی نجفی - قدس سره -

گنجینه نسخه های خطی

۱. مجموع نسخه های خطی خریداری شده ۷۱۱ جلد
۲. مجموع نسخه های خطی اهدایی ۱۶۱
۳. مجموع کل نسخه های خطی موجود ۲۸۵۶۵ مجلد بالغ بر ۵۵۰۰۰ عنوان

واحد میکروگرافی

۱. مجموع نسخه های خطی میکرو فیلم شده ۳۹۴ نسخه
۲. مجموع عناوین پویش شده ۱۴۳ عنوان
۳. مجموع میکرو فیلمهای دوبلیکیت شده ۸۳۱ حلقه
۴. مجموع میکرو فیلمهای پردازش شده ۱۳۹۱ حلقه
۵. مجموع عکسهای گرفته شده برای بایگانی ۷۷۱ قطعه
۶. مجموع ساعات فیلمبرداری شده ۲۳۵ دقیقه
۷. مجموع نسخه های خطی شماره گذاری شده ۳۹۳ نسخه
۸. مجموع پذیرایی از میهمانان بازدید کننده ۱۳۱ گروه

واحد مرمت

۱. مجموع نسخه های خطی ضد عفونی شده ۲۳۰۱ جلد
۲. مجموع شارژ دستگاههای آفت زدایی ۲۵ مرحله
۳. مجموع رنگ نمودن کاغذ برای ترمیم ۵ مرحله
۴. مجموع نسخه های خطی عملیات شده ۳۱۵ جلد
۵. مجموع ساعات آموزش دیده شده ۲۳۰ ساعت
۶. مجموع پذیرش میهمانان بازدید کننده ۱۳۱ گروه

مخزن کتب عکسی

۱. مجموع کتب عکسی سرویس داده شده ۶۰۱ جلد
۲. مجموع کتب عکسی وارده ۱۵۰ جلد

مخزن کتب لاتین

۱. مجموع کتب ثبت شده ۶۱۵ جلد
۲. مجموع کتب آماده سازی شده ۱۲۳۴ جلد

واحد دبیرخانه

۱. مجموع مکاتبات داخلی و خارجی ۶۸۵۰ مورد
۲. مجموع ثبت سوابق در دفتر و بانک اطلاعات رایانه ای ۶۸۵۰ مورد

واحد ویژه محققان

۱. مجموع کارتهای ویژه صادره ۱۹۴ مورد
۲. مجموع سرویس دهی اطلاعات رایانه ای ۲۸۶۳۰ مورد
۳. مجموع نسخ خطی تصویربرداری شده برای اشخاص ۱۱۶۰۹ برگ
۴. مجموع کتب سرویس داده شده ۱۱۴۳۷ جلد

واحد رایانه

۱. مجموع اطلاعات داده شده رایانه ای ۲۵۰۹۰۸ مورد
۲. مجموع سفارش کتاب ۸۹۱۵۷ مورد
۳. مجموع صدور کارت عضویت ۶۴۵۹ مورد
- توضیح اینکه از آغاز سال ۷۷ این واحد در واحد اطلاع رسانی کتابخانه ادغام خواهد شد.

مخزن کتب چاپی

۱. مجموع کتب سرویس داده شده ۷۶۰۵۷ جلد

واحد دائرة المعارف

۷. تحفة لب اللباب في الانساب، از ضامن بن شدم الحسيني المدني.
 ۸. الاصيلي في انساب الطالبين، از ابن الطقطقي.
 ۹. مرآة الكتب، جلد ۲، از ثقة الاسلام تبریزی.
 ۱۰. مثنوی ملاصدرا.
 ۱۱. وقعة صفین، از نصر بن مزاحم، چاپ دوم.
 ۱۲. قیسات، از سید عادل علوی، چاپ سوم.
 ۱۳. فهرست نسخه‌های خطی موجود در ولایت بدخشان تاجیکستان، ترجمه قدرت بیگ ایلچی.
 ۱۴. فصلنامه شهاب، چهار شماره.
- ضمناً در سال ۱۳۷۶ تعداد ۴۵۴۳ مجلد کتاب چاپی متفرقه به بهای ۵۶۵۶۰۵۰۰ ریال از سوی کتابخانه به کتابخانه‌های مختلف در سطح کشور و خارج از کشور اهدا گردیده است.

۱. مجموع تشکیل جلسات مشاوره علمی ۹۱ جلسه
۲. مجموع عنوان نویسی شناسه‌ها ۷۴۱۶ عنوان
۳. مجموع شناسه نویسی از اسامی کتابخانه‌ها ۴۹۹۱ برگ
۴. مجموع تفکیک عناوین دائرة المعارف از میان شناسه‌ها ۱۰۰ عنوان
۵. مجموع شناسه‌های استخراج شده تا کنون ۴۴۴۵۸۲ برگ
۶. مجموع فهرست نویسی کتب وارده ۲۶۶ جلد
۷. مجموع تألیف، ویرایش و ترجمه مقالات ۱۸ مورد

واحد صحافی

۱. مجموع کتب چاپی صحافی شده ۴۶۷۱

واحد اطلاع رسانی و خدمات فنی

۱. مجموع کتابها و نشریات ثبت شده ۴۴۸۷۴ شماره
۲. مجموع کتب غیر لاتین آماده سازی شده ۵۹۲۳ جلد
۳. مجموع فهرست نویسی کتب چاپی ۷۶۴۷۷ جلد
۴. مجموع فهرست نویسی نشریات ۲۸۱ عنوان
۵. مجموع ایجاد داده‌ها در پایگاه کتب چاپی غیر لاتین ۵۳۲۱۳ رکورد
۶. مجموع ایجاد داده‌ها در پایگاه ثبت کل و اعلام وصول ۱۴۷۵۰ رکورد
۷. مجموع تصحیح داده‌ها در پایگاه کتب چاپی غیر لاتین ۴۰۸۴۱ رکورد
۸. مجموع برگه آرایي ۵۷۴ ساعت
۹. مجموع برنامه نویسی، باگ زدایی و به هنگام سازی ۱۷۹ ساعت

واحد انتشارات

- عنوانهای منتشر شده در سال ۱۳۷۶ از سوی کتابخانه:
۱. ملحقات الاحقاق، جلد ۳۲، از آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره).
 ۲. ملحقات الاحقاق، جلد ۳۳، از آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره).
 ۳. میراث اسلامی ایران، دفتر ۴، به کوشش رسول جعفریان.
 ۴. میراث اسلامی ایران، دفتر ۵، به کوشش رسول جعفریان.
 ۵. میراث اسلامی ایران، دفتر ۶، به کوشش رسول جعفریان.
 ۶. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه، جلد ۲۷.

توافقنامه میان کتابخانه و وزارت امور خارجه

با عنایت به قراردادهای شماره ۳/۲۱۹۶-۳۰۱۵ و ۲۳۳۸/۱۳۷۴/۸/۲۲ و ۱۳۷۴/۸/۱۶ میان نمایندگیهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران در تاشکند و دوشنبه با انستیتوی شرقشناسی ابوریحان بیرونی (ازبکستان) و انستیتوی آثار خطی (تاجیکستان) و نظر به اجرای بخشی از پروژه‌های فهرست نویسی مخطوطات موجود در این دو مرکز از سوی دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، چون ادامه این کار نیاز به همراهی مراکز تخصصی در زمینه نسخ خطی دارد، فلذا توافقنامه زیر میان دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه که از این پس دفتر و کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی در قم که از این پس کتابخانه نامیده می شود، به منظور ادامه کار و انجام تعهدات، منعقد می گردد.

۱. با توجه به مطالب مندرج در اصل قراردادهای منعقد شده از این پس کتابخانه تقبل می نماید در قبال اخذ رسید نسبت به بازپرداخت اصل و جوهی که از سوی نمایندگیهای سیاسی جمهوری اسلامی پس از اتمام کار فهرست برداری جلد دوم آثار تاجیکی توسط کارشناسان تاجیک زیر نظر آقای امریزدان علی مردان و بخش دوم از جلد اول آثار ازبکی توسط فهرست نگاران ازبک زیر نظر آقای عصام الدین ارونبایف پرداخت شده است به این دفتر اقدام و همچنین پس از پایان این دو بخش، این روش را در خصوص مجلدات بعدی نیز بر اساس اصل قراردادها دنبال نماید.
- لازم به توضیح است که بر اساس توافقات انجام شده

و میزان کارکردی که تا کنون توسط فهرست‌نگاران از بک و تاجیک عملی گردیده، کتابخانه تقریباً بایستی در هر سال امکان پرداخت حداکثر ۲۵۰۰ دلار بر اساس حجم کار را داشته باشد.

۲. دفتر متعهد می‌گردد ضمن حفظ ارتباط کتابخانه با نمایندگان تاشکند و دوشنبه نسبت به اعزام کارشناس مربوطه (ناظر ایرانی) که با موافقت طرفین برای تشکیل کمیته کاری انتخاب می‌شود اقدام نموده و پس از اتمام کار مطابقت اصل آثار و فیشهای تهیه شده توسط کمیته مزبور، مجموعه آماده شده را به جهت چاپ در اختیار کتابخانه قرار دهد.

۳. کتابخانه متعهد می‌گردد حداکثر پس از طی سه ماه از دریافت مجموعه یادشده در بند ۲ نسبت به انتشار آن اقدام نماید. (البته لازم به توضیح است که کار بازننگری و تصحیح متن حروفچینی شده به عهده ناظر ایرانی و فهرست‌نگاران مربوطه خواهد بود.)

۴. کتابخانه متعهد می‌گردد پس از چاپ تعداد صد نسخه از فهرست ازبکی و پنجاه نسخه از فهرست تاجیکی را بر اساس مفاد قراردادهای اصلی در اختیار دفتر قرار دهد.

۵. دفتر متعهد می‌گردد پس از دریافت کتب موضوع بند ۴ نسبت به ارسال آن برای مراکز یاد شده اقدام نماید.

۶. دفتر متعهد می‌شود به جهت ارتباط علمی کتابخانه با مراکز یاد شده، چون بررسی پروژه‌ها، آشنایی با محققان آن مراکز، تبادل میکروفیلم و... نسبت به تسهیل امکان عزیمت (اخذ روایت و...) نماینده معرفی شده کتابخانه به هریک از این دو کشور اقدام لازم را مرعی نماید. البته لازم به ذکر است که کلیه هزینه سفر نمایندگان اعزامی بر عهده کتابخانه خواهد بود.

۷. کار پیگیری و نظارت بر حسن اجرای این توافقنامه بر عهده مدیریت دفتر مطالعات می‌باشد.

۸. هزینه‌های انجام شده در بندهای ۱ و ۳ و ۴ و ۶ بر عهده کتابخانه و بندهای ۲ و ۵ بر عهده دفتر خواهد بود.

سید محمود مرعشی نجفی
متولی و رئیس کتابخانه بزرگ آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی

احمد حاجی حسینی

مدیرکل دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی

خرید نسخه‌های خطی

در زمستان سال ۱۳۷۶، ۱۵۰ نسخه نفیس خطی انتخابی از افراد مختلف خریداری و ۴۳ نسخه دیگر به این کتابخانه اهدا گردید. در این میان، مجموعه‌ای از دووین شعرای مشهور فارسی‌زبان وجود دارد که بسیار قدیمی است و اهمیت ویژه‌ای دارد؛ فهرست برخی از این نسخه‌ها در پی می‌آید:

۱. الوافی، در فروع فقه حنفی، از ابوالبرکات عبداللہ بن احمد بن محمد نسفی، ۷۱۰ ق.

۲. دیوان سلمان ساوجی، ۸۰۴ ق.

۳. دیوان خواجوی کرمانی، سده نهم قمری.

۴. کلیات دیوان فریدالدین عطار نیشابوری، ۸۵۸ ق.

۵. خمسه امیر خسرو دهلوی، ۸۱۱ ق.

۶. هفت اورنگ جامی، سده نهم قمری.

۷. لویح عبدالرحمن جامی، ۹۸۱ ق.

۸. جواهرنامه نظامی، از نظام‌الدین مسعود بن علی ابهری، وزیر معروف سلطان تکش خوارزمشاه، ۵۹۲ ق.

۹. مقامات حریری، سده هشتم قمری.

۱۰. رساله قشیری، از عبدالکریم بن هوازن قشیری، سده هفتم قمری.

۱۱. الصحائف الالهیه، از نجیب‌الدین سمرقندی، ۷۱۱ ق.

۱۲. کفایة التعلیم فی صناعة التنجیم، به فارسی، در نجوم، از ابوالمحامد محمد غزنوی بخارائی، ۷۴۵ ق.

۱۳. انیس الوحده و جلیس الخلوۃ، به فارسی، در محاضرات، از محمود بن محمود حسینی کاشانی معروف به گلستانه، سده هشتم قمری.

۱۴. مجموعه چهار رساله، در لغت و نحو، به فارسی، ۷۴۰ ق.

۱۵. کتاب اخلاق فارسی، سده هفتم قمری.

۱۶. صحیح مسلم، به تصحیح چندتن از علما، ۷۴۲ و ۷۴۳ ق.

۱۷. الکافی فی شرح الهادی، به عربی، در نحو، ۷۸۲ و ۷۸۳ ق.

۱۸. النهایة فی غریب الحدیث و الاثر، ج ۱ و ۲، از مجدالدین مبارک بن محمد الجزری الموصلی، ۷۶۱ ق.

۱۹. مجموعه بحر الوقوف و رساله دیگر، به عربی، در علم حروف، از عبدالرحمن بن محمد حنفی بسطامی، ۸۲۶ ق.

۲۰. تفسیر قرآن، به عربی، از مؤلفی ناشناخته، سده ششم قمری.

۲۱. دعای رول، نسخه‌ای مذهب به طول چهار متر و عرض ده

سانتیمتر.

دیدار پروفیسور اسپازیتو از کتابخانه

آقای پروفیسور جان اسپازیتو رئیس مرکز تفاهم اسلام و مسیحیت و استاد دانشگاه معروف جورج تاون واشنگتن و انجمن مطالعات خاورمیانه امریکای شمالی و شورای امریکا در مطالعات جوامع اسلامی در زمستان سال جاری میهمان کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی - قدس سره - بود. وی که به دعوت رسمی وزارت امور خارجه به کشورمان سفر نموده‌اند، متخصص اسلام، و به ویژه اسلام سیاسی و تأثیر جنبشهای اسلامی از شمال آفریقا تا جنوب شرقی آسیا و از صاحب نظران برجسته امریکایی است که شبکه‌های مهم اروپایی و امریکایی در خصوص تحولات خاورمیانه از وی نقل قول می‌نمایند.

دکتر اسپازیتو که مورد استقبال ریاست و تولیت کتابخانه قرار گرفته بودند، در ابتدای دیدار گفتند: به جهت تأثیری که از سفر قبلی‌ام از کتابخانه شما گرفتم، پیشنهاد نمودم که مجدداً و به طور تخصصی‌تر از کتابخانه شما بازدید نمایم.

وی از سوی رئیس دانشگاه جورج تاون رسماً از متولی کتابخانه درخواست نمود که زمینه ایجاد یک کرسی ثابت شیعه‌شناسی را در آن دانشگاه فراهم نمایند. وی در این مورد گفت: هم اکنون تمام فرقه‌های اسلامی دقیقاً مورد مطالعه محققان و دانشجویان امریکایی است، اما شیعه آن چنان که باید معرفی نشده است، هر چند علمایی از اهل تسنن حاضر هستند که شیعه‌شناسی را تدریس نمایند، اما مسلماً عوارض جانبی آن به سود شیعیان نیست.

وی از وضعیت بودجه اختصاصی امریکا به امور فرهنگی گلایه‌مند بودند و در همین خصوص خواهان توجه مالی فرهنگی ایران نسبت به دانشگاهش شد.

دکتر اسپازیتو از مصاحبه ریاست جمهوری با مردم امریکا به خوبی یاد کرد و گفت: این مصاحبه تأثیر زیادی بر مردم امریکا داشت و همین سفر ما اثرات آن ارتباط فرهنگی است.

دکتر اسپازیتو که از سوی همسرشان (استاد دانشگاه و مدیر سازمانهای اداری) همراهی می‌شد، پس از بازدید از گنجینه عظیم شیعی کتابخانه و قسمتهای مختلف آن، گفتند: «فکر می‌کنم که هیچ کس به اندازه آیت الله مرعشی به کتاب علاقه‌مند نباشد.» وی در دفتر یادبود نوشت: «... تحت تأثیر مجموعه عظیم موجود در کتابخانه قرار گرفتم و انتظار دارم که همه از خدمات معنوی شما بهره‌مند شوند و ما را نیز شامل شود.» دکتر اسپازیتو پس از صرف ناهار با بدرقه مسئولان کتابخانه به دیدار چند ساعته خود پایان داد.

۲۲. اختیارات بدیعی، به فارسی، در طب، از علی بن حسین انصاری، ۸۴۵ ق.

۲۳. تفسیر تبیان، از شیخ طوسی، سده ششم قمری.

۲۴. مثنوی مولوی، ۷۹۵ ق.

۲۵. دیوان کمال الدین اسماعیل اصفهانی، سده هفتم قمری.

رهاورد سفر به مالزی

متولی کتابخانه در نیمه اول اسفندماه ۱۳۷۶ به منظور بازدید از کتابخانه ملی کوآلا لامپور و دیگر کتابخانه‌ها، از جمله کتابخانه دانشکده اندیشه اسلامی - که بنیانگذار آن آقای پروفیسور سید محمد نقیب العطاس است - به مدت پنج روز عازم مالزی شد. در این سفر تعدادی از نسخه‌های بسیار نفیس را مشاهده نمود؛ از جمله کتاب التفهیم بیرونی مورخ سال ۵۹۳ ق در قطع وزیری و خط نسخ که از لحاظ قدمت تاریخ کتابت فوق العاده اهمیت دارد. این نسخه را آقای العطاس شخصاً به ایشان نشان دادند و آن گاه چند جلد از فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشکده را بدین شرح به ایشان هدیه کردند: ۱. فهرست نسخه‌های خطی عربی، دو جلد، چاپ کوآلا لامپور، سال ۱۹۹۴ م؛ ۲. فهرست نسخه‌های خطی فارسی، یک جلد، چاپ ۱۹۹۴ م؛ ۳. فهرست نسخه‌های خطی ترکی، یک جلد، چاپ ۱۹۹۵ م؛ ۴. فهرست نسخه‌های خطی اردو، یک جلد، چاپ ۱۹۹۴ م.

در دیداری که متولی کتابخانه با آقای پروفیسور العطاس و آقای پروفیسور وان معاون ایشان و نیز آقای پروفیسور موسوی کاظمی داشتند، مقرر گردید همکاری فی‌مابین کتابخانه و آن دانشکده - که از اعتبار و شهرت جهانی برخوردار است - بیش از گذشته گسترش یابد؛ به گونه‌ای که آنها یک دسته از کتبی را که در هر سال چاپ می‌کنند برای این کتابخانه ارسال نمایند و ما نیز متقابلاً از انتشارات کتابخانه برای آنان ارسال نمایم. در پایان این دیدار، مقاله مفصلی که به کنگره سادات در ایتالیا ارائه شده بود، به ایشان اهدا گردید. لازم به یاد آوری است که در چند سال اخیر تعدادی از شخصیت‌های برجسته علمی، فرهنگی و سیاسی کشور مالزی، از جمله آقای دکتر ماهاتیر محمد، نخست‌وزیر، و مشاوران ایشان از کتابخانه بازدید کردند که تحسین و اعجاب آنان را برانگیخت.

و چون موفق به شرکت در این کنگره نشدند، آنها را برای خانم اسکارچیا ارسال کردند تا در مجموعه مقالات کنگره چاپ شود. طبق اطلاع خانم اسکارچیا مقالات فوق در جلسات رسمی کنگره قرائت شده است. در نظر است به یاری خداوند این سه مقاله به زودی در قم به چاپ برسد.

خبرهای دیگر

به علت مشکلات ناشی از کمبود اعتبارات به منظور تکمیل و تجهیز ساختمان جدید، افتتاح آن - که قرار بود در بهار سال ۱۳۷۷ صورت گیرد - مجدداً به تأخیر افتاد. در دهه مبارک

فجر، بنا به درخواست مسئولان سازمان حوزه‌ها و مدارس علمیه خارج از کشور از متولی کتابخانه، نمایشگاهی به عنوان جلوه‌هایی از حوزه، در تالار بزرگ مطالعه ساختمان جدید از



پروفسور اسپازیتو، استاد دانشگاه آمریکا و همسرش

کنگره نقش سادات در فرهنگ و تاریخ اسلام

خانم پروفسور ماریا اسکارچیا، استاد برجسته زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه رم، کنگره نقش سادات در فرهنگ و تاریخ اسلام را در روزهای یازدهم تا سیزدهم اسفندماه ۱۳۷۶ در شهر رم برگزار کرد. ایشان از چند ماه قبل از رئیس کتابخانه و حجت الاسلام رجائی و آقای علی رفیعی دعوت به عمل آورد که در این کنگره شرکت کنند و مقالات خود را در این زمینه ارائه کنند. در این کنگره تعدادی از دانشمندان از کشورهای امریکا و اروپا و عربی و آسیا شرکت داشتند و به سخنرانی و ارائه مقالات خود پرداختند. رئیس کتابخانه مقاله مفصلی



برپایی نمایشگاه جلوه‌هایی از حوزه، از سوی مدیریت سازمان مدارس و حوزه‌های علمیه در ساختمان جدید کتابخانه

با عنوان «آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) سرآمد تبارشناسان معاصر و گزارشی از علم نسب» در ۴۵ صفحه، و آقای رجائی مقاله‌ای با عنوان «نقش سادات در فرهنگ و تاریخ اسلام»، و آقای رفیعی، مقاله‌ای با عنوان «پیدایش نقاب‌الاشراف در تاریخ اسلام» به فارسی و انگلیسی تهیه کردند

۷۶/۱۱/۲۶ تا ۷۶/۱۱/۱۹ برگزار گردید و افراد بی شماری از این نمایشگاه بازدید کردند. این نمایشگاه موجب شد تا افرادی زیادی تصور نمایند که کتابخانه جدید آغاز به کار کرده است. لذا یادآوری می‌شود، به یاری خداوند در صورت رفع مشکل، این ساختمان در زمستان سال ۷۷ افتتاح خواهد شد.

و سمرقند برگزار می‌گردد - شرکت کند و مقاله‌ای را تهیه و در کنفرانس قرائت نماید. این دعوت از سوی ایشان مورد موافقت قرار گرفت.

*

همزمان با هفته نیکوکاری و شرکت گسترده عموم مردم خیر در کمک‌رسانی به هموعان، کارکنان فهیم کتابخانه بزرگ حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره) نیز به این دعوت لیبیک گفتند و با هماهنگی دفتر روابط عمومی کتابخانه، مبلغ ۱۵۶۰۰۰۰ ریال را (معادل تقریبی یک روز از حقوق ماهانه) به این امر خداپسندانه اختصاص دادند. مبلغ فوق به حساب ۳۳۳۳ کمیته امداد حضرت امام واریز گردید. ان شاء الله در آینده هیچ نیازمندی وجود نداشته باشد و این گونه احسانها، صرف ترویج دین مبین اسلام شود.

*



بدرود با مردمی که ربع قرن وجود خود را وقف کتابخانه کرد؛
بدرود با حاج محسن مشرف، قائم مقام متولی کتابخانه.

طی مراسمی در روز ۷۶/۱۲/۲۸ طبق معمول هر ساله، متولی و رئیس کتابخانه گزارشی از فعالیت و واحدهای مختلف کتابخانه را برای کارکنان کتابخانه ارائه داد و از یکایک مسئولان مربوطه در خصوص برنامه‌های انجام شده در سال ۷۶ تشکر و قدردانی کرد. در این مراسم از خدمات ۲۴ ساله آقای حاج محسن مشرف، قائم مقام متولی کتابخانه، قدردانی شد. متولی آن‌گاه گزارشی از فعالیتهای نامبرده را در طول خدمت ۲۴ ساله - و علاقه‌ای که بنیانگذار کتابخانه به ایشان داشته است - بیان کرد. در پایان، به رسم یادبود، یک لوح تقدیر و هدایایی به وی تقدیم شد.

*

چند تن از خبرنگاران و فیلمبرداران شبکه دوم تلویزیون ایتالیا به سرپرستی خانم پائولا آنجلیچی روز ۷۶/۱۲/۲۱ با معرفی مدیر کل مطبوعات و رسانه‌های خارجی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از کتابخانه بازدید و با متولی و رئیس کتابخانه به مدت نیم ساعت در خصوص شکل‌گیری کتابخانه و زحمات مرحوم آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره) به گفت و گو پرداختند. متولی کتابخانه گزارش مبسوطی از وضعیت کنونی کتابخانه و واحدهای تابعه آن و طرح جدید که مراحل پایانی آن را می‌گذراند ارائه داد. در نظر است این فیلم از شبکه دوم تلویزیون کشور ایتالیا پخش گردد.

*

در تاریخ ۱۳۷۶/۱۲/۵ طی درخواست کتبی رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران در ترکمنستان از کتابخانه حضرت آیت‌الله مرعشی نجفی (ره) دعوتی رسمی جهت شرکت در پنجمین سمینار تأسیس انستیتوی نسخ خطی ترکمنستان به عمل آمد، که در این راستا، تولیت محترم کتابخانه، آقای سید محمد اصفیائی یکی از کارشناسان مجرب بخش مخطوطات کتابخانه را جهت شرکت در این سمینار معرفی نمودند.

این سمینار در تاریخ ۷۶/۱۲/۲۵ شانزدهم مارس ۱۹۹۸ در کشور ترکمنستان برگزار گردید. نماینده کتابخانه مقاله خود را در این سمینار قرائت نمود. موضوعات مقاله عبارت‌اند از: نقش و کارایی کتاب

خطی در تاریخ و فرهنگ ملل؛ فهرست ملاکهای ارزش کتاب و مشخصات هنری کتاب؛ مکتبهای خط، انواع خطوط و خطاطیهای معروف؛ کتب مصور و مکاتب نقاشی؛ کاربرد تحقیقی نسخ خطی، کتابشناسی فنی و موضوعی.

*

رئیس آکادمی علوم ازبکستان از متولی و رئیس کتابخانه رسماً دعوت کرده است که در کنفرانس بین‌المللی هزار و دویست و بیست و پنجمین سالگرد امام اسماعیل بخاری مؤلف صحیح بخاری - که در سال آینده در شهرهای بخارا

بازتاب دیدار

آقای محمدجعفر معین فر، استاد دانشگاه بارین فرانسه و رئیس تحقیق در مرکز ملی تحقیقات فرانسه: توفیق حاصل شد تا از این کتابخانه عظیم دیدار کنم و حظ فراوان ببرم. به روح پرفتوح بنیانگذار کتابخانه، حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) درود می فرستم و برای فرزندان ایشان و همکارانشان از خداوند بزرگ توفیق روزافزون آرزو مندم.

* * *

دکتر محسن خلجی، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران: همت و صلابت مردانی را دیدم که برای حفظ و اعتلای تمدن بزرگ اسلامی از هیچ کوششی دریغ نکرده اند. آفرین می گویم بر این فکر؛ آفرین می گویم بر این مردان خدا که از ایمان خود برای بنای ساختار فرهنگ بزرگ اسلامی الهام گرفتند. به طور قطع و یقین، خداوند یاور چنین مردانی بوده است که در این زمینه گام برداشته اند. امیدوارم که این بنا و عمل صالح به احسن وجه مورد شناخت دانشجویان و طلاب امت اسلامی قرار گیرد.

* * *

آقای حسن عبدالله الشیخ، مدیر کل و عظم و ارشاد وزارت اوقاف یمن: آنچه در این کتابخانه مورد استفاده امت اسلامی و مراجع علمی قرار می گیرد، با دقت بسیار عالی تنظیم شده است؛ آن هم با امکانات پیشرفته که باعث شده کتابخانه در ردیف بهترین کتابخانه های جهان قرار گیرد و امت اسلامی را در جهان از موهبتی خاص برخوردار گرداند، چرا که این مطلب دلالت می کند بر این که امت اسلامی دارای وحدت در عقیده و سیاست و تشریح هستند. از زحمات شما و دیگر همکارانتان سپاسگزارم و توفیق روزافزون را از خداوند برای شما خواستارم.

* * *

دکتر بهزاد میرهادی، استاد دانشگاه علم و صنعت ایران: ما از تمامی زحمات انجام گرفته در نگهداری و تهیه این آثار با ارزش - که باعث افتخار ملت ایران است - کمال قدردانی خود را ابراز می داریم و به روح مؤسس کتابخانه - که زحمات زیادی را در

صدها دوستدار کتاب از گوشه و کنار، و حتی از چهارسوی جهان، در هر ماه آهنگ دیدار از کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی می کنند؛ باشد که آنچه را شنیده اند، به دیده بنگرند و از نزدیک به دیدن هزاران کتاب خطی و چاپی نفیس و چگونگی نگهداری آنها توفیق یابند. هیچ ماهی سپری نمی شود مگر این که خیل عظیمی از شخصیت های علمی و حقوقی رهسپار قم می شوند و در پی زیارت حضرت فاطمه معصومه (س) آهنگ دیدار از کتابخانه ای می کنند که به یمن وجود آن حضرت پی افکنده و آوازه آن عالمگیر شده است.

مشاهده کتابهای نفیس خطی و چاپی این کتابخانه، چگونگی نگهداری و آسیب زدایی آنها، و نیز ملاحظه بخشهای دیگر کتابخانه، چون گنجینه کتب عکسی، میکروگرافی، فهرست نویسی و... هر بیننده ای را به شور و شغف و شگفتی می آورد. بازتاب کمی از این شور و شغف بینندگان کتابخانه، در دفتر یادبود کتابخانه ضبط و ثبت شده است و به تدریج در این مجله منعکس می شود.

اینک یاد آور می شویم که در زمستان سال ۱۳۷۶، ۵۴ دیدار فردی و گروهی از کتابخانه انجام شد که ۴۱ دیدار آن داخلی و ۱۳ دیدار آن خارجی بود.

بیشتر دیدارکنندگان خارجی از این کشورها بودند: فرانسه، آلمان، بلغارستان، روسیه، قزاقستان، امریکا، یمن، اردن، مصر، زلاندنو، تایلند، پاکستان، هندوستان و سوریه.

دیدارکنندگان داخلی اغلب از این شهرها بودند: تهران، قم، کاشان، یزد، اهواز و بیرجند.

اکثر دیدارکنندگان از استادان دانشگاه و حوزه، دانشجویان و طلاب و شخصیت های حقوقی بودند که تعداد آنها ۲۰۴۸ نفر بود. در ذیل، اظهارات برخی از دیدارکنندگان - که همگی بیانگر شیدایی آنان است - آورده می شود.

دقیق، مجاهد و متعهد، با امساک از بسیاری لذایذ مادی و ظاهری، تلاشی وافر را در جهت خدمت به فرهنگ جهان اسلام، به ویژه ایران اسلامی، ارزانی داشته است. انسان از این همه عظمت و درایت متحیر می ماند و زبان از ابراز آن قاصر است. خداوند روح ملکوتی آن حضرت را با ائمه اطهار (ع) محشور فرماید. با آرزوی گسترش فرهنگ اسلام ناب محمدی (ص) در سرتاسر جهان.

* * *

از طرف مسئولین نمایشگاه سازمان حوزه ها و مدارس خارج از کشور: الله اکبر از این عزم راسخ. الله اکبر از این همت والا. درود و تحیات خداوند متعال به روح مطهر حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) باد. در اهمیت کتاب و کتابخانه همین بس که کتاب، معجزه پیامبرگرمی اسلامی (ص) است. این کتابخانه نیز باقیات صالحات است که از حضرت ایشان به یادگار خواهد ماند.

* * *

آقای انور پیرزاده، استاد دانشگاه، و دانشجویان دانشکده هنر: میراث عظیم فرهنگی، جلوه ای بزرگ از روح بزرگ یکی از عاشقان علم و کتاب، و بوستانهای فرحبخشی از گلها و میوه های فکری عالم بشری است که روح علما و دانش پژوهان و عاشقان علم و معرفت را به اهتزاز درمی آورد. تمامی صاحبان فکر و اندیشه و هنر که با خضوع و تواضع در کنار یکدیگر نشسته اند، به روح پرفتوح مرد بزرگواری که خود نیز در کنار آن آرمیده است درود و صلوات می فرستند. سعیش مقبول، رنجش مشکور و راهش مستدام باد.

* * *

آقای عمر طاهر، روزنامه نگار مؤسسه صحفی الاهرام مصر: خداوند متعال شما را برای نصرت اسلام و انتشار علوم و تقویت عقل انسان توفیق دهد. آنچه را که شما برای امت اسلامی ارائه می دهید، چونان دری شما را به سوی زیباترین مکانهای بهشت جاویدان سوق می دهد.

* * *

خانم امل سرور، نویسنده و دبیر تحریریه مؤسسه صحفی الاهرام مصر: در طول زندگی ام بازدید از این کتابخانه عظیم و بزرگ را - که بستری بزرگ برای استفاده کنندگان خواهد بود - فراموش نخواهم کرد.

* * *

این زمینه متحمل شدند - درود و سلام و صلوات می فرستیم.

* * *

دکتر احمد علی سهرابی، عضو هیئت علمی دانشگاه صنعت و نفت اهواز: افتخار پیدا کردیم که یکی از ذخایر علمی - فرهنگی کشور را - که به همت والای حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) تأسیس شده و مرکز آمال محققان جهان است - زیارت کنیم. ان شاء الله، این روز فراموش نشدنی برای همه ما سرآغاز همکاریهای علمی - فرهنگی باشد، امیدواریم باز هم در آینده ای نه چندان دور شاهد پیشرفتهای عظیم این مجموعه باشیم و افتخاری باشد بر افتخارات گذشته این مرز و بوم.

* * *

دیدار طلاب طرح هجرت دفتر تبلیغات اسلامی به مناسبت ماه مبارک رمضان: به یاری خداوند بزرگ، بازدیدی از کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) به عمل آمد که طلاب حوزه علمیه توانستند از امکانات بالقوه و بالفعل کتابخانه مطلع شوند؛ کتابخانه ای که آن مرد الهی با آن همه زحمت و خون دل آن را فراهم آورده و مزین به خطوط علمای اسلام از قرن پنجم تا قرن حاضر است؛ علمایی چون شیخ طوسی، علامه حلی، شیخ حرّ عاملی، علامه مجلسی، شیخ بهائی، فیض کاشانی و ملاصدرا. و یا از کتابهای مهمی چون جغرافیای ایران که توانسته بسیاری از مناقشات منطقه را پاسخ دهد و یا قانون ابن سینا در طب که موجب مباهات و افتخارات شیعه است. خداوند به تلاشگران کتابخانه - که در جهت ارتقای سطح فرهنگ اسلامی و ملی تلاش می کنند - اجر جزیل عنایت فرماید و مورد توجهات آقا امام زمان (عج) قرار دهد.

* * *

آقای حسن توفیق، سرهنگ دوم پاسدار: افسران ارشد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که از کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) بازدید به عمل آوردند، کتابخانه را معجزه فرهنگی قرن حاضر دانستند که به همت والای مرحوم آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) انجام گرفته است. روحش شاد و راهش پررهر و باد.

* * *

آقای شجاع احمدوند، از طرف اداره کل بازرسی و نظارت بر قیمت و توزیع کالا در قم: مشاهده مناظر زیبا و با طراوات کتابخانه مرحوم آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) - که نشان از جهد بلیغ و عمق اندیشه و درایت حضرت ایشان دارد - انسان را به یاد مظاهر جمال و جلال خداوندی می اندازد. انسانی وارسته،

متعال علو درجات مؤسس کتابخانه، و طول عمر همراه با موفقیت مقام معظم رهبری را خواستاریم.

* * *

آقای سید محمد تقی درهمی از زلاندنو، میهمان اجلاس دهه فجر: منت خدای تبارک و تعالی را که به من ظرف کوچکی عنایت فرمود تا از دریای علم و تقوای این مکان مقدس بهره گیرم.

* * *

آقای عبدالله ماناچیه از تایلند، میهمان اجلاس دهه فجر: به نمایندگی از مؤسسه مطالعات اسلامی تایلند مراتب شرف خود را به خاطر دیدار از کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) ابراز

می دارم. خداوند روح ایشان را قرین رحمت کند که بابتی از ابواب علم امام علی (ع) را به روی ماگشود و مرکزی را برای آموزش اندیشه های اسلام بنیاد نهاد. به امید ظهور عاجل حضرت مهدی (عج).

* * *

آقای الیاس کیت تارای از تایلند: از این که چنین کتابخانه عظیمی را مشاهده کردم بسیار خرسندم.

* * *

آقایان: صالح مصطفی و خلیل حسن بربر، از بلغارستان: از زیارت کتابخانه بسیار مسرور شدیم. این مکان برای جهان اسلام ارزش بسیاری دارد. خداوند این مکان مقدس را حفظ کند.

* * *

حجت الاسلام اکبر فرجام، به نمایندگی از مسئولین غرفه ها در نمایشگاه سازمان حوزه ها و مدارس خارج از کشور: خداوند سبحان را شاکریم به داشتن چنین گنجینه ای با ارزش که با سعی و کوشش مرحوم آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) در شهر قم انجام گرفته است. خداوند متعال ایشان را با اجداد بزرگوارش محشور فرماید.

* * *

آقای محمد حسین ذاکری، مؤسس یادبود حضرت امام خمینی (ره) در کشمیر: کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی را بازدید نمودیم. در این فرصت کوتاه معلومات زیادی به دست آوردیم. خیلی خوشحال شدیم که چنین ملاحظاتی نصیب



خبرنگاران روزنامه الاهرام از مصر

آقای صلاح ابراهیم، عکاس مؤسسه صحفی الاهرام مصر: دوربینها از تصویر گرفتن زیبایی و جمال نسخه های خطی نادر، از جمله قرآن کریم - که در این کتابخانه گردآوری و نگهداری می شود - عاجز است. خداوند را سپاسگزارم که این ذخایر درجایی پسندیده و دارای احترام نگهداری می شود. از خداوند متعال توفیق روزافزون برای دست اندرکاران این مجموعه خواهانم.

* * *

آقای سید محسن سالاری، همراه میهمانان مصری: با صراحت می گویم که وجود این کتابخانه و رئیس آن، جناب آقای دکتر سید محمود مرعشی، گروه خبرنگاران مصری را واقعاً منقلب کرده است. امیدوارم که ایشان در این راه به موفقیت های بیشتری دست یابند.

* * *

آقای ابوالفضل ناهیدیان از امریکا، میهمان اجلاس دهه فجر: خدا را شکر که بر ما منت نهاد و ما را به اسلام آورد و علمای اعلام و حجج اسلام این همه بر ما منت نهاده اند و میراث رسول اکرم (ص) و ائمه اطهار را برای ما نگهداری کرده اند. توفیقات شما را از درگاه احدیت مسئلت دارم.

* * *

آقای حسین پورشکر از قزاقستان، میهمان اجلاس دهه فجر: علمای گرامی اسلام سعیشان تبلیغ مذهب شیعه در میان مردم جهان بود. این امر باعث شد ما هم که در خارج از کشور هستیم مثل آنان در دین و مذهب خود ثابت قدم باشیم. از خداوند

آقای گاریفولین فاتح، رئیس مدرسه‌ای در شهر تیومن روسیه: بعد از سالها خواب که بر اثر رژیم کمونیستی داشتیم، خیلی خوشحالیم که به مکانی آمده‌ایم که سرچشمه‌ای است از آنچه می‌خواستیم.

* * *

پروفسور لوسین ماندوویل، استاد دانشگاه فرانسه: برای آنان که دوستدار کتاب‌اند، نسخه‌های خطی این کتابخانه مورد نیاز است. خداوند آیت‌الله مرعشی را رحمت کند که چنین هدیه‌ای را به بشر تقدیم کرد.



پروفسور لوسین ماندوویل، استاد دانشگاه فرانسه

* * *

حجت الاسلام سید محمد تقی حکیم، مؤسس کتابخانه عمومی حکیم در تهران: توفیق و سعادت نصیب شد و به زیارت این گنجینه نفیس و باارزش - که به همت والای حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره) گردآوری شده - نایل شدم. اطلاعات جالبی مربوط به کتب خطی کسب کردم. از نظم و ترتیب حاکم در آن جا و نحوه اداره آن من جمیع الجهات لذت بردم. با تشکر از مدیریت محترم کتابخانه، حجت الاسلام والمسلمین سید محمود مرعشی و برادران مسئول. امیدوارم روز به روز این مجموعه ارزشمند گسترش یابد و مردم فرهنگدوست ما توفیق بهره‌برداری از آن را داشته باشند و در سطح بین‌المللی، همچون خورشید تابناک و درخشان باشد.

* * *

ما شد. ما از این بازدید مفتخریم و این افتخار را در تمام منطقه خود به سمع اهالی و محققان می‌رسانیم.

* * *

آقای حیدر شیکهر، استاد بخش فارسی دانشگاه پاکستان: کتابخانه‌ای که به دست حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره) بنیان گذاشته شده است، بدون شک بزرگترین کتابخانه‌ای است که گنجینه‌های متعدد دارد. بنده از دیدن آن خیلی خوشحال شدم و استفاده زیادی بردم.

* * *

روحانیون شاغل در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران: با

تشکر از برادرانی که در امر سرویس‌دهی و توضیح در مورد قسمتهای مختلف کتابخانه انجام وظیفه نمودند. این مجموعه گنجینه‌ای است گرانبها و به یاد ماندنی که فقیه عالیقدر حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره) با زحمات بی دریغ بنیاد نهادند. خداوند متعال به ایشان جزای خیر عطا فرماید و با اجداد طاهرینش محشور گرداند.

* * *

از طرف میهمانان گرامی کشور تانزانیا: ما به زیارت کتابخانه حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره) نایل

شدیم و آن را یکی از بزرگترین کتابخانه‌های گیتی یافتیم. ترتیب چیدن تاریخی نسخه‌های خطی، کیفیت نگهداری و کمیت شایسته آنها و بهره‌گیری از شیوه‌های نو فن آوری برای خدمات اطلاع‌رسانی بهینه، از مزایای این کتابخانه است. از این که به چنین سعادت دست یافتیم بسیار خوشحال و خرسندیم.

* * *

آقای علی خاரசف، امام جمعه و خطیب مسجد تالین و مفتی کشورهای بالتیک: از طرف تمامی منطقه سبیری، بالتیک و اورال به این کتابخانه آمده و بازدید نمودیم. امیدواریم که بین مسلمانان ایران و روسیه علاقه‌ها و ارتباطات بیشتری به وجود آید و این ارتباطات با مسلمانان منطقه بالتیک بیشتر شود.

* * *

آقای محمدتقی پاکزاد، معاون اداری و مالی وزارت جهاد سازندگی: در تاریخ ۱۲/۱۲/۷۶ در آستانه بیستمین سالگرد انقلاب اسلامی توفیق بازدید از مجموعه گرانقدر کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) در قم برای بنده و همراهان فراهم شد و موجب سرور و خرسندی مان شد. اقدام خداپسندانه و ماندگار حضرت ایشان، جزء باقیات صالحاتی است که ان شاء الله روح شریف ایشان از ثمرات آن بهره مند خواهد شد. بنده بازدیدهای مختلفی را از مجموعه های مشابه داشتم. به جد می توانم بگویم که اگر این مجموعه، بی نظیر نباشد، قطعاً کم نظیر است. امید است مراجعه کنندگان حق این مجموعه را ادا کنند و با بهره برداری بهینه از این گنجینه، پرچم اسلام را در سرتاسر گیتی برافرازند و از این رهگذر، روح حضرت امام (ره) و ایشان را شاد و موجبات توفیقات هرچه بیشتر را برای انقلاب اسلامی در سرتاسر گیتی به رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه ای - دامت برکاته - فراهم کنند.

* * *

آقای علی اکبر عرب مازار، معاون مالیاتی وزارت اقتصاد و دارایی و رئیس دانشکده اقتصاد: سعادت نصیب شد تا به همراه همکاران از کتابخانه بازدیدی به عمل آوریم. این کتابخانه شجره طیبه ای است که جزء افتخارات جمهوری اسلامی ایران است. خداوند تبارک و تعالی به بانی آن و کسانی که در راه اعتلای آن زحمت می کشند، اجر دنیوی و اخروی عنایت فرماید.

* * *

آقای عبدالحسین رجائی، معاونت آموزشی سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران: خدای را سپاسگزاریم که توفیق بازدید از این گنجینه بسیار مهم فرهنگی را به اتفاق همکاران داشتیم. به حق، کاری که بر اساس صدق و اخلاص صورت گرفته باشد، در پرتو عنایات خداوندی و توجه مسئولان فرهنگدوست رشد و نمو خواهد داشت. به روح پرفتوح حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) و حضرت امام خمینی (ره) درود و رحمت می فرستیم.

* * *

آقای حسن بن علی السقاف القرشی الهاشمی، از علما و نویسندگان اردن: از کتابخانه گرانسنگ مرحوم آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) بازدید نمودم. به جرئت می توانم بگویم تا الان در طول عمرم کتابخانه ای بدین بزرگی و با امکانات پیشرفته ندیده ام. بدون شک این کتابخانه یکی از گنجینه های

مسلمین در جهان است، زیرا آثار دانشمندان - که موجب پیشرفت جوامع و ملل می شود - در این مجموعه نگهداری می شود. از خداوند متعال مسئلت دارم که مؤسس این کتابخانه را در بهشت برین با پیامبران و نبیین و صدیقین و شهدا و صالحین محشور فرماید. برای کسانی که در این کتابخانه انجام وظیفه می کنند، اجر و ثواب اخروی را خواهانم.

* * *

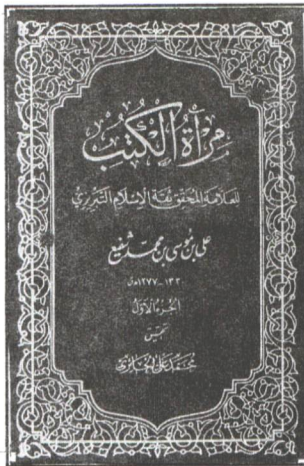
آقای زکی محمود فیاض الحضاوند، از علمای اردن: موجب شغف و خوشحالی من شد وقتی این کتابخانه را زیارت کردم. الحق این کتابخانه یکی از مفاخر امت اسلامی است و بدون شک از گنجینه های منحصر به فرد اسلام و مسلمین در این زمان محسوب می شود. از خداوند مسئلت دارم که به بنیانگذار این مؤسسه بهترین جزاها را عنایت فرماید و مرحوم آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) را با پیغمبر اسلام و اهل بیت عصمت و طهارت و نبیین و صدیقین و شهدا و صالحین در فردوس اعلی محشور فرماید. انه سمیع مجیب. والحمد لله رب العالمین.

* * *

آقای قربانعلی عرفانی: با جمعی از فرماندهان ضد تجاوز در افغانستان، از قسمتهای مختلف کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) دیدن نمودیم. آثار گرانبها و نفیسی در آن مشاهده شد. از دستگاههای پیشرفته در امر نگهداری، آفت زدایی و میکروگرافی بازدید به عمل آمد. خدا را سپاسگزارم که در مرکزیت جهان تشیع، جمهوری اسلامی ایران، چنین آثار گرانبهای دیده می شود. خداوند همه مراجع عالیقدر را برای حوزه های علمیه حفظ کند. در پایان به روح بلند مؤسس کتابخانه، حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) و حضرت امام خمینی (ره) درود می فرستم و برای شیعیان افغانستان آرزوی توفیق و عزت دارم.

نگاهی به مرآة الکتب

محمدصحتی سردرودی



در سال ۱۳۰۸ ق به وطن خویش، تبریز، بازگشت و پس از پدرش پیشوای شیخیه و ثقة الاسلام آذربایجان شد. از آن جاکه مردی بصیر و بینا، دانشوری پارسا و زمانشناس بود، با اعتدال رفتار می‌کرد. با آن که خود از مشروطه خواهان بنام بود، سعی فراوان داشت تا از اختلاف و دو دستگی‌هایی که به نام مشروطه‌چی و مشروعه‌چی یا شیخیه و متشرعه راه انداخته بودند جلوگیری کند. ثقة الاسلام را به آن معنای مذمومی که از شنیدن شیخیه یا اخباریه به ذهنها متبادر می‌شود و بیشتر تداعیگر تعصب و جمود قشریگری است، به هیچ وجه نمی‌توان شیخی یا اخباری خواند.

او هرکه بود، مردی متفکر و آزاداندیش بود که افکارش از غدیرخم سرچشمه می‌گرفت و به عاشورا و کربلا می‌پیوست.

«نویسنده مرآة الکتب، علی بن موسی بن محمدشفیع، مشهور به شهید ثقة الاسلام تبریزی از دانشمندان دینی و قهرمانان ملی ایران است که از مشاهیر محبوب و پرآوازه آذربایجان در انقلاب مشروطیت شناخته شده است. به سال ۱۲۷۷ ق در تبریز تولد یافت. پدرش حاج میرزا موسی ثقة الاسلام هم مانند نیاکان گذشته خویش دانشوری بیدار و دیندار بود که در الغای قرارداد ننگین رژی سخت کوشا بود و در نهضت تنباکو نقش چشمگیری داشت.»^۱

شهید ثقة الاسلام درس دین و آزادگی را بیش از همه در مکتب پدری چنین آگاه و آزاد مرد آموخت، سپس همه علوم مقدماتی را تا شرح لمعه و قوانین، نزد ادیب بنام آن روز آذربایجان، میرزا محمدرضا قره‌داغی تبریزی فرا گرفت.^۲ پس از آن تبریز را به قصد عراق ترک گفت تا به حوزه درس و بحث استادان نام‌آوری چون فاضل اردکانی (۱۳۰۲ق)، میرزا زین‌العابدین مازندرانی (۱۳۰۹ق)، میرزا حبیب‌الله رشتی (۱۳۱۲ق) و شیخ علی بفروئی پیوست و سالیانی را پیش آنان به فراگیری فقه و اصول پرداخت تا به درجه اجتهاد

رسید.

۱. دائرة المعارف تشیع، ج ۵، ص ۲۱۸.

۲. مرآة الکتب، ج ۲، ص ۳۴۶، تحقیق محمدعلی حائری.

اشتیاق به شهادت وجودش را پر ساخته بود و همین نکته مهم در جای جای آثارش می‌توان دید. در کتاب مرآة الکتب هم هرگاه به نام شهدای راه فضیلت می‌رسد، بیشتر از هر امتیازی، به شهادت آنها نظر دارد؛ حتی در ذیل نام شهیدثانی درباره اصطلاح «شهیدثالث» و «شهیدرابع» اشاراتی دارد که حاکی از همان عنایت عاشورایی است.

پس از آن که عمری را در راه ارشاد مردم و مبارزه با استعمارگران، به ویژه در ستیز با اشغالگران روس، سپری ساخت، روز تاسوعای ۱۳۳۰ به دست روسها - که شهر تبریز را اشغال کرده بودند - دستگیر شد و در روز عاشورا همراه هفت تن از یارانش در سربازخانه تبریز به دار کشیده شد. پیش از شهادت، کنسول روسیه با اصرار از ثقة الاسلام خواست که نامه‌ای را امضا کند و گواهی دهد که مجاهدان تبریز آغازگر جنگ با روسیه بوده‌اند، اما وی حاضر نشد شهادت دروغ بدهد، باز کنسول از او خواست نامه دیگری - مبنی بر این که دولت ایران قادر به حفظ کشورش نیست و لازم است ارتش تزاری در خاک ایران بماند - مهر و تأیید کند، اما ایشان مرگ با عزت را بر این ننگ بزرگ ترجیح داد و میثم‌وار به سوی چوبه‌دار شتافت و آخرین کتاب خود را - با عنوان عزت شیعی و استقلال ایران - با خون خود نگاشت.

از آن شهید بزرگوار علاوه بر یادداشت‌های روزانه‌ای که درباره انقلاب مشروطیت نوشته، آثار ماندگار دیگری نیز به یادگار مانده است که عبارت‌اند از: ۱. ایضاح الانباء فی مولد خاتم الانبیاء؛ ۲. مقتل سیدالشهداء علیه السلام؛ ۳. لالان؛ ۴. واکن ملت؛ ۵. اگر ما آذربایجانها غفلت کنیم...؛ ۶. بث الشکوی؛ ۷. تسهیل زیچ؛ ۸. مرآة الکتب؛ ۹. نامه‌ها و مقاله‌هایی که نخست در مجله‌هایی چون المقتطف و الهلال در مصر و روزنامه انجمن تبریز و... در ایران چاپ شده و سپس بخش زیادی از آنها در مجموعه آثار قلمی ثقة الاسلام تجدید چاپ گردیده است.

کتابهای چندی نیز درباره زندگانی و آثار و افکار شهید ثقة الاسلام نوشته شده است که از آن میان کتاب مفصل شهید نیکام ثقة الاسلام تبریزی و یادداشت‌های میرزا اسدالله ضمیری ملازم خاص ثقة الاسلام شهید را می‌توان نام برد. آقای داود الهامی هم

کتاب مستقلی را به نام شهید ثقة الاسلام نوشته و به دست چاپ سپرده است که امید می‌رود به زودی منتشر شود.^۱

در میان آثار قلمی ثقة الاسلام، کتاب مرآة الکتب امتیازهای ویژه‌ای را داراست و بزرگترین اثر علمی شهید خوانده می‌شود. ثقة الاسلام نزدیک به بیست سال از پربارترین سالهای عمرش را در تکمیل این اثر کوشا بوده است. از سال ۱۳۱۱ تا ۱۳۳۰ ق که به شهادت رسید به این کتاب اهتمام داشت؛ یعنی با آن همه مسئولیتهای روحانی، اجتماعی و سیاسی - که شهید نخست به آنها مشغول بود - نوزده سال پایانی عمرش را هم صرف این اثر پربار ساخت. مرآة الکتب نخست به کوشش برادرزاده ثقة الاسلام، آقای عبدالله ثقة الاسلامی در چهار جلد و بین سالهای ۱۳۶۹-۱۳۶۳ ش به تدریج انتشار یافت، ولی از آن جاکه این چاپ تنها از روی دستنوشته‌های شهید، کلیشه شده بود و هیچ‌گونه کاری روی آن انجام نیافته بود، چنان که باید و شاید رواج نیافت و این گنجینه گرانبها همچنان ناشناخته ماند تا این که به پیشنهاد کتابخانه بزرگ آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، محقق محترم آقای محمدعلی حائری به تحقیق آن همت گمارد و کار سترگی را در احیای آن بنیان نهاد. سوگمنده در چهار سال گذشته تنها دو جلد از این کتاب - که فقط شامل نیمی از مقصد اول می‌گردد - به زیور طبع آراسته شده است و محقق محترم تا مقصد دوم، دست کم، یک جلد دیگر فاصله دارد و چون مقصد اول در حکم تصدیر و تمهید است، باید گفت محقق بزرگوار کتاب هنوز در مقدمات کار است و به اصل کتاب - یعنی مقصد دوم - نرسیده است.

نتیجه این که با این همه سعی مشکور، هنوز هم پرده از روی این نگارین نامه شهید برداشته نشده است. از خداوند خواهیم که به محقق گرامی توفیق دهد تا قسمتهای باقی مانده کتاب را - که احتمالاً به ده جلد برسد - تحقیق کند و آماده انتشار سازد.

مرآة الکتب در دو بخش جداگانه و هر یک به ترتیب الفبایی نگاشته شده است. نویسنده بخش نخست را که در تراجم

۱. همان، ج ۱، ص ۹؛ داستان دوستان، ۶۳-۵۸؛ یادداشت‌های میرزا اسدالله ضمیری، به کوشش برادران شکوهی؛ نصرالله فتحی، زندگینامه شهید نیکام ثقة الاسلام تبریزی.

شیعه از میان رفته یا فهرست نشده‌اند، چگونه و چرا؟ ۴. به چه دلیل مرآة الکتب در پی شناسایی کتابهایی است که از سده چهارم به بعد تألیف شده‌اند؟ فصل سوم و چهارم: ۵. مرآة الکتب چگونه و به چه ترتیبی تألیف شده است؟ مؤلف در فصل چهارم به مناسبتی از اثر سترگ شیخ صدوق یاد می‌کند و می‌نویسد: «از کتابهایی که نام آنها با لفظ کتاب شروع می‌شود - مثل کتاب من لایحضره الفقیه - در باب کاف بحث خواهیم کرد.» این در حالی است که هنوز هم بعضی از پژوهشگران نام کتاب یاد شده را یا به صورت ناقص من لایحضره الفقیه و یا به صورت غلط فقیه من لایحضره الفقیه می‌نویسند. از این نکته و نکات مشابه به خوبی می‌توان به دقت نظر و تبحر ثقة الاسلام در کتابشناسی پی برد؛ فصل پنجم: ۶. معرفی منابعی که مؤلف در نوشتن کتاب از آنها سود جسته است؛ ۷. شناسایی برخی از کتابهایی که مؤلف فقط برای انتقاد و تصحیح اشتباههای آنها به آنها مراجعه کرده است؛ ۸. نقد و بررسی کتاب قصص العلماء تنکابنی و تصریح به این که اعتماد به این کتاب روا نیست و کتابهایی از این دست تنها به درد نقد و انتقاد می‌خورد، و به راستی شهید ثقة الاسلام در جای جای مرآة الکتب با انصاف و اعتدال و با دلایل و شواهد محکم این کار را انجام می‌دهد. برای نمونه، به جلد ۱، ص ۱۳۲ و ۴۱۶ مراجعه شود؛ ۹. نقدی بر کتاب مطلع الشمس است و تصریح به این که بر نوشته‌های اعتماد السلطنه چندان اعتمادی نیست؛ خاتمه: ۱۰. در آداب تألیف و نویسندگی است. مؤلف هفت ادب از آداب نویسندگی و پژوهش را عنوان کرده و با آوردن امثال و شواهد لازم، بر رعایت هر کدام و مفید بودن آنها تأکید کرده است؛ ۱۱. از سبک نگارش بعضی کتابها، به ویژه روضات الجنات، انتقاد می‌کند؛ ۱۲. بالاخره از این که نتوانسته همه کتابهای شیعه را نام ببرد، عذرخواهی می‌کند و سخن را به پایان می‌برد.

وی مقصد اول (زندگینامه نویسندگان شیعی) را با فوائد چهارگانه آغاز می‌کند که فائده اول توضیحی است درباره سبک و سیاقی که مؤلف در این بخش در پیش گرفته است و فائده دوم در تعریف اصطلاحاتی چون ثقات و ضعاف و ممدوحین و موثقین است و فائده سوم در چگونگی تشخیص مذهب

و اندکی نیز در رجال است، مقصد اول، و بخش دوم را که در فهرست آثار مکتوب شیعی است، مقصد دوم نامیده است. مؤلف پیش از شروع به مقصد اول، در آمد مفصلی دارد که از یک مقدمه و پنج فصل و یک خاتمه تشکیل شده است. در مقدمه دو دلیل برای ضرورت تألیف مرآة الکتب ذکر می‌کند: ۱. با این که دانشوران شیعی کتابهای فراوانی تصنیف و تألیف کرده‌اند، اما کتابی که بتواند به صورت نظام‌مند و به ترتیب الفبایی این آثار را شناسایی کند، تا کنون نوشته نشده است. تنها در کتابهای رجال و تراجم و فهرست - در ذیل زندگینامه نویسندگان - به صورت پراکنده از آنها نام برده شده است.

پیدا است که نویسنده از کتاب کشف الحجب و الاستار به قلم سید اعجاز حسین کنتوری هندی (۱۲۸۶-۱۲۴۰ق) - که اندکی پیشتر از او نوشته شده - و نیز کتاب کشف الاستار از سید احمد حسینی خوانساری (۱۳۵۹-۱۲۹۱ق) - که همزمان با او نوشته شده - اطلاعی نداشته است.

۲. دلیل دیگری که مؤلف را به این اقدام واداشته، کتاب کشف الظنون است که نویسنده آن، حاجی خلیفه، آثار شیعه را نام نبرده و اگر هم از هزار کتاب یکی را نام برده، چنان که می‌بایست، آن را معرفی نکرده است.

مؤلف پس از مقدمه، مباحث مفیدی را در پنج فصل به پژوهش نشسته، اما هیچ عنوانی را به جز «الفصل الاول» تا «الفصل الخامس» در سرفصلها نیاورده است. جا داشت که محقق محترم کتاب در میان دو قلاب برای هر فصل عنوانی می‌نهاد تا گویای مطالب مطروحه در فصول پنجگانه باشد. نیز در مورد فواید چهارگانه - که پس از خاتمه مقدمه و پیش از مقصد اول آمده است - می‌توانست این کار را انجام بدهد.

حال برای مزید فایده و شناخت هرچه بیشتر مرآة الکتب، به برخی از مطالب و مباحثی که در این میان پنهان مانده است، اشاره می‌شود:

فصل اول: ۱. نخستین تألیف مسلمانان چیست و کی و چرا و به قلم چه کسی نگاشته شد؟ ۲. کتابهای جامعه و جفر و مصحف فاطمه چگونه کتابهایی است؟ فصل دوم: ۳. بسیاری از کتابهای

نویسندگان است. از آن جا که مؤلف کتابش را ویژه شناسایی کتابهایی ساخته است که نویسندگان آنها شیعه امامیه باشند، تدوین و تفصیل این بخش ضرورتی اجتناب ناپذیر داشته و دو فائده پیشین نیز در حقیقت مقدمه‌ای برای تبیین همین مسئله بوده است. **فائده چهارم** در چگونگی تنظیم و ترتیب کتاب است و در این که نامها و نام پدران به ترتیب الفبایی نوشته شده‌اند.

در این جا ثقة الاسلام می نویسد که در خاتمه مقصد اول، بخشی را نیز به کنیه‌ها و القاب و کسانی که نامشان معلوم نیست یا بیشتر به کنیه و لقب شناخته شده‌اند اختصاص داده است، و این دلیل روشنی است بر این که ثقة الاسلام مقصد اول را تا آخر حرف «ی» نوشته است. با این همه، معلوم نیست چرا این قسمت از کتاب، در چاپ نخست، تنها تا حرف «ع» منتشر شده است. ناشر کتاب هم هیچ‌گونه توضیحی در این مورد نداده است، اما چاپ قدیمی و چهارجلدی کتاب چنان می نماید که یک جلد از آن - پس از جلد اول و پیش از جلد دوم - هنگام انتشار به بوتۀ فراموشی سپرده شده است.

حال از محقق محترم کتاب - که به احیای این اثر سترگ اهتمام کرده‌اند - انتظار می رود که این حلقه گم شده را پیدا، و کتاب را به صورت کامل تصحیح و تحقیق کنند.

اکنون که دو جلد از **مرآة الکتب** انتشار یافته است، جا دارد گنگشتی در این دو جلد داشته باشیم تا کمی از تلاشهای طاقت فرسای شهید بزرگوار، **ثقة الاسلام تبریزی** را در **مرآة الکتب** به تماشا بنشینیم:

جلد اول

۱. **ثقة الاسلام** از برخی دانشمندان معاصرش اطلاعاتی به دست می دهد که در جای دیگر معلوم نیست به دست آید؛ مانند آن جا که از ابوطالب زنجانی (ص ۲۰۷-۲۰۳) و پدرش میرزا ابوالقاسم زنجانی تهرانی (۲۲۵-۲۲۴) سخن می گوید و یا آن جا که از میرزا حبیب الله موسوی خوئی نویسنده **منهاج البراعة** فی شرح **نهج البلاغة** (۴۸۳-۴۸۱) می نویسد و از دیدارش با او می گوید.

۲. از ص ۲۰۶ فهمیده می شود که **ثقة الاسلام** در عین حال که خود از علمای مشروطه خواه بود، از اختلاف علمای دینی

در این باره رنج می برد. وی اشاراتی هم به تاریخ مشروطیت دارد که می تواند پژوهشگران در تاریخ مشروطیت را به کار آید.

۳. در جای دیگر **مرآة الکتب** از علمای اصولی - حتی آنان که در ستیز با شیخیه و اخباریه شهره آفاق بودند - به نیکی نام برده شده است و گاه چنان به بزرگی یاد شده‌اند که موجب می شود انسان **ثقة الاسلام** را شیخی بیندارد. برای نمونه، به ص ۲۱۸-۲۱۷ مراجعه شود.

۴. در ص ۳۵۳ نقدی بر شهید قاضی نورالله شوشتری و مجلسی اول و دوم دارد که خواندنی است و حاکی از این است که آنان در تعیین و تشخیص مذهب نویسندگان تسامح می ورزیدند.

۵. در ص ۳۵۴ صاحب بن عباد را معتزلی می خواند!

۶. در ص ۲۶۶-۲۶۰ درباره شیخ احمد احسانی قلم فرسایی می کند تا آن جا که از دایرة تحقیق فراتر رفته، به مذاحی می پردازد و از خلاصه نویسی گذشته، دچار اطناب و تطویل می شود. این همه، شیخی بودن شهید **ثقة الاسلام** را تقویت می کند.

جلد دوم

۱. در ص ۸۷ پس از نقل سخنی از کتاب **ریاض العلماء** انتقادی بر آن دارد که ظریفانه و محترمانه بیان شده است.

۲. شهید **ثقة الاسلام** درباره مذهب نویسندگان **تعصبی** به خرج نمی دهد و اصرار نمی ورزد که شخصیتهای مورد اختلاف را شیعه معرفی کند، چنان که در جلد اول، صاحب بن عباد را معتزلی می داند. نیز در این جلد، ص ۱۱۲ سید رکن الدین ابو محمد الحسن بن محمد جرجانی را برخلاف صاحب روضات الجنات از علمای عامه می داند. همچنین در ص ۱۴۰ حسین بن ابی الحسن بن خلف کاشغری را برخلاف نویسنده **ریاض العلماء** از امامیه نمی داند.

۳. برعکس سه مورد گذشته، در ص ۱۴۷-۱۴۳ سعی در اثبات شیعه بودن حسین بن احمد بن خالویه دارد و در ص ۲۱۵ تصریح می کند که ملاحسین کاشفی سبزواری شیعه است.

۴. در ص ۱۲۹-۱۲۸ در نقد برخی از سخنان مبالغه آمیزی که

سخن را مرحوم محمدعلی صفوت تبریزی از روزنامه انجمن تبریز در کتابش، داستان دوستان، ص ۶۱ نقل کرده است: «هنگامی که نظامیان دولت اجنبی [سربازان روسیه تزاری] به تبریز آمدند، بیشتر متنقذین وقت و ثروتمندان نه تنها جرئت نفس کشیدن را نداشتند، بلکه متظاهر به حُسن قبول و متمایل به نزدیکی آنها بودند تا بدان وسیله منافع خود را تأمین کنند، اما ثقة الاسلام به امضای صریح خود به مناسبت نزدیکی عید نوروز مقاله‌ای در روزنامه محلی نوشت و از این لحاظ که بیگانگان به خاک ایران تجاوز کرده بودند، مردم را به ترک عید و به رعایت سوگواری دعوت کرد و با این شعر تأثرات خود را آشکار ساخت:

عید آمد و افزود غم را غم دیگر

ماتم زده را عید بود ماتم دیگر.»

باری اینک ما استقلال و تمامیت ارضی میهن عزیز و اسلامی خویش را مدیون مردانی چنین غیور و شجاع هستیم و یادشان را گرامی و آثارشان را پاس می‌داریم و همصدا با لسان الغیب می‌گوییم:

از صدای سخن عشق ندیدم خوشتر

یادگاری که در این گنبد دوار بماند

به جمال تو چنان صورت چین حیران شد

که حدیثش همه جا در در و دیوار بماند.

در حق علامه حلی و علامه مجلسی نوشته شده و گفته می‌شود که آثار مکتوبشان محاسبه شده و برای هر روز از عمرشان هزار بیت آمده است، می‌نویسد: «و کل ذلك من باب حسن الظن و صداقة المحبة، والآيتفوه به ذو فطنة.»

۵. در ص ۲۴۷ از جد بزرگ آیت‌الله سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی (ره)، یعنی سید حسین سلطان العلماء یاد می‌کند و می‌نویسد: «بعضی از نوادگان ایشان امروزه در شهر ما، تبریز، زندگی می‌کنند که معروف به امیرسیدعلی طیب و ملقب به سیدالاطباء است و از فرزندانش تنها میرزا محمد [یعنی سیدشمس‌الدین محمود حسینی مرعشی (م ۱۳۳۸ ق)] در حال حیات است که اینک در نجف اشرف مشغول به تحصیل است و اشتیاق فراوانی به حفظ و انتشار کتاب دارد.»

از این سخنان فهمیده می‌شود که پدر مرحوم آیت‌الله مرعشی نجفی نیز در حفظ میراث مکتوب و گردآوری گنجینه‌های علمی اهتمام چشمگیری داشته است و ایشان در حقیقت به پیروی از پدر بزرگوار و تبار تابناکش عمری را در حفظ و نگهداری آثار علمی و مکتوب کوشید تا بالاخره زحمات صدها سال سعی و کوشش اجدادش را - با تأسیس کتابخانه عظیمی که اینک در جهان کتاب و کتابداری می‌درخشد - به بار نشانند.

۶. در ص ۲۹۸ پس از نقل فتاوی عجیب و غریب یکی از علمای متحجر و غالی، می‌نویسد: «اقول فتاوی‌ه المزبورة مما لاشك فی بطلانها و انعقد الاجماع علی خلافها.» پیشتر در ص ۲۷۵ هم برخی مباحث فقهی را به میان آورده بود که پیداست شهید ثقة الاسلام در علم فقه هم دستی توانا داشت و دست کم دارای مطالعات عمیق فقهی بوده است.

کوتاه سخن این که مرآة الکتب مثل بسیاری از کتابهای تراجم و فهرست نیست که به شرح حال نویسی و گزارشهای ابتدایی کتابشناختی بسنده کند، بلکه در ذیل نام نویسندگان و کتابها، به پرسش و پاسخ می‌پردازد، و سعی می‌کند نقاط کور را روشن سازد. از این رو، می‌توان مرآة الکتب را آینه‌ای دانست که مباحث تازه و افکار ابتکاری در آن تبلور یافته است.

حُسن ختام این نوشته، سخنی از آن شهید نیکنام است؛ این

طرح تدوین کتابشناسی بزرگ شیعه

سید حسن فاطمی

طرح تدوین کتابشناسی بزرگ شیعه، رضا مختاری، قم، مرکز بررسیهای الفدیر، چاپ اول، ۱۳۷۶.

الف - محتوا

۱. محتوای کتابشناسی، معرفی دقیق و تفصیلی تمامی تألیفات عالمان شیعه امامیه از آغاز تا پایان سال ۱۴۰۰ ق است، زیرا طی سالهای تألیف کتابشناسی، آثار بسیاری پدید می آید و همواره باید در آن دست برد. سال ۱۴۰۰، هم رقم رندی است و هم تقریباً با آغاز پیروزی انقلاب اسلامی ایران مصادف است. آثاری که پس از این تاریخ تألیف شده است، در مستدرک و تألیفی جداگانه شناسانده می شود.

۲. در این اثر تنها آثار امامیه - اعم از ترجمه و تألیف - معرفی می شود تا هم به انجام رساندن آن آسان باشد و هم نشانه توجه ویژه به فرقه ناجیه. البته از آثار غیر امامیه در تألیف این اثر استفاده خواهد شد و گاه به طور ضمنی شناسانده می شوند؛ مانند آن قسم از شروح و حواشی کتابهای امامیه که پدید آورندگان آنها غیر امامی هستند.

۳. برخی آثار امامیه حاوی مطالبی است که نظر مکتب امامیه و اکثر علمای این مکتب با آن موافق نیست. باید ضمن معرفی روشن ساخت که مطالب آنها منعکس کننده دیدگاه بیشتر عالمان امامی نیست.

۴. معرفی بسیاری از آثار - نه همه آنها - باید تفصیلی و گسترده و مشتمل بر این نکات باشد:

- موضوع، زبان و نام دقیق و کامل کتاب و نیز نامهایی که به

این کتاب در چهار فصل تنظیم شده است:

فصل اول شامل معرفی اجمالی اهم کتابشناسیهای شیعه در یک صد و پنجاه سال اخیر است که تقریباً به شیوه امروزی و پیشرفته تر از شیوه قدما تدوین شده است.

فصل دوم به نقد الذریعه، بزرگترین و مهمترین کتابشناسی شیعه اختصاص دارد.

فصل سوم در بردارنده دو بخش است: در بخش اول ضرورت تدوین کتابشناسی بزرگ شیعه تبیین شده و در بخش دوم چگونگی تدوین آن و نکات کلیدی و محوری مطرح شده است.

فصل چهارم شامل معرفی تفصیلی غایبه المراد فی شرح نکت الارشاد اثر شهید اول است تا دورنمایی از معرفی آثار شیعه در کتابشناسی مورد نظر در ذهن خواننده ترسیم و مراد نویسنده از چگونگیهای کتابشناسی شیعه واضحتر شود.

از آن جا که طرح تدوین کتابشناسی بزرگ شیعه از اهمیت و ضرورت خاصی برخوردار است، قسمت اصلی کتاب، یعنی بخش دوم از فصل سوم را - که در حد یک مقاله است - انتخاب و خلاصه آن را می آوریم:

آن شهرت دارد یا با آن نامها از آن اثر یاد می‌شود؛

- نام و لقب مؤلف یا مترجم و تاریخ تولد و وفات؛

- ذکر نام مهدی‌الیه؛

- تاریخ دقیق شروع و پایان تألیف و این که آیا نویسنده در

آن تجدیدنظر کرده یا نه؛

- ارزش علمی کتاب؛

- روش مؤلف در تدوین و بخش‌بندی؛

- کتابهایی که نویسنده در تألیف، به نحو محسوس، از آنها

تأثیر پذیرفته است؛

- کتابهایی که از اثر مورد بحث به نحو محسوس و ملموس

تأثیر پذیرفته‌اند؛

- ذکر همه نسخه‌های خطی و در مواردی مهم نسخه‌های

خطی کتاب؛

- یادآوری منابع پژوهش بیشتر درباره کتاب؛

- کتاب چاپ شده است یا نه؟ بر فرض چاپ، تعداد چاپها،

اوصاف و مشخصات دقیق آنها و در صورت عدم چاپ، ذکر

آغاز و انجام؛

- یادکرد اجمالی شروع، حواشی، تعلیقه‌ها، ترجمه‌ها،

تلخیصها، مستدرکها، ردیه‌ها و نظم کتاب؛

- ذکر دیگر آثار نویسنده که در اثر مورد بحث، نام برده یا به

آنها ارجاع داده است و نیز تصریح به عدم آن در صورتی که

نامی از دیگر آثارش نبرده باشد؛

- ذکر مواردی که نویسنده در دیگر آثارش از اثر مورد بحث

یاد کرده است؛

(دو مورد اخیر در صحت انتساب کتابها نقش اساسی دارد.)

- فواید گوناگون تاریخی و کتابشناختی که از آثار استفاده

می‌شود؛ مانند نام بردن و نقل از کتابهایی که اکنون مفقودند.

۵. برای نشان دادن عظمت شیعه و آثار علمی‌اش نباید در

فکر بالا بردن رقم آثار شیعه باشیم، بلکه باید کیفیت عالی

و محتوای ارزشمند آنها را تبیین کرد و این جنبه در معرفیها مد

نظر قرار گیرد، ولو تعداد مؤلفات ماکم باشد.

۶. در شناخت مؤلفان شیعی نباید به نوشته تذکره‌نویسان

اکتفا کرد، زیرا چه بسا عالمی در ستار تقیه بوده است.

۷. در یافتن آثار عالمان شیعه نیز نباید به کتابهای تذکره،

رجال و تراجم بسنده کرد، زیرا بسیاری از آثار شیعه در این گونه

کتابها مذکور نیست، بلکه به مناسبت در سایر کتابها از آنها نام

برده شده است.

۸. بسیاری از آثار شیعه که نامشان در کتابهای تراجم و رجال

آمده امروزه در دست نیست، ولی در بسیاری کتابها مطالبی از

آنها نقل شده است. در شناساندن این‌گونه آثار باید به کتابهایی

مراجعه کرد که مطالب آنها را نقل کرده‌اند و نباید به ذکر نامشان

و این که امروزه مفقود شده‌اند، بسنده کرد.

۹. سرگذشت کوتاه و متقن و مستند هر مؤلفی هنگام معرفی

اولین اثر او، درج و هنگام معرفی سایر آثار آن مؤلف، به مورد

اول ارجاع داده شود. بهتر است در سرگذشت هر نویسنده، نام

آثار وی به اجمال ذکر شود تا یکجا فهرست آثار او قابل رؤیت

و مراجعه باشد.

۱۰. برخی اصطلاحات و عناوین - که موضوع یا نام یک

کتاب خاص نیست - جداگانه به طور مشروح توضیح داده شود.

چنان که مرحوم آقابزرگ در الذریعه این کار را انجام داده است.

مثلاً عنوانهای اجازات، تقریرات، اربعین و ...

ب - روش تدوین

۱. کتابها به ترتیب الفبایی نام آنها معرفی می‌شوند و هرگاه دو یا

چند کتاب دارای یک نام باشند، به ترتیب تاریخ وفات

نویسندگان یا تاریخ تألیف اثر مرتب می‌شوند. ملاک، نام صحیح

کتاب یا نامی است که مؤلف بر آن نهاده و سایر اسامی، ولو

مشهور باشند، به عنوان اصلی ارجاع داده می‌شوند.

۲. هر کتاب دارای یک شماره خواهد بود؛ آن هم جایی که

معرفی می‌شود، و هنگام ارجاع سایر عنوانها به عنوان اصلی،

بدون شماره خواهد بود. از آغاز تا آخر همه مجلدات، شماره‌ها

مسلسل است نه این که هر جلدی از شماره یک آغاز شود.

۳. بسیاری از کتابها دارای سبک و سیاق واحدند؛ مانند

رساله‌ها و کتابهای جواب سؤالات، که مؤلفان نامی بر آنها

نهاده‌اند. در نتیجه در کتابشناسیها نامهای گوناگون بر آنها

گذارده‌اند. در این قبیل موارد، بهترین عنوان انتخاب، و سایر

عنوانها به آن ارجاع داده می‌شود.

۴. آثار وابسته، مانند شرحها، مستدرکها، ترجمه‌ها و ... ذیل

معرفی هر اثر ذکر می‌شوند.

۵. نام آثار مشابه، ذیل هر معرفی ذکر می‌شود.

۶. با استفاده از ارجاعات دقیق و روشمند از تکرارهای

بی‌ثمر پرهیز می‌شود.

۷. نمونه‌هایی از دستخط علمای شیعه و تصویر صفحاتی از نسخه‌های مهم و معتمد، در مواضع مناسب، کلیشه می‌شود.
 ۸. در پایان هر جلد، انواع فهرس راهنما درج و پس از نشر همه مجلدات، یک یا دو جلد فهرست راهنما چاپ می‌شود.
 ۹. در آغاز، یک جلد به عنوان مدخل و مقدمه، تألیف و چاپ می‌شود. شامل معرفی فهرستهای نسخه‌های خطی جهان، معرفی کتابهای تراجم و رجال و تذکره و کتابشناسی، روش و چگونگیهای کار تألیف کتابشناسی، توضیحاتی درباره تشیع و سابقه و خدمات و خاستگاه آن، «منشور عقاید شیعه» که به تأیید اکثر عالمان طراز اول شیعه برسد و جلوی سیل اتهامات مخالفان تشیع را بگیرد.

ج - چند تذکر

۱. به سامان آمدن این طرح، کار یک یا دو نفر نیست؛ حداقل باید صد نفر از اهل خبره در دانشهای گوناگون، که با چگونگیهای کار نیز آشنا باشند، این اثر را تدوین کنند و هر کدام به معرفی کتابهای مربوط به رشته خود بپردازند.
 ۲. آنچه گفته شد نکته‌های اساسی و محوری تدوین کتابشناسی شیعه است.
 ۳. پیش‌بینی می‌شود حجم چنین اثری حدود سی جلد رحلی کوچک (قطع مجله‌ای) و هر جلدی هفتصد صفحه شود.
 ۴. برای ذکر خیر از شیخ آقابزرگ و اثر جاودانه الذریعه، مناسب است نامی انتخاب شود که تداعی کننده یاد شیخ آقابزرگ باشد؛ مثل: الوسيلة الی تصانیف الشیعة.
 الذریعه از بدو تألیف و نشر همواره مورد مراجعه محققان بوده و بسیاری، نقصها و اشتباهاتی در آن یافته‌اند که معمولاً در حاشیه نسخه خود یادداشت کرده‌اند که منتشر نشده، و اگر نشر یافته پراکنده است. پیشنهاد می‌شود برخی مجلات، فصلی ویژه این کار بکشایند، تا هم نویسندگان و پژوهشگران نقصها و اشتباهات الذریعه را به اطلاع دیگران برسانند و هم نظریات و طرحهای خود را در باب تدوین کتابشناسی شیعه مطرح کنند.

نکته پایانی

آنچه گذشت، خلاصه طرح تدوین کتابشناسی بزرگ شیعه بود. هر کس کمترین دستی در امر تحقیق و پژوهش داشته باشد، به اهمیت و ضرورت آن پی می‌برد.

جا دارد اجرای چنین طرحی، به جای این که به صورت کتاب عرضه شود، از همان ابتدا به صورت برنامه‌ای رایانه‌ای تهیه گردد تا دست کم ثمرات زیر بر آن مترتب شود:

۱. تهیه کتاب سی جلدی رحلی، هزینه‌ای سنگین در بردارد و کتابشناسیها همواره با لغزش همراه است و بر طرف ساختن لغزشهای احتمالی در چاپهای بعد نیز هزینه سنگینی خواهد داشت. اما بر طرف ساختن لغزش از برنامه رایانه‌ای بسیار آسان است.

۲. لازمه به کارگیری دقت فراوان - برای این که لغزش در کتاب راه نیابد - تأخیر زیاد در رسیدن به نتیجه است و پژوهشگران در این مدت از بهره‌گیری از آن باز می‌مانند. در صورتی که با تهیه برنامه رایانه‌ای، چندسال زودتر به نتیجه خواهد رسید.

۳. با به کارگیری رایانه، کتابشناسی از پاره‌ای قسمتها بی‌نیاز خواهد شد؛ مانند ذکر اسامی کتابهای مؤلف در شرح حال، زیرا رایانه قابلیت چنین کاری را دارد.

۴. برخی مراکز فرهنگی، این گونه کتابهای مرجع را به محض انتشار، به رایانه می‌دهند. با توجه به گسترش روزافزون رایانه، گرانتر بودن هزینه خرید کتاب و آسانتر بودن استفاده از رایانه، پیش‌بینی می‌شود محققان، استقبال کمی از کتاب کنند و به تهیه برنامه رایانه‌ای اکتفا کنند.

۵. اگر در عرضه چنین طرحی، از رایانه استفاده شود، می‌توان با اولویت دادن به موارد ضروریتر، آن را به گونه مختصر به رایانه داد تا پژوهشگران، سریعتر از چنین طرح عظیمی بهره‌مند شوند و پس از کسب تجربه، آن برنامه را در سطح طرح فعلی گسترش داد.

نامه‌ها

بیانگر احساس و وظیفه در قبال حفظ دستاوردهای نظام اسلامی و تلاش در جهت بهبود کیفی برنامه‌های فرهنگی است.

خداوند به شما جزای خیر عنایت فرماید و تلاش خالصانه مسئولین محترم آن مجموعه را مورد قبول درگاهش قرار دهد.

محسن صیاف‌زاده

کارشناس مسئول روابط عمومی و اسناد

اداره کل آموزش و پرورش استان قم

* * *

محضر حضرت حجت الاسلام والمسلمین آقای دکتر سید

محمود مرعشی

سلام علیکم

احتراماً، بازگشت به نامه شماره ۶۲۴۲-۷۶/۱۲/۴ ضمن تشکر و سپاس از الطاف مبذوله، بدین وسیله از ارسال شماره سوم نشریه کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله مرعشی نجفی - قدس سره - (شهاب) تشکر و قدردانی می‌شود.

علو درجات بزرگ مرجع عالم تشیع مرحوم حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)، توفیقات حضرت عالی و کلیه خدمتگزاران کتابخانه را از درگاه متان سبحان خواستاریم.

علی اکبر فاضلی

مدیرکل اوقاف و امور خیریه قم

* * *

مدیریت محترم کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی

نجفی - قدس سره الشریف -

سلام علیکم

احتراماً عطف به نامه شماره ۴۸۷۲ مورخه ۷۶/۹/۲۶ دفتر روابط عمومی مدیریت محترم کتابخانه در خصوص برنامه‌ریزی و هماهنگی جهت بازدید مبلغان گرامی از کتابخانه و گنجینه بزرگ معارف اسلامی حضرت آیت الله العظمی

حضور محترم جناب حجت الاسلام والمسلمین آقای دکتر سید محمود مرعشی - دام عزه - پس از عرض سلام و امتنان و اهدای تحیات

با تشکر، وصول یک نسخه فصلنامه خبری کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی - قدس سره - به نام شهاب را به کتابخانه حضرت آیت الله العظمی اردبیلی اعلام می‌دارد.

این نشریه حاوی مطالب ارزنده و مفیدی است که دانشمندان از دانستن آنها ناگزیرند، خصوصاً اطلاعات و فهرستهای نسخ خطی و نفایس آن کتابخانه و کتابخانه‌های ممالک همجوار و مطالب خاصی که مربوط به کتابخانه بزرگ آیت الله العظمی مرعشی نجفی - قدس سره - می‌باشد. ضمن تقدیر و تشکر، تأییدات حضرت عالی را از خداوند متعال مسئلت داریم.

دفتر حضرت آیت الله العظمی موسوی اردبیلی

* * *

متولی و رئیس محترم کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی - قدس سره -

سلام علیکم

با احترام، در بازگشت به نامه شماره ۶۲۲۷ مورخ ۷۶/۱۲/۴ بدین وسیله از ارسال نسخه شماره سوم، پاییز ۷۶ فصلنامه کتابخانه بزرگ آیت الله العظمی مرعشی نجفی - قدس سره - تشکر و قدردانی می‌شود.

کوششهای بی دریغ دست‌اندرکاران تهیه و نشر آن مجموعه

مرعشی نجفی (ره) به اطلاع می‌رساند که با برنامه‌ریزیهای انجام شده بیش از ۴۵۰ نفر از مبلغان با کتابخانه و آثار و برنامه‌ها و ویژگیهای آن آشنا شدند.

ضمن تقدیر و سپاس از دعوت دفتر روابط عمومی مدیریت محترم کتابخانه جهت انجام این بازدید و تشکر فراوان از کارکنان دفتر مذکور، امیدواریم در آینده نیز با این گونه برنامه‌های مفید و سازنده بتوانیم ضمن آشنا کردن مبلغان عزیز با مقوله کتاب و کتابخوانی زمینه انس هرچه بیشتر آنان را با علوم و معارف مکتوب و مدون - که حاصل سالها تلاش و تحمل مشکلات و سختیهای طاقت فرسای علمای دین، به ویژه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) است - بیش از پیش به وجود آوریم.

با تشکر مجدد، از خداوند برای جناب عالی توفیق روزافزون مسئلت می‌نمایم.

مرکز آموزش مبلغین (طرح هجرت)

رضا اسکندری

* * *

جناب حجت الاسلام آقای سید محمود مرعشی نجفی با سلام و احترام و تبریک ولادت با سعادت ثامن الحجج حضرت علی بن موسی الرضا - علیه آلاف التحية والثناء - به حضور شما و همکاران محترمتان، شماره سوم مجله شهاب دریافت شد.

طرح جلد چشم‌نواز، مطالب متنوع و جالب و اطلاعات ارزنده آن درخور توجه و قدردانی است. امید آن که حضرت حق جل و علا، حضرت عالی را در انجام وظایف فرهنگی بیش از پیش مؤید و منصور بدارد.

با سپاس

مهدی هادوی تهرانی

مدرس حوزه علمیه قم

* * *

برادر ارجمند جناب آقای دکتر سید محمود مرعشی نجفی متولی و رئیس محترم کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)

با سلام و دعای خیر

خداوند سبحان را سپاس که به شما برادر گرانقدر توفیق خدمت در عرصه فرهنگ را عنایت فرموده و بابتی از فرهنگ را

محور کار ارزشمند خویش قرار داده‌اید که شناخت آن در مقوله کتاب و کتابخوانی ضرورتی انکارناپذیر است. این جانب ضمن آرزوی توفیق و بهروزی برای حضرت عالی و همکارانتان از اظهار لطفی که در ارسال فصلنامه شهاب نموده‌اید، کمال تشکر را داشته و به شکرانه این محبت، یک نسخه آخرین شماره نشریه آتیه جهت استحضار ارسال می‌گردد.

من الله التوفیق

محمدی ستاری فر

رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل

* * *

متولی و رئیس محترم کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) حجت الاسلام دکتر سید محمود مرعشی نجفی - زید توفیقه -

سلام علیکم

احتراماً عطف به نامه شماره ۶۲۹۳ مورخ ۷۶/۱۲/۴ ضمن مسئلت علو درجات از خداوند متعال و باگرمیداشت یاد و خاطره و خدمات ارزنده و پرفضیلت حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی - قدس سره الشریف - که در حیات طیبه و پربرکت خود آثار عظیم فرهنگی برای اسلام و حوزه علمیه از خود باقی گذاشته‌اند و با تقدیر و تشکر از مراحم جناب عالی، بدین وسیله وصول نسخه شماره سوم فصلنامه سودمند ارسالی اعلام می‌گردد.

نقوی - رئیس دادگاه انقلاب اسلامی استان قم

برادر ارجمند حضرت حجت الاسلام و المسلمین آقای دکتر حاج سید محمود مرعشی نجفی رئیس محترم کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله مرعشی نجفی

سلام علیکم

احتراماً عطف به نامه شماره ۵۳۱۵ مورخ ۷۶/۱۲/۴ ضمن تشکر فراوان از الطاف جناب عالی که ما را در ردیف استفاده کنندگان فصلنامه وزین شهاب منظور فرموده‌اید، وصول شماره سوم فصلنامه مربوط به پاییز سال جاری را اعلام می‌داریم و به پاس قدردانی از تلاش آن عزیزان به داستان قدرتمند خادمین فرهنگ اسلامی بوسه می‌زنیم.

سید مهدی طباطبائی

رئیس سازمان برنامه و بودجه استان قم

* * *

آن کتابخانه محترم، مراتب تشکر جناب حجت الاسلام و المسلمین محمدی ری شهری را به استحضار می‌رسانم. امید است با گسترش روزافزون فعالیتهای افتخارانگیز آن کتابخانه بزرگ، شاهد خدمات و برکات افزونتری از آن مرکز نورانی باشیم.

با تشکر

سید حمید حسینی

مرکز تحقیقات دارالحدیث

* * *

محضر محترم آیت‌الله زاده مرعشی جناب مستطاب حجت الاسلام و المسلمین آقای دکتر سید محمود مرعشی نجفی رئیس کتابخانه بزرگ آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی - دامت برکاته -

بعد از ابلاغ سلام و آرزوی علو مقام و درجات متعالیه بی‌نهایت برای مرحوم والد و ازدیاد توفیقات جناب عالی، بدین وسیله اعلام می‌دارم که یک نسخه نشریه سال سوم (پاییز ۷۶) به عنوان فصلنامه کتابخانه (شهاب) با نامه $\frac{۶۵۲۳}{۷۶/۱۲/۱۴}$ واصل گردید. از مراحم جناب عالی تشکر می‌گردد.

امید است با درج مقالات مفید و معرفی کهنترین نسخه‌های خطی از کتب اربعه و کتابهای مفید دیگر و درج شرح حال بزرگان، از علمای خادم و نویسنده، خاصه افراد گمنام، محتوای مجله پربارتر شود.

در این راستا باید عرض کنم یکی از چهره‌های مظلوم قرن اخیر، مرحوم والد معظم می‌باشند، زیرا هنوز اکثر افراد حوزه علمیه قم (تا چه رسد به حوزه‌های دیگر و توده مردم) از تألیف محققان احقاق الحق و این که این کتاب محتوایش چیست و ایشان در طول پنجاه سال زحمات پیگیر چه خدمتی به فرهنگ تشیع وائمه هدی - علیهم السلام - نموده‌اند، بی‌خبر می‌باشند. مع‌الأسف آنچه از زبان خطبا در مجالس ترحیم ایشان شنیدم، تنها سحر خیزی و تشرف به حرم مطهر و داشتن کرامت عابدان چیز دیگر نبود، در حالی که کرامت علما و فقها باز کردن عقده‌های علمی و سنگربندی از مرز دین و مذهب است که در ایشان جمع بود.

در خاتمه دو نسخه دیگر از کتاب اصل الاصول - که از آثار این ناچیز می‌باشد - به پیوست تقدیم می‌گردد.

حسین کریمی

جناب مستطاب حجت الاسلام و المسلمین سید محمود مرعشی نجفی - دام مجده -

با تقدیم تحیات از دل برآمده و تبریک عید نوروز ۱۳۷۷ با کمال خوشوقتی شماره سوم، پاییز ۱۳۷۶ مجله وزین شهاب را دریافت داشتم. ضمن تشکر فراوان از آن جناب و شکرگزاری به درگاه حق تعالی، هر شماره این مجله نسبت به شماره قبلی، هم از حیث محتوا و هم از دیدگاه فنی و زیبایی و جاذبه و تنوع از کمال مطلوبتری برخوردار بوده است.

ضمن حواله درود به روان پاک آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی - قدس سره - که بنیانگذار چنین کتابخانه مجهز و افتخاربخش جهان اسلام گردیده‌اند، از جناب عالی، خلف سراپا شرف آن وجود عظیم النظیر، همین انتظار می‌رفت و بآیه اقتدی عدی فی الکرم. از خداوند مزید توفیقات حضرت عالی را مسئلت دارم و ملتتمس دعای خیر هستم.

جلیل تجلیل

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

* * *

محضر مبارک جناب حجت الاسلام و المسلمین آقای دکتر حاج سید محمود مرعشی نجفی، متولی محترم و ریاست کتابخانه بزرگ حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره)

با سلام و احترام و امتنان فراوان از جناب عالی و دست اندرکاران تهیه فصلنامه خبری شهاب کتابخانه عظیم علامه کبیر مرحوم آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی - قدس سره - بدین وسیله وصول فصلنامه شهاب شماره سوم، پاییز سال ۱۳۷۶ را اعلام می‌دارم. فصلنامه مذکور به حق حاوی مطالب ارزنده و مفیدی است که اهل تحقیق از آن بهره‌مند می‌شوند و از هر جهت درخور تحسین و تقدیر و تجلیل می‌باشد. امیدوارم دستور فرمایند در پایان هر فصلی که فصلنامه شهاب انتشار یافت نسخه‌ای از آن را به نشانی این جانب ارسال دارند.

ارادتمند، مرتضی شفیعی اردستانی

* * *

حضرت حجت الاسلام و المسلمین سید محمود مرعشی نجفی رئیس محترم کتابخانه حضرت آیت‌الله مرعشی نجفی سلام علیکم

بدین وسیله ضمن اعلام وصول نسخه شماره سوم فصلنامه

SHAHAB

Journal of The Grand Library of Ayat Allah Marashi Najafi

Address: Ayat Allah Marashi Najafi st.

Qom - 37157. I.R. IRAN

Tel: + 0251 - 743638/41

Fax: + 0251 - 743637

Grantee: The Grand Library of Ayat Allah Marashi Najafi

Managing Director: Dr. Seyed Mahmoud Marashi Najafi

under the supervision of the Editorial Board Reza

Editor : Reza Moazzen Zadeh

Typesetting and Layout: Faranashr

- *Shahab*, covers the news of the Grand Library of Ayat Allah Marashi Najafi, as well as the following issues:
- To introduce Manuscripts of the Library.
- To introduce the incunabuals kept in the Library.
- To introduce the Publications of the Library.
- Reports from tours by Library's researchers.
- Articles on Criticism and Authorship.
- Articles on Librarianship and Bibliography.
- Articles on introducing various Libraries.

- The use of the articles from this journal is permitted only if reference is made.
- The views presented in this journal are those of the authors.
- No article received will be sent back to the sender.
- The received articles will be edited technically by the editorial board.
- **Shahab** is published quarterly at the end of each season.